

راهنمای مطالعه کتاب مقدس

سه ماه چهارم ۲۰۱۹ | اکتبر | نوامبر | دسامبر

عِزْرَا و نَحْمِیَا



Lars J. Nielsen



فهرست مطالب

۴	۱. مفهوم تاریخ: زروباپل و عزرا — ۶ مهر — ۱۲ مهر
۱۴	۲. نجیمیا — ۱۳ مهر — ۱۹ مهر
۲۴	۳. فراخوانِ خداوند — ۲۰ مهر — ۲۶ مهر
۳۴	۴. مواجه شدن با مخالفان — ۲۷ مهر — ۳ آبان
۴۴	۵. نقض روح احکام — ۴ آبان — ۱۰ آبان
۵۴	۶. خواندنِ کلام — ۱۱ آبان — ۱۷ آبان
۶۴	۷. خداوند بخشایشگر ما — ۱۸ آبان — ۲۴ آبان
۷۴	۸. خداوند و عهد — ۲۵ آبان — ۱ آذر
۸۴	۹. آزمون ها، عذاب ها، فهرست ها — ۲ آذر — ۸ آذر
۹۴	۱۰. پرستش خداوند — ۹ آذر — ۱۵ آذر
۱۰۹	۱۱. مردم رجعت کرده — ۱۶ آذر — ۲۲ آذر
۱۱۴	۱۲. مقابله با تصمیمات اشتباه — ۲۳ آذر — ۲۹ آذر
۱۲۴	۱۳. رهبران اسرائیل — ۳۰ آذر — ۶ دی

Editorial Office: 12501 Old Columbia Pike, Silver Spring, MD 20904

Come visit us at our Web site: <http://www.absg.adventist.org>

Principal Contributors

Jonathan Duffy

Editor

Clifford R. Goldstein

Associate Editor

Soraya Homayouni

Publication Manager

Lea Alexander Greve

Editorial Assistant

Sharon Thomas-Crews

Pacific Press® Coordinator

Wendy Marcum

Art Director and Illustrator

Lars Justinen

Design

Justinen Creative Group

Middle East and North Africa Union

Publishing Coordinator

Michael Eckert

Translation to Farsi

Homa Honarmand

Farsi Layout and Design

Marisa Ferreira



Sabbath School
Personal Ministries

حق چاپ محفوظ و مخصوص «کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم» میباشد. هیچیک از بخشهای این کتابچه راهنمای مطالعه کتاب مقدس مدرسه سبت ویژه بزرگسالان بدون اجازه قبلی و کتبی از کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم (جنرال کنفرانس) قابل ویرایش، تغییر، اصلاح، اقتباس، ترجمه، تکثیر یا انتشار نیست. دفاتر بخشهای تابعه کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم مجاز هستند تا طبق دستورالعمل ویژه ای ترتیبی اتخاذ نمایند تا کتابچه راهنمای مطالعه کتاب مقدس مدرسه سبت ویژه بزرگسالان ترجمه گردد. حق طبع و نشر مطالب ترجمه شده و انتشارات آنان متعلق به کنگره عمومی است. عناوین (ادونتیستهای روز هفتم) و (ادونتیست) و آرم شعله گون جزو اسامی و علامت تجاری ثبت شده متعلق به کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم میباشد و استفاده از آن بدون اجازه قبلی از کنگره عمومی ممنوع است.



انجیل بر اساس عزرا و نحمیا

عزرا و نحمیا رهبران استثنایی و هدایت شده توسط روح، خدا محور و مبتنی به کلام بودند، که عمیقاً خواستار کامیابی قوم خداوند بوده تا نام او اعتلا یابد و در تمامی جهان اعلام گردد. زندگی آنها طوری شکل و الگو گرفته بود که خدا بتواند اراده خویش را از طریق رهبران خادم وفادار و متعهد خویش به پیش ببرد.

به خاطر سرشت گناهکار ما، عادات اکتسابی و خصایل ارثی، فقط می توانیم از طریق مطالعه کلام متحول کننده خداوند و با کمک روح القدس، تغییرات حقیقی و پایداری را بدست آوریم. ایمانداران « نه به قدرت و نه به قوت، بلکه به روح [خداوند] زندگی می کنند (زکریا ۴: ۶)، و با توکل و تمسک به وعده های خداوند به واسطه ایمان (حبقوق ۲: ۴)، که به یک زندگی روحانی پویا منجر می شود.

دروس این سه ماهه این گونه به تصویر می کشد که زندگی پیچیده و بغرنج است. به محض اینکه مترصد می شویم تا کاری نیکو انجام دهیم، موانع ظاهر می شوند، و مخالفت ها قد علم می کنند. حتی ممکن است که دوستان ما بطور آشکارا یا مخفیانه با ما مخالفت کنند، و شاید جزو دشمنان ما بشوند. موانع و مقاومت در برابر خیر نشان می دهد که شیطان زنده، و گناه واقعی است. مبارزه با شیطان با قدرت بشری نا ممکن است زیرا که شیر قوی تر از ماست. تنها خداوند می تواند ضامن پیروزی ما و متحول کننده افکار ما باشد، و به ما برای یک زندگی مطلوب قدرت بدهد. نومیادی های زندگی، فرصت هایی برای تغییر هستند. نا امیدهای ممکن است به ما کمک کنند که بر روی کمبودها و ضعف های خود متمرکز شویم و رشد روحانی خود را تسریع کنیم، زیرا که ما از طریق قدرتی که خداوند به ما می بخشد، پیروزی بر هر بحرانی را بدست می آوریم. نه کتاب عزرا و نه نحمیا، هیچکدام با خوش بینی به پایان نمی رسد. گناه مسئله مهمی است که به سرعت و به راحتی گسترش می یابد. بزرگترین چالش ها بیرونی نیستند، بلکه با خیانت به خداوند به واسطه عدم پیروی از اراده آشکار او، از طرف قوم خود وی چنین می

باشد. وفاداری به خداوند و پایداری در پیروی از فرامین او، سخت ترین آزمایش برای کلیسای خداوند است. همانطور که عزرا درست فهمید، تنها قدرت برای تغییر از طریق کنکاش مستمر کلام خداوند و درک عمیق و درون‌سپاری آنها بدست آید.

به منظور شروع تحقق نبوت های ۷۰ هفته و ۲۳۰۰ شب و روز (که هر دو از سال ۴۵۷ قبل از میلاد آغاز می‌شوند)، خداوند رحمت و بزرگواری خویش مداخله می‌کند و اردشیر اول را تحت تاثیر قرار می‌دهد تا به عزرا و گروهی از اسرائیلی‌ها اجازه دهد تا به اورشلیم بازگردند و امنیت راه را تضمین کند، و حتی نیازهای مادی و تدارکات مالی را برای خدمات معبد مهیا سازد (عزرا ۷: ۱۱ تا ۲۸).

مضامین کلیدی الهیاتی این دو کتاب عبارتند از مشیت الهی، وفاداری، و عهد خداوند. خداوند به وعده های خود وفادار بود، هرچند که قوم او کوتاه فکر، مغشوش، پریشان و لجوج بودند. او از طریق خادمان خودش، آنها را از وضعیت رخوتی که در آن قرار داشتند، به احیا و اصلاح دعوت کرد. « کار احیا و اصلاحات با بازگشت تبعیدیان، تحت رهبری زروبابل و عزرا و نحمیا به پیش رفت، که ارائه کننده تصویری از یک کار احیای روحانی است که در ایام پایانی تاریخ زمین صورت می‌پذیرد. بازماندگان اسرائیل، مردمی ضعیف بودند که در معرض تاخت و تاز دشمنانشان قرار داشتند؛ اما خداوند از طریق آنان قصد داشت معرفت خویش و احکام خود را حفظ کند. آنها نگهبانان عبادت حقیقی و حافظان نبوت های مقدس بودند » (الن جی وایت، انبیا و پادشاهان، صفحه ۶۶۷).

عزرا و نحمیا از لحاظ تاریخی به هم مرتبط بودند، و آنها تحولی حیاتی را در زندگی قوم خداوند پوشش دادند. این ۲۳ باب، از یک حکایت بزرگ، با زیرمجموعه های آن که مکمل یکدیگر هستند و مسائل الهیاتی مشابهی را پوشش می‌دهند. با مطالعه دقیق الگوی ارائه شده، می‌توانیم اقدامات بزرگ تاریخ‌خداوند و رهبری پر مهر او را درک کنیم.

در نظر داشته باشید که همه چیز در این کتاب ها در نظم تاریخی خود ارائه نگردیده، و این که بخش هایی از آن به سبک موضوعی نگاشته شده است.

همانطور که خواهیم دید، چالش عزرا و نحمیا این نبود که معبد را بازسازی کنند (معبد در سال ۵۱۵ قبل از میلاد، بیش از ۵۰ سال قبل از ورود عزرا تکمیل و وقف شد)، بلکه بازسازی شهر اورشلیم، مدیریت آن، و استقلال ملی آن بود که همگی در نهایت راه را برای آمدن مسیح هموار می‌کردند. همانطور که ما در این سه ماهه، کلام خداوند را مطالعه می‌کنیم، باشد که خداوند ما الهام بخشد، قلبهای ما را لمس کند، و افکار ما را متحول کند و به ما توانایی بخشد تا روزانه با ایمان و شور و شوق در پی او باشیم و او را پیروی کنیم.

یزی ماسکلا، دکترای الهیات، رئیس دانشکده و استاد تفسیر عهد عتیق و الهیات در

دانشکده الهیات دانشگاه اندروز وابسته به کلیسای روز هفتم ادونتیست است. او در سال ۱۹۹۹ به این دانشکده ملحق شد. پیش از آمدن به دانشگاه اندروز، ماسکلا در سمت های مختلف از جمله (کشیش، کارمند امور اداری، معلم، و مدیر) در جمهوری چک خدمت کرده است و تعداد زیادی مقاله و کتاب را به زبان های چک و انگلیسی نوشته و یا ویرایش کرده است. علاوه بر این، او در چندین پروژه باستان شناسی در تلّ جلول در اردن شرکت داشته است.

درکی از تاریخ: زروبابل وعِزرا



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: ارمیا ۲۵: ۱۱، ۱۲؛ دانیال ۹: ۱، ۲؛ عزرا ۴: ۱ تا ۷؛ اشعیا ۵۵: ۸، ۹؛ عزرا ۷: ۱ تا ۲۸.

آیه حفظی: «کوروش، پادشاه پارس چنین می‌فرماید: یهوه خدای آسمانها، تمامی حکومت‌های زمین را به من بخشیده و مرا برگماشته است تا در اورشلیم که در یهوداست، خانه‌ای برای وی بنا کنم» (عزرا ۱: ۲).

در نوشته‌های ارمیا، خداوند وعده داده بود که قوم او پس از ۷۰ سال تبعید در بابل به خانه خود باز خواهد گشت. کوروش پادشاه، از طرف خداوند سبب گردید تا این بازگشت صورت پذیرد. از طرف خداوند (اشعیا ۴۵: ۱) کوروش در سال ۵۳۸ قبل از میلاد حکم بازگشت آنان را صادر کرد و قوم خداوند را آزاد کرد که به کشورشان بازگردند و معبد را بازسازی کنند.

این خداوند بود (نه کوروش) که در باره اورشلیم سخن میگفت: «اورشلیم بازسازی شود، و بنیاد معبد بزرگ گذاشته شود» (اشعیا ۴۴: ۲۸). خداوند ضامن شده بود که اورشلیم بازسازی خواهد شد و قلب کوروش را برانگیخت تا به آنان اجازه دهد تا معبد را بسازند.

همچنین همیشه این امید و دلگرمی وجود دارد تا مشاهده کرد که قوم خداوند در برابر اقدامات خداوند پاسخ مثبت بدهند: «آن وقت سران خاندان و طایفه‌های یهودا و بنیامین به همراه کاهنان و لویان و تمام کسانی که خداوند دل‌هایشان را برانگیخته بود، حاضر شدند به اورشلیم بروند و معبد بزرگ را در آنجا بسازند» (عزرا ۱: ۵).

ما در اینجا می‌توانیم نمونه‌ای از مردمی را ببینیم که به اقدامات خداوند توانا و بخشنده پاسخ مثبت می‌دهند. بهترین عملکرد ما در برابر خداوند از درک این مسئله

ناشی می شود که خداوند چه کسی است و چه کاری برای ما انجام داده است. و از دانستن اینکه او چگونه از روی محبت به خاطر قوم خود مداخله می کند.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۳ مهر - ۵ October آماده شوید.

یکشنبه

۷ مهر

بازگشت اولین گروه تبعیدیان

ارمیا ۲۵: ۱۱، ۱۲ و ۲۹: ۱۰ و دانیال ۹: ۱، ۲ را بخوانید. چه زمانی اولین گروه تبعیدیان بازگشتند؟ کدام نبوت با این بازگشت به حقیقت پیوست؟

خداوند کوروش را تحت تاثیر قرار داد تا اجازه بازگشت نخستین گروه تبعیدیان را در راستای تکمیل و اجرای نبوت ارمیا که ۷۰ سال پیش از آن پیش گوئی شده بود، را صادر کند. ارمیا نوشته بود که سرزمین یهودا به مدت ۷۰ سال بوسیله بابلیان مورد تاخت و تاز قرار خواهد گرفت (این رویداد بین سالهای ۵۳۶/۵۳۷ تا ۶۰۶/۶۰۵ اتفاق افتاد)، اما پس از آن خداوند درها را برای بازگشت اسیران خواهد گشود. همانطور که دانیال نوشته های ارمیا را مطالعه می کرد، متوجه شد که زمان برای آن وعده بازگشت فرا رسیده است.

در دانیال باب ۹، دانیال به خاطر اینکه زمان خاتمه ۷۰ سال تقریباً نزدیک است، بدون اینکه تغییر آشکاری بروز کرده باشد، و از طرفی دیگر اینکه امپراطوری جدید ایران تازه به قدرت رسیده است، پریشان خاطر شده بود. او ماتم می گیرد و به سوی خداوند می رود و خواستار رحمت و شفقت او و تحقق وعده های او می شود. در همین باب (دانیال ۹: ۲۴ تا ۲۷)، خداوند به دانیال اطمینان می دهد که او همه چیز را زیر نظر و تحت کنترل دارد و برای آینده نقشه ای دارد که با یک نجات دهنده، یعنی کسی که برای گناهان بشر قربانی می شود، عدالت را به ارمغان خواهد آورد، و آئین قربانی به کمال خواهد رسید. در واقع، خداوند می گوید: « دانیال، نگران نباش. از آنجا که نجات دهنده حقیقی (مسیح) به واقع خواهد آمد، در حال حاضر نیز من رهاننده ای برای شما خواهم فرستاد. » خداوند بلافاصله پس از آن کوروش، پادشاه پارس را تهییج می کند تا فرمان آزادی اسیران را صادر کند. خداوند همیشه در انجام وعده هایش صادق است (دانیال باب ۱۰ را ببینید که چگونه خداوند در جهت حفظ بهروزی مردمش در وطن خودشان مداخله می کند).

در عزرا باب ۱ نوشته شده است که کوروش پادشاه اعلام می کند که قوم اسرائیل آزاد هستند تا به اورشليم بازگردند و خانه خداوند را بسازند. این فرمان بین سالهای ۵۳۷ تا ۵۳۹ قبل از میلاد صادر می شود، و نه تنها کوروش به آنها اجازه می دهد که بروند، بلکه او اطمینان

حاصل می‌کند که آنها با هدایا و پیشکش‌ها، شامل ظروف اصلی معبد که توسط نبوکدنصر به تاراج رفته بودند، بازگردند. این رویداد یادآور خروج قوم بنی اسرائیل از مصر می‌باشد، هنگامی که خداوند قلوب مردم مصر را به جنبش در آورد تا به آنان در هنگام خروج از مصر هدایا و پیشکش‌هایی در حین وداع بدهند. گروه اول تبعیدیان که به یهودا باز می‌گشتند مرکب از ۵۰,۰۰۰ نفر بود، که به احتمال زیاد شامل زنان و کودکان قلمروهای دیگر هم می‌شد.

چه نبوت‌های تاریخی دیگری، دقیقاً همانطور که در کلام خداوند وعده داده شده بودند، تحقق یافته‌اند؟ و چگونه می‌توانیم با توجه به آنها آسوده‌خاطر باشیم و آگاه باشیم که خداوند از آینده با خبر است و ما می‌توانیم به وعده‌های او اعتماد کنیم؟

دوشنبه

۸ مهر

مرور کلی پادشاهان و رویدادها

به اولین گروه بازگشتگان وظیفه بازسازی معبد خداوند سپرده شد. ما در درس بعدی درباره مخالفت با ساخت معبد مطالعه خواهیم کرد. اکنون، در مورد تسلسل پادشاهان پارس در دوران ساخت و ساز طولانی معبد و بازسازی اورشلیم بحث خواهیم کرد. حائز مهم است که پیشینه تاریخ پنهان روایت‌های عزرا و نحمیا دانسته شود، زیرا که بینش عمیق‌تری از پیام‌های آنان را برای ما فراهم می‌کند.

عزرا ۴: ۱ تا ۷ را بخوانید. پادشاهان مختلفی که مخالفت با ساخت معبد در طول دوران حکومتشان رخ داد، چه کسانی بوده‌اند؟

در این اینجا فهرستی از پادشاهان پارس با نظم تاریخی حکومت آنها وجود دارد، کسانی که با کتاب‌های عزرا و نحمیا مرتبط هستند. این لیست با کوروش شروع می‌شود که امپراطوری پارس را بنیان‌گذاری و در سال ۵۳۹ قبل از میلاد، بابل را فتح کرد.

کوروش دوم «کوروش کبیر» (۵۵۹ - ۵۳۰ ق. م.)

کمبوجیه دوم (۵۳۰ - ۵۲۲ ق. م.)

داریوش اول (۵۲۲ - ۴۸۶ ق. م.)

خشیارشا اول (۴۸۵ - ۴۶۵ ق. م.) (همچنین در کتاب استر به عنوان اخشورش

شناخته می‌شود)

اردشیر اول (۴۶۵ - ۴۲۴ ق. م.)

همانطور که ما این کتاب ها را مطالعه می کنیم، بسیار مهم است بدانیم که حضور این پادشاهان در کتاب عزرا به ترتیب تاریخی آنها نیست، و برای مثال، در عزرا باب ۴ آیات ۶ تا ۲۴ که قبل از باب ۵ است، ادامه داستان مخالفت با ساخت معبد درج شده است. در نتیجه نامه های مربوط به خشایارشا اول و اردشیر اول در عزرا باب ۴ بعد از وقایع ثبت شده در باب ۵ و ۶، با داریوش سر و کار دارد. این توالی ممکن است در نظر خوانندگان گیج کننده و غامض باشد و ممکن است شرح حال های مردم در طول قرن ها در رابطه با این کتاب ها، برای برخی سر درگمی ایجاد کند. در درس های این سه ماهه، نظم و ترتیب این وقایع تاریخی را بررسی می کنیم و این به درک بهتر ما از پیام های عزرا و نحمیا کمک خواهد کرد.

هر چند وقت یکبار در کتاب مقدس با چیزهایی مواجه می شوید که شما را گیج و سردرگم می کند؟ چگونه می توانید یاد بگیرید که به خداوند و کلام او اعتماد کنید، حتی هنگامی که به نظر می رسد هیچ چیز معنا و مفهومی ندارد؟ چرا اعتماد به خدا مهم است؟ (اشعیا ۵۵: ۸ و ۹ را ببینید)

سه شنبه

۹ مهر

بازگشت دومین گروه تبعیدیان

در کتاب عزرا ۷: ۱ تا ۱۰ و ۸: ۱ تا ۱۴ می بینیم که اردشیر اول به عزرا اجازه می دهد تا به اورشلیم بازگشته (در سال ۴۵۷ ق. م.) و مجاز است تا هر کسی را که می خواهد با خود به همراه ببرد. اطلاعات چندان زیادی در مورد رابطه بین عزرا و پادشاه، یا اینکه آیا عزرا در دربار او خدمت می کرده یا نه در دسترس نیست. در عزرا باب ۸ فهرست سران خانواده کسانی که با او برمی گردند موجود است، که این لیست با کاهنان مراجعت کننده شروع و به دنبال آن خاندان سلطنتی و در پایان مردم عادی یهودی قرار می گیرند. مخصوصاً نام دوازده خانواده قید شده است، که این تصور پیش می آید که این یک یادآوری عمدی از دوازده قبیله بنی اسرائیل است.

در این آیات فهرست حدوداً ۱,۵۰۰ مرد وجود دارد، که تقریباً در مجموع ۵,۰۰۰ تا ۶,۰۰۰ زن و بچه شمارش شده اند. این گروه به مراتب کوچکتر از گروه اول بودند که با زروبابل و یوشع بازگشتند.

عزرا ۷: ۱ تا ۱۰ را بخوانید. این آیات چه چیزی را درباره عزرا به ما می آموزد؟

کتاب عزرا یک کاتب بود که پیشینه او به کاهنان می‌رسید. او به عنوان یک کاهن، از نسل هارون، برادر موسی بود، کسی که اولین کاهن از قوم بنی اسرائیل بود. با توجه به شرح حال‌های ثبت شده در کتاب عزرا، و همچنین در سنت یهود، نام عزرا حتی امروزه در مرتبه بالایی قرار دارد. به هر حال اینکه عزرا به عنوان کاتب در دربار اردشیر پادشاه خدمت می‌کرده یا نه، معلوم نیست، هر چند، این شرح از عزرا به عنوان کاتب به مسئولیت‌های قبلی او و یا به توانایی‌های او اشاره می‌کند که پس از رسیدن به یهودا آن را به کار می‌گیرد. بهر حال، عزرا باید قابلیت در خور توجه برای اردشیر کار کرده باشد به خاطر این که پادشاه او را به عنوان رهبر گروه اعزامی به اورشلیم بفرستد.

در کتاب عزرا ۷: ۶ و باب ۱۰، عزرا به عنوان کاتبی «ماهر» و «وقف شده» و یا معلم ملقب شده است. کلمه «ماهر» به معنای «سریع» است، یعنی کسی که در درک و حل و فصل مسائل و اطلاعات چابک است. عزرا با هوش و ذکاوت بود - او به خاطر دانش و هوشیاری و موشکافی احکام خداوند معروف بود. علاوه بر این، این واقعیت که پادشاه، عزرا را انتخاب کرد تا گروه اسرائیلیان را به یهودا بیاورد، گواه شجاعت و توانایی او و شایستگی او برای رهبری است.

به این مطلب توجه کنید که عزرا قلب خودش را آماده کرد تا در پی «احکام خداوند» باشد (عزرا ۷: ۱۰). چگونه می‌توانیم در حال حاضر این اصل را در زندگی خود بکار ببریم؟

چهارشنبه

۱۰ مهر

فرمان اردشیر

عزرا ۷: ۱۱ تا ۲۸ را بخوانید. جزئیات فرمان پادشاه چه بودند؟ چرا این دستورالعمل‌ها برای ملت اسرائیل مهم بودند؟

فرمان اردشیر شبیه اولین فرمان کوروش است. پادشاه توصیه می‌کند به هر کسی را که تمایل به سفر اورشلیم دارد، راهی شود، مخصوصاً اگر از صنف کاهنان باشد. اگرچه طبق اسناد تاریخی موراشو، در نهایت اکثریت یهودیانی که در سرزمین پارس کهن باقی ماندند (همانطور که در داستان استر بیان شده است)، کسانی بودند که منتظر فرصتی برای شروع یک زندگی جدید در سرزمین اجدادی خود بودند. پادشاه بیشترین فرمان‌های خودش را بر روی خزائن سرزمین رود فرات معطوف کرد. خزانه داران باید برای عزرا هر آنچه را که برای بازسازی شهر نیاز داشت، فراهم می‌کردند «تا خانه خداوند را که

در اورشلیم است زینت دهد» (عزرا ۷: ۲۷). در نهایت، پادشاه به عزرا ماموریت داد تا نسبت به رعایت مناسب احکام خداوند و نیز احکام زمین اطمینان حاصل کند. نظم و تشکیلاتی را که این فرمان ایجاد می کرد، جنبه های مهمی از هر جامعه ای می باشد. علاوه بر این، پادشاه برای اسرائیلیان و عزرا، راحتی و امنیت سفر را برای بازسازی میهن شان فراهم ساخت.

آیا نگرانی و توجه پادشاه برای بازسازی شهر اورشلیم و معبد، نشان دهنده این است که او جزو یکی از ایمانداران به خدای عزرا شده بود؟ اردشیر خداوند را خطاب قرار می دهد « برای خدای اسرائیل که مسکنش در اورشلیم است » (عزرا ۷: ۱۵). الفاظی که پادشاه در مورد خدای اسرائیل بکار می برد، نشان می دهند که او خداوند را فقط به عنوان خدای محلی دیگری می بیند که نیاز است تا بوسیله هدایا او را خشنود سازد. او نمی خواست که این خدای محلی از او و پسرانش خشمگین شود (عزرا ۷: ۲۳). علاوه بر این، ما باید همچنین توجه داشته باشیم که ۴۵۷ ق. م. سال شورش مصر علیه حکومت پارس است؛ بنابراین، احتمال دارد که این اقدامات راضی کننده پادشاه این گونه تدبیر شده باشد تا وفاداری و بیعت استان یهودا را بدست آورد.

متأسفانه، با وجود تعاملی که پادشاه با عزرا و نجمیا داشته است، باعث نشد تا به خداوند ایمان بیاورد. حداقل، نشانی در آیات کتاب مقدس وجود ندارد که او به یکی از ایمانداران مبدل شده باشد، و این به این معناست که خداوند می تواند حتی از افراد بی ایمانان برای انجام خواست خودش بر روی زمین استفاده کند.

حتی در میان درد و رنج بسیار، چگونه میتوانیم یاد بگیریم که به حاکمیت خداوند بر جهان، همانطور که در اینجا دیده می شود، اعتماد کنیم؟

۱۱ مهر

پنجشنبه

اهمیت تعلیم و آموزش

عزرا ۷: ۶ و ۱۰ بخوانید. چه چیزی را این آیات در مورد اهمیت آموزش مذهبی مناسب به ما یاد می دهند؟

سرسپردگی عزرا با تمامی دل و جان به خداوند و تصمیم او در مطالعه، عبادت و تعلیم کلام خداوند (عزرا ۷: ۶، ۱۰)، او را برای خدمتی بزرگتر به قوم بنی اسرائیل آماده کرد. متون کتاب مقدسی به معنای واقعی کلمه شرح می دهند که عزرا خود را وقف مطالعه، انجام / ایجاد و تعلیم قانون خداوند کرده است.

خانم الن جی وایت بینش مهمی را ارائه می‌دهد: « به عزرا، از نوادگان پسران هارون، تعالیم الهی آموزش داده شده بود، و علاوه بر این او با نوشته های مجوسیان و ستاره شناسان و عالمان قلمرو ماد - پارس، آشنایی داشت. اما او از شرایط روحانی خودش خرسند نبود. او تمایل داشت که با خداوند کاملاً هماهنگ باشد؛ او برای حکمتی اشتیاق داشت که دربرگیرنده اراده الهی بود. بنابراین او» دل خویش را به تفحص در شریعت خداوند و اجرای آن و آموزش فرایض و فرمانهایش در اسرائیل سپرده بود « (عزرا ۷: ۱۰). این مسئله او را هدایت کرد تا خود را سرسختانه وقف تحقیق و مطالعه در مورد تاریخ قوم خداوند کند، همانطور که در نوشته های انبیا و پادشاهان ثبت شده است. او در کتابهای تاریخی و شعر کتاب مقدس تفحص کرد تا یاد بگیرد که چرا خداوند اجازه داده بود که بیت المقدس نابود شود و قوم او به سرزمین کافران به اسارت برده شوند « (الن جی وایت، انبیا و پادشاهان، ص. ۶۰۸) .

« تلاش های عزرا برای احیای علاقه به مطالعه کلام خداوند، با کار سخت و طولانی او برای حفظ و ضبط نوشته های الهی، به او پشتکار داده بود. او تمام نسخه های احکام خدا را که می توانست پیدا کند، جمع آوری کرد، و آنها را رونویسی و منتشر ساخت. کلام پاک و منزّه خداوند به این ترتیب نشر پیدا کرد، و در دسترس بسیاری از مردم قرار گرفت، به مردم دانشی را داد که بسیار با ارزش و بی همتا بود » - صفحه ۶۰۹.

توجه داشته باشید که، اگرچه عزرا طریق های بت پرستان را یاد گرفته بود، او متوجه شد که آنها درست نیستند؛ بنابراین او در پی دانستن حقیقت از سرچشمه حقیقتی بود که همان کلام خداوند و « احکام خداوند » است. او مجبور شد، آنچه را که از دانشگاه های دنیوی یاد گرفته بود کنار بگذارد و فراموش کند، زیرا که بدون شک، بسیاری از آنچه که آنها به او آموخته بودند، اشتباه بودند. و بالاخره، « نوشته های مجوسیان و ستاره شناسان » چقدر برای او مفید بودند؟

به چه طریق هایی، حتی امروزه، ممکن است نیاز داشته باشیم، تا بسیاری از چیزهایی را که دنیا به ما آموخته را کنار بگذاریم و از یاد ببریم؟

جمعه

۱۲ مهر

اندیشه هایی فراتر: فصل « عزرا کاهن و کاتب »، را از کتاب انبیا و پادشاهان، صفحات ۶۰۷ تا ۶۱۷ بخوانید.

کار دشوار عزرا را در نظر بگیرید: « عزرا سخنگو و منادی خداوند شد، و به آموزش مسائلی درباره او که همانا اصول حاکم بر آسمان هستند، پرداخت. در طول سالهای باقی مانده از عمرش، چه در مقام نزدیک به شاه در کاخ پادشاه ماد - پارس و یا در اورشلیم، اصل کار او تعلیم بود. همانطور که او درباره حقایقی که یاد گرفته بود با

دیگران صحبت می کرد، توانایی هایش در رابطه با کاری که می کرد، افزایش می یافت. او مبدل به یک مرد با تقوا و غیرتمند شد. او شاهد خداوند برای جهان، درباره قدرت حقیقت کتاب مقدس برای بهبود زندگی روزمره بود « (اَلن جی وایت، انبیا و پادشاهان، صفحه ۶۰۹).

« در کار اصلاحات که امروزه در حال انجام است، به مردانی همچون عزرا و نحمیا نیاز است، کسانی که نه با گناه کنار می آیند و نه تسلیم آن می شوند و نه با توجیه کردن، عزت و بزرگی خداوند را کوچک می کنند. کسانی که زحمت بار این کار را بر دوش می کشند و زمانی که اشتباهی رخ می دهد در برابر آن ساکت نمی مانند، و یا با رداء نیکوکاری دروغین شیر را پنهان نمی کنند. آنها به یاد خواهند داشت که خداوند جانبدار اشخاص نیست، و اینکه سختگیری به تعداد کمی، ممکن است باعث رحمت و منفعت برای بسیاری باشد. آنها همچنین به یاد خواهند آورد که در کسی که شیطان را ملامت و توبیخ می کند، روح مسیح باید تا ابد آشکار شود » - صفحه ۶۷۵..

سوالاتی برای بحث

۱. بله، ما وعده های شگفت انگیزی از طرف خداوند داریم. اگرچه در عین حال، خداوند ما را مجبور به انجام هیچ کاری نمی کند. ما در زندگی خودمان ممکن است چه انتخاب هایی را بکنیم که مانع تحقق این وعده ها در زندگی ما بشوند؟

۲. دعای دانیال باب ۹ آیات ۱ تا ۲۳ را بخوانید. چه اصولی را در آن می بینید که ممکن است، بصورت شخصی در تجربیات خود شما بکار رفته باشند؟ این است، آنچه که دانیال انجام داد، رفتار او چگونه بود؟ او چه چیزی را درخواست کرد؟ چه چیز دیگری را شما در آنجا می بینید که ممکن است امروزه به ما مربوط شود؟

۳. در درس روز پنجم خواندیم، که خانم اِلن جی وایت در مورد چگونگی محوریت کلام خداوند در رسالت عزرا و درباره اینکه چگونه او سخت کوشید تا آن را در میان مردم نشر دهد. امروزه چه درس روشن و مهمی برای ما در مورد محوریتی که کلام خداوند باید در زندگی ما و کلیسا داشته باشد، وجود دارد؟



اسید پاشی

توسط اندرو مک چسنی، مبشر ادونتیست

بانزا موولا، شبان یکی از کلیساها در جمهوری دموکراتیک کنگو که قبلاً در روز یکشنبه به عبادت می پرداخت، هنگامی که همسر و پسرش در روزی که در کلیسای ادونتیست های روز هفتم تعمید گرفت به او اسید پاشیدند و چیزی نمانده بود که بمیرد. اما بانزا، که صورتش برای همیشه از شکل افتاده بود، به زندگی چسبیده بود و امروز به عنوان شبان غیر رسمی کلیسای ادونتیست شهادتهای قدرتمندی را موعظه و جماعت بسیاری را به سوی عیسی جذب می کند.

بانزا گفت: « به خاطر اینکه به خانواده کلیسای ادونتیست تعلق دارم، و به خاطر اینکه شریشکست خورده است، خدا را شکر می کنم ».

داستان اینگونه شروع می شود که در اکتبر سال ۲۰۱۳ بانزا در یک کارزار بشارتی در جنوب شرقی شهر لیکاسی شرکت جست. او که شدیداً مشتاق بود تا بدر مورد اصول عقاید ادونتیست بیشتر بداند، در یک آموزشکده شبانی در دانشگاه محلی فیلیپ لیمون ثبت نام نمود.

بانزا پس از تعمید به خانه بازگشت، در حالی که بخاطر قدرت عیسی با شادی سرود می خواند. به محض این که وارد خانه شد، پسر ارشد او به طرف او حمله کرد و یک سطل اسیدسولفوریک را به روی صورت و بدنش پاشید. بانزا در حالی که نمی توانست ببیند و از سوختن درد می کشید احساس سوزش می کرد، با زجر فریاد کشید و بر روی کف زمین به خود پیچید.

رئیس اتحادیه بشارتی شرق کنگو، رابرت اس موهونه گفت: همسر و پسر بانزا از این موضوع خشمگین بودند که او کلیسایشان را ترک کرده بود، و دسیسه چیدند تا به او حمله کنند و امیدوار بودند که او در همان لحظه بمیرد.

او گفت: « اما خوشبختانه معجزه شد و آن مرد نمرد ». همسایه ها ناله بانزا را شنیدند و او را سریعاً به بیمارستان رساندند.

دکترها مطمئن نبودند که او بتواند زنده بماند. او یکی از چشمهایش را از دست داد و اکثر قسمت های پوست بدنش از بین رفت.

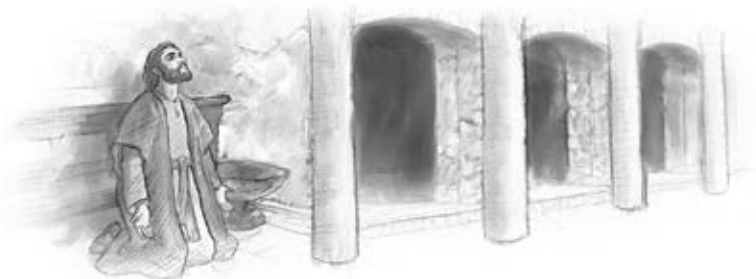
او هفته ها تحت مراقبت شدید بود و همچنان جراحی های پلاستیکی بر روی پوستش ادامه دارد.

کلیسای جهانی ادونتیست هزینه های گران قیمت عمل های جراحی را پوشش داده است.

همسر و پسر بانزا پس از حمله به او ناپدید شده بودند.

بانزا، در سمت چپ تصویر، در حالی که همچنان درد می کشد؛ زمان کوتاهی را در بیمارستان گذراند. او فعالانه شهادت خود را در کلیساها و جلسات اردو به مشارکت می گذراند. هر زمان که داستان خود را به مشارکت می گذارد آیه مورد علاقه خود را از کتاب اشعیا باب ۴۳ آیات ۱ تا ۳ نقل می کند: « اما ای اسرائیل، خداوند که تو را آفریده است اینک چنین می فرماید: نترس! زیرا من بهای آزادی تو را پرداخته ام. من تو را به نام خوانده ام. تو مال من هستی. هنگامی که از آبهای عمیق بگذری من با تو خواهم بود. هنگامیکه سیل مشکلات بر تو هجوم آورد، نخواهم گذاشت غرق شوی! هنگامی که از میان آتش ظلم و ستم عبور کنی، شعله هایش تو را نخواهد سوزاند! زیرا من خداوند، خدای مقدس تو هستم و تو را نجات می دهم. مصر و حبشه و سبا را فدای آزادی تو می کنم. ».

نَحْمِیا



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: نَحْمِیا ۱ - ۲، تثنیه ۷: ۹، مزامیر ۲۳: ۱ تا ۶، اعداد ۲۳: ۱۹.

آیه حفظی: « چون این سخنان را شنیدم، نشستم و گریستم و روزهایی چند ماتم گرفتم و در حضور خدای آسمانها روزه داشتم، دعا کردم. گفتم: ای خدای آسمانها، ای خدای عظیم و مهیب که عهد و محبت را با آنان که تو را دوست می‌دارند و فرمانهایت را به جای می‌آورند، نگاه می‌داری » (نَحْمِیا ۱: ۴ و ۵).

تا به اینجا خواندیم که در راستای تحقق حداقل بخشی از وعده های خداوند به قوم یهود، دو گروه از اسیران به یهودا بازگشتند.

اما یک گروه دیگر از تبعیدیان وجود دارند که خداوند آنها را آماده می‌کند. آخرین گروه اسیران ماموریت یافتند تا مشکل را حل کنند. اگرچه دو گروه اول بازگشتند تا اورشلیم را بازسازی و با اتمام معبد بخشی از آن طرح را کامل کنند، اما بقیه ساخت و ساز معبد به علت بالا گرفتن مخالفت های قومهای اطراف نیمه تمام باقی ماند. مردم مناطق اطراف به علت اینکه می ترسیدند که اسرائیلیان ممکن است به یک ملت قدرتمند تبدیل شوند، همانطور که پیش از این نیز بوده‌اند از این رو نمی خواستند که اسرائیلی ها کار ساخت شهر و دیوار آن را به پایان برسانند (عزرا ۴: ۶ تا ۲۴). بنابراین، به نظر می‌رسد که بازگشت اسرائیلی ها برای آنان یک تهدید بود، به همین علت آنها تصمیم گرفتند تا کار آنان را متوقف کنند.

اما خداوند قوم خویش را فرا نخوانده بود تا آنان را در فرآیند کاری که به ایشان سپرده بود تا انجام بدهند به حال خود رها سازد.

به این ترتیب، او یک شخص دیگر را برای انجام خواسته خویش و تکمیل اهدافش آماده می کرد. نام او نَحْمِیا بود، و در این درس به او و کار او برای خداوند نظر می افکنیم.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۰ مهر - ۱۲ October آماده شوید.

نِحْمِیا خبر بدی دریافت می کند

کتاب نِحْمِیا تا حدودی به همان شیوه ای شروع می شود که کتاب دانیال آغاز شد (دانیال ۱: ۱، ۲). این کتاب هم با اخبار بد شروع می شود. بله، بسیاری به موطن اجدادی خودشان باز گشته اند، اما برای آنان، امور در آنجا خیلی خوب پیش نمی رود.

نِحْمِیا ۱: ۱ تا ۴ را بخوانید. چرا نِحْمِیا خیلی پریشان است؟ واکنش او به خبر بدی که دریافت کرد، چه بود؟

برخی از یهودیان سالها قبل از اینکه به شوش آورده شوند، یکی از چهار مرکز مدیریت امپراطوری پارس بود، جایی که نِحْمِیا به عنوان ساقی در دربار سلطنتی خدمت می کرد، به اسارت آورده شده بودند. عبارت بکار برده شده برای « حَنانی یکی از برادرانم » به احتمال زیاد برمی گردد به یک برادر نسبی، زیرا که شباهتی که وجود دارد، بیشتر شبیه اشاره به نسبت فامیلی به حَنانی در نِحْمِیا باب ۷ آیه ۲ است، اگرچه این مطلب می تواند اشاره ای به یک هموطن اسرائیلی یا یک دوست نیز باشد. به احتمال زیاد گفتگو با حَنانی بین اواسط نوامبر تا اواسط دسامبر در ۴۴۵ ق. م.، حدوداً ۱۳ سال پس بازگشت عزرا به اورشلیم اتفاق افتاده باشد. حَنانی گزارش می دهد که شرایط در اورشلیم ناگوار است. مردم قادر نبوده اند تا اورشلیم را بازسازی کنند و دشمن دیوارهای شهر را خراب کرده و شهر اورشلیم بی دفاع و خالی از سکنه مانده است.

نِحْمِیا شایعاتی شنیده بود مبنی بر اینکه سامریان دیوارهای شهر را خراب کرده اند. اما او تا آن زمان از اصالت اخبار آگاهی نداشت. در نتیجه اردشیر پادشاه، خود با متوقف کردن جریان بازسازی بخاطر شکایت مردم اطراف رودخانه، امید کسانی را که بازگشته بودند را نا امید کرد (عزرا ۴).

هر چند که معبد بازسازی شده بود، ولی بطور کامل کارآیی نداشت به علت اینکه مردمی که باید در معبد خدمت می کردند، قادر به زندگی در شهر اورشلیم نبودند. این وضعیت نِحْمِیا را ناراحت و غمگین کرده بود، بدین خاطر که فحوا و بازتاب های این اخبار روح او را می آزد: یهودیان خداوند را جلال نمی دادند، هرچند که آنها به این منظور بازگشته بودند. در عوض آنها در اثر ترس از دشمن و ظلم و ستم، بازسازی خانه خداوند و شهر مقدس را نادیده گرفتند.

بنابراین، نِحْمِیا بطور ناخودآگاه رو به خدا می آورد. او از مردم یهودا که در ایمانشان سست شده بودند، شکایت نمی کند و یا آنان را در مرتبه مردمی بزدل و فرومایه قرار نمی

دهد، و اوضاع پیش آمده را به عنوان حالتی طبیعی نپذیرفته بود. نِحْمیا زانو زده، شروع به دعا کرده و روزه می گیرد.

نِحْمیا به خاطر این خبر بد، می گیرد، روزه می گیرد و دعا می کند. این مطلب به ویژه در زمانهای سختی و آزمون، در خصوص نیاز ما به تضرع و درخواست از خدا چه می گوید؟

دوشنبه

۱۵ مهر

دعای نِحْمیا

دعای نِحْمیا در کتاب نِحْمیا باب ۱ آیات ۵ تا ۱۱ را بخوانید. چه تفاوتی در اجزای مختلف این دعا وجود دارد؟ چرا او خود را نیز همانند کسانی که گناه ورزیده اند در زمره تقصیرکاران می بیند؟

۱. خداوند بزرگ و رحمان هستی (نِحْمیا ۱: ۵).

۲. مرا بشنو (نِحْمیا ۱: ۶).

۳. اعتراف به گناهان (نِحْمیا ۱: ۶، ۷).

۴. وعده های خود را به یاد آور (نِحْمیا ۱: ۸، ۹).

۵. ما را نجات دادی (نِحْمیا ۱: ۱۰).

۶. مرا بشنو (۱: ۱۱).

۷. خداوند بخشنده کامیابی و رحمت است (نِحْمیا ۱: ۱۱).

دعای نِحْمیا یک تصنیف زیبا از برشمردن عظمت بیکران خداوند، گناهکاری خود آنان است، که با گریه برای کمک خاتمه می یابد. دعای او مشابه دعای دانیال در باب ۹ کتاب دانیال است، و چنین چیزی امکان پذیر است به خاطر این که نِحْمیا با آن دعا آشنا بوده است. شایان ذکر است که نِحْمیا با دعا برای درخواست کمک شروع نمی کند، بلکه به جای آن ابتدا از حقیقتی زبان به سخن می گشاید که خداوند کیست و چقدر بزرگ و پر ابهت است. او همچنین به این مطلب اشاره می کند که خداوند به عهد خود و رحمتش نسبت به کسانی که او را دوست دارند وفا می کند، همانطور که یادآور می شود که او همیشه به آنان وفادار بوده است و اکنون می تواند به صورت دیگری باشد.

دعا در ساختار ویژه ای قرار دارد (همانطور که در بالا به تصویر کشیده شده است) که آیه ۸ کانون آنان می باشد، جایی که نِحْمیا وعده خداوند را می شمارد. نِحْمیا می گوید: « به یاد آور »! به عبارت دیگر: خداوند، به یاد داشته باش که تو وعده دادی که

هنگامیکه ما در ایمان خود سست شویم، ما را پراکنده خواهی کرد، اما خدایا همچنین وعده دادی که ما را دوباره به سوی خودت باز خواهی گرداند و همه چیز را احیا خواهی کرد. از آنجا که اولین وعده بوقوع پیوسته است، اکنون زمان آن است که وعده دیگر خود را به انجام رسانی زیرا که ما به سوی تو باز می گردیم. نِجْمِیا نمی ترسید که وعده های خداوند را از او طلب کند و آنان را به یاد او بیاورد. البته و مطمئناً، این به این معنا نیست که خداوند وعده هایش را نمی داند و یا به یاد نمی آورد. در عوض، خداوند از تمایل ما در طلب وعده هایی که داده، خرسند می شود. او می خواهد ما به آن وعده ها ایمان داشته باشیم و به این ترتیب درباره آنها با خداوند حرف بزنیم. و عملاً با بیان آنچه که خداوند وعده داده است، می توانیم استواری خود را در اعتماد به آن وعده ها تقویت کنیم، به ویژه در زمانی که به نظر می رسد، همه چیز ناامید کننده است.

برخی از وعده های خداوند که شما می توانید در حال حاضر آنها را برای خودتان از او طلب کنید و بخواهید، چیست؟ چرا مهم است که هرگز از طلب کردن آنها صرف نظر نکنیم؟ (با تمامی این اوصاف، اگر شما دست بکشید، چه چیزی باقی خواهد ماند؟)

۱۶ مهر

سه شنبه

نِجْمِیا صحبت می کند

نِجْمِیا باب ۱: ۱۱ می گوید که نِجْمِیا ساقی پادشاه است. ممکن است که برای ما مانند شغل بی اهمیتی باشد، اما افرادی که ساقی بودند می توانستند مردان با نفوذ و قدرتمندی باشند، زیرا که آنها ارتباط نزدیک و دائمی با پادشاه داشتند. ساقی ها شراب و نوشیدنی هایی که برای پادشاه می آوردند را به منظور جلوگیری از بیماری و یا مسموم شدن و مرگ پادشاه، امتحان و مزه می کردند. هرودوت اشاره می کند که پارسیان برای ساقی ها احترام زیادی قائل بودند، به این خاطر که آنها به عنوان صاحب منصبان به حساب می آمدند. به عنوان مثال، ساقی اسرحدون، پادشاه آشور، نخست وزیر کشور آشور هم بود. بنابراین، نِجْمِیا در قلمرو پادشاهی، مقام رفیعی داشت و به دلیل نزدیکی به پادشاه، از طرف خداوند برای صحبت کردن با پادشاه در رابطه با وضعیت قوم یهود انتخاب می شود.

نِجْمِیا ۲: ۱ تا ۸ را بخوانید. چه اتفاقی در جواب دعا و روزه نِجْمِیا می افتد؟

جواب دعای او در ماه نisan داده می شود، که تقریباً آوریل ۴۴۴ ق. م. است. چهار

ماه از زمانی که حَنانی و یهودیان اخبار مشوش کننده را در مورد اورشلیم به نِحمیا داده بودند، گذشته بود، به مدت چهار ماه، نِحمیا دعا کرده و روزه گرفته بود، و ممکن است در هر روز آن فکر کرده باشد که انگار خداوند جواب دعای او را نمی دهد. اما زمانبندی خداوند همیشه عالی و بی نقص است. خداوند، پادشاه را برای شنیدن حرفهای نِحمیا آماده کرد تا پاسخ مطلوب را بدهد.

این یک رویداد روزمره نبود که ساقی از وظایفش برای مدتی خلاص باشد تا حکمران سرزمین دیگری بشود. خداوند از طریق نِحمیا سخن می گوید و ، اردشیراول، پادشاه پارس را تحت تاثیر قرار می دهد تا نِحمیا را به فرمانروایی قلمرو یهود برگزیند. اشاره به پیشنهادات ملکه نشان می دهد که احتمالاً این در یک مهمانی خصوصی رخ داده است، زیرا که هرگز ملکه در مناسبت های رسمی حضور پیدا نمی کرد. نِحمیا بلافاصله به مسئله اورشلیم اشاره نمی کند، تا ذهن پادشاه را از دور اندیشی نسبت به مسائل دور نگه دارد، در عوض، او در خصوص اموری مرتبط با خود از پادشاه درخواستی تاثیرگذار اقامه می کند. در آن زمان به مکان ویژه ای اشاره شده است، که پادشاه آن را فتح کرده بود.

ما به چه روش هایی می توانیم برابری بین مقام نِحمیا در کاخ را با مقام دانیال در بابل مشاهده کنیم؟ این مطلب در خصوص شخصیت نحمیا چه می گوید که نظر مثبت پادشاه را بر می انگیزد؟

۱۷ مهر

چهارشنبه

نِحمیا فرستاده می شود

پادشاه به همراه نِحمیا نامه هایی را برای سَنبَلَطِ حُرُونی و طوبیا عمونی، والیان ماوراءالنهر فرات می فرستد، تا آنان راه را برای عبور نِحمیا و آنچه که قرار بود انجام دهد، آماده کنند. علاوه براین، پادشاه به آساف، سرپرست جنگلداری پادشاهی فرمان می دهد تا کلّ چوبی را که نِحمیا برای بازسازی شهر و دیوارها و دروازه های آن و معبد نیاز دارد، تهیه کند.

نِحمیا ۲: ۹ و ۱۰ را بخوانید. بطور کلی این آیات در مورد مخالفان، که نِحمیا و یهودیان قرار بود با آنان روبرو شوند، چه می گوید؟

نِحمیا در حدود سالهای ۴۴۵ / ۴۴۴ ق. م. وارد اورشلیم می شود. به نظر می رسد که مخالفان حتی قبل از اینکه نِحمیا هرگونه اقدامی را برای بازسازی شهر آغاز کند، با فرستادن

درخواست هایشان برای والیان و تحریک آنان و ایجاد موانع برای او، تحریک خود را آغاز کرده بودند. اگرچه طوییا یک نام یهودی است، که به معنای « خداوند نیکو است » (نام پسر او یهوحنان نیز یک نام یهودی است و به معنای « خداوند مهربان است ») و در مقام والی عَمّون خدمت میکرد. بدین ترتیب، اورشلیم توسط دشمنان محاصره شده بود: سَنبَطِ والی سامرا از طرف شمال، طوییا والی عَمّون از طرف شرق و جِشِمِ عَرَب (نِحْمیا ۲: ۱۸ و ۱۹) از طرف جنوب، کسانی که عدوم و موآب را تصرف کرده بودند. جای تأسف است که والیان این مناطق از نِحْمیا به خاطر نگرانی او برای تامين « رفاه » ستمدیدگان دوری جستند. زورگویان از خوشبختی کسانی که تهدیدی برای آنان محسوب می‌شوند، شاد نمی‌شوند.

بهرحال نِحْمیا با همراهی گارد محافظ وارد اورشلیم شد، و این نشان می‌دهد که او برای انجام ماموریتی مهم آمده بوده است و این کار باعث حسادت قبایل بت پرست که در اطراف شهر زندگی می‌کردند شعله ور شد، که اغلب دشمنی و خصومت خودشان را علیه یهودیان با تشدید آزار و اذیت و توهین به آنان نشان می‌دادند. بخصوص سَنبَطِ حُرّونی، طوییا عَمّونی، و جِشِمِ عَرَب، سرشناس ترین والیان این کار اهریمنی، از سر دسته های این قبایل بودند. از ابتدا این رهبران با دیدگاه منتقدانه ای اعمال نِحْمیا را زیر نظر داشتند و با هر وسیله ای که در ید قدرت خود داشتند، سعی و تلاش می‌کردند تا نقشه های او را خنثی کنند و مانع کار او شوند « (الن جی وایت، انبیا و پادشاهان، صفحه ۶۳۵).

چه داستان های دیگری از کتاب مقدس را می توانید پیدا کنید که نشان دهد، چگونه آنانی که بوسیله خداوند فراخوانده شده‌اند تا اراده او را بجا آورند با مخالفین مواجه خواهند شد؟ پاسخ خود را در کلاس روز سبت مطرح کنید.

۱۸ مهر

پنجشنبه

نِحْمیا برای انجام وظیفه خود آماده می‌شود

بدون تردید خداوند، که نِحْمیا را برای انجام این وظیفه فراخوانده بود، خود هر آنچه که او بدان نیاز داشت را برایش فراهم کرد. نِحْمیا با دانشی که خداوند به او وعده داده بود، مجهز شد و با اعتماد به خداوند در جهت انجام ماموریتش پیش رفت. اما او با دقت و با دعا در جهت انجام وظیفه اش به پیش رفت. به عبارت دیگر، با اینکه او می‌دانست که خداوند همراه و پشتیبان او می‌باشد، این آگاهی مانع نشد تا درباره آنچه که باید انجام بدهد فکر نکند.

نِحْمیا ۲: ۱۱ تا ۲۰ را بخوانید. نِحْمیا در راستای آمادگی برای طرح بازسازی دیوار شهر چه می‌کند؟

درس های رهبری: درس اول: نِحمیا به کسی نمی گوید که طرح خداوند چیست « که خدایم در دلم چه نهاده بود تا برای اورشلیم بکنم » (نِحمیا ۲: ۱۲). او نه تنها به دشمن چیزی نمی گوید، بلکه نقشه خداوند را از دیگر رهبران یهودی هم پنهان نگاه می دارد. او در حال ارزیابی ماموریت است که محاسبه کند که چه کارهایی نیاز است تا انجام شود. **درس دوم:** نِحمیا، قبل از آنکه هر چیزی را آشکار سازد، کارها و هر آنچه که لازمه عملی کردن نقشه هایش خواهد بود را آماده می کند. **درس سوم:** هنگامیکه او در مورد وظیفه اش سخن می گوید، نِحمیا ابتدا آنچه را که خداوند تاکنون برای هدایت این گروه اعزامی انجام داده است را بیان می کند و سپس سخنان پادشاه را هم به بیانات خود اضافه می کند. او قبل از اینکه درخواست خود را از پادشاه مطرح کند، او را با سخنان خود ترغیب می کند. این رویداد چیزی کمتر از یک معجزه نیست، که یهودیان علی رغم مقاومت هایی که پیش خواهد آمد، به ساخت معبد پاسخ مساعد دادند. خداوند نه تنها پادشاه را از طریق دعا و روزه نِحمیا آماده کرد، بلکه همچنین یهودیان را نیز آماده نمود، بطوریکه آنها با شجاعت و دلیری پاسخ مثبت دهند.

نِحمیا ۲: ۱۹ و ۲۰ را بخوانید. این آیات به ما در مورد ایمان نِحمیا چه می گویند؟ چگونه ممکن است این آیات مانند تثنیه ۷: ۹ و مزامیر ۲۳: ۱ تا ۶، و اعداد ۲۳: ۱۹ به نِحمیا کمک کرده باشند؟

سخنان ما نشان دهنده این هستند که ما چه کسی هستیم و به چه چیزی واقعاً ایمان داریم. نِحمیا مایل است از کلمات متعالی در سخنانش استفاده کند. او همچنین نمی ترسد که خداوند را در تمام آنچه که می گوید ستایش و تمجید کند، حتی وقتی که مردم او را مسخره می کردند و به او می خندیدند. حتی با اینکه نِحمیا از تحقیر و احساس دشمنانش نسبت به سخنان خویش آگاهی داشت، رودربایستی نداشت و یا از صحبت کردن در مورد خداوند طفره نمی رفت. مانند یوسف سال ها پیش از او در مصر، نِحمیا از معرفی و تمجید خدای خود در میان مردمی که به او ایمان نداشتند، نمی ترسید.

جمعه

۱۹ مهر

اندیشه ای فراتر: بخوانید، اِلن جی وایت، احکام داده شده به بنی اسرائیل، صفحات ۳۰۳ تا ۳۱۴؛ دلسوزی خدا برای فقیر، صفحات ۵۳۰ تا ۵۳۶، از کتاب مشایخ و انبیاء. [صفحات ارائه شده مربوط به متن مرجه انگلیسی می باشد]

« پس از به رسمیت شناختن حق خداوند، دیگر چیزی بیشتر از روحی پذیرا، لطیف و گشاده دست که ملزم به فقر است، نمی تواند قانون و شریعت خداوند را که موسی به آنان داده بود، به رسمیت بشناسد. گرچه خداوند به شدت متعدد به برکت دادن به قومش بوده است، لیکن در نقشه اش اینگونه اراده نکرده بود که فقر را برای آنان ناشناس بگذارد. او اعلام داشت فقرا

نباید از سرزمین محو گردند. باید در میان قومش عده ای می بودند که همدردی، دلسوزی و خیرخواهی خود را به کار می گرفتند. در آن دوران، همچون عصر حاضر، می بایست متحمل بدبختی، بیماری و نداری می شدند. لیکن از آنجا که به مدت طولانی ای از دستوران خداوند پیروی کرده بودند، هیچ گدا یا شخصی که محتاج غذا باشد در میان آنان نبود «الن جی وایت، مشایخ و انبیا، صفحات ۵۳۰-۵۳۱ از مرجع کتاب انگلیسی.

» این مقررات طوری طرح شده بودند که ثروتمندان را به اندازه فقرا برکت دهند. و از زیاده طلبی و تمایل به خودخواهی و خودپرستی آنان جلوگیری کنند و روح شریف خیرخواهی را ترویج دهند؛ و با تقویت اراده و اعتماد به نفس بین همه طبقات، آنها نظم اجتماعی و ثبات دولت را ارتقا دهند. همه ما با هم در شبکه بزرگی از بشریت قرار می گیریم، و هر آنچه که ما می توانیم برای منافع و متعال ساختن دیگران، انجام دهیم انعکاس آن باعث برکت خود ما خواهد شد «— صفحات ۵۳۴ و ۵۳۵ از مرجع کتاب انگلیسی.

سوالاتی برای بحث

۱. در پاسخ به سؤال روز چهارشنبه، این به چه معنا است که از طریق کتاب مقدس - عهد عتیق و عهد جدید - همه کسانی که از طرف خداوند فراخوانده شده اند، با مخالفت عظیمی مواجه گردند؟ در حقیقت، این به چه معنا است، که در اکثر موارد آنها با آن مواجه بوده اند؟ شاید سؤال درست تر این باشد که: آیا می توانید به عنوان نمونه افرادی را پیدا کنید که بوسیله خداوند فراخوانده شده اند تا اراده او را بجا آورند، با مخالفت روبرو نشده باشند؟ این مسئله چه چیزی را به ما می گوید، در باره اینکه ما نباید اگر در راه انجام خواست خداوند که ایمان داریم خداوند ما را برای انجام آن دعوت کرده، با موانع جدی مواجه شدیم، دلسرد نشویم؟

۳. نه عزرا و نه نحمیا بدون کمک پادشاه به هیچ وجه نمی توانستند وظیفه خودشان را انجام دهند، به عبارت دیگر، این مردان خدا با همکاری مقامات سیاسی، کسانی که کافر بودند، کارشان را انجام دادند، چه درس هایی را می توانیم از آن در مورد چه وقت و چگونه ما به عنوان یک کلیسا می توانیم با قدرت های سیاسی هر عقیده ای که داشته باشند، همکاری کنیم؟ و در عین حال، چرا کلیسا باید خیلی مراقب باشد؟

۳. نه عزرا و نه نحمیا بدون کمک پادشاه به هیچ وجه نمی توانستند وظیفه خودشان را انجام دهند، به عبارت دیگر، این مردان خدا با همکاری مقامات سیاسی، کسانی که کافر بودند، کارشان را انجام دادند، چه درس هایی را می توانیم از آن در مورد چه وقت و چگونه ما به عنوان یک کلیسا می توانیم با قدرت های سیاسی هر عقیده ای که داشته باشند، همکاری کنیم؟ و در عین حال، چرا کلیسا باید خیلی مراقب باشد؟

۴. دعاهاى نحمیا در باب ۱ آیات ۱ تا ۱۱ را در کلاس مرور کنید. چه چیزی را می توانید از آن برداشت کنید که به تقویت رابطه شما با خداوند می کند؟ این مطلب چه چیزی را در مورد سرسپردگی، اعتراف و مطالبه وعده های خداوند یاد می دهد؟



هدیه چهار هزار یورویی

توسط ویریاتو فریرا

در صبح یک روز جمعه به طور غیر منظره، مسئله ای پیچیده و سخت پدیدار شد.

معمار مرکز بهداشت ویتاسالوس اعلام کرد که فوراً باید در اطراف چندین ساختمان نرده حفاظ نصب کنیم. او هشدار داد که «اگر کسی بیفتد، شما به دردسر خواهید افتاد». ما می دانستیم که او درست می گوید. ویتاسالوس که یک مرکز تاثیر گذاری بود و از الن وایت الهام یافته بود، در هماهنگی با ارزش های روحانی و حرفه ای و اخلاقی کار می کند و به وسیله کلیسای ادونتیست روز هفتم اداره می شود و بر فراز کوهی در نزدیکی شهر پینلا قرار دارد که در حدود ۱۸۵ کیلومتری شمال پایتخت پرتغال، لیسبون واقع شده است.

معمار بهای نرده ها را چهار هزار یورو (۴۹۰۰ دلار) تخمین زد.

من به طرف مدیر ارشد مالی مان برگشتم.

پرسیدم «آیا آن مقدار پول را داریم؟».

او پاسخ داد: «قطعاً خیر، پولی موجود نیست». نگرانی بر فکرم هجوم برد. ناگهان، چیزی مرا مجاب کرد.

فکر کردم که «صاحب این پروژه کیست؟ مال من نیست. این پروژه از آن خداست!»

این استدلال را با مدیر ارشد مالی و دیگرمردمی که در جلسه حضورداشتند به اشتراک گذاشتم.

گفتم: «خدا ابزار لازم برای این نرده ها را فراهم خواهد نمود. آیا شما اطمینان خاطر دارید تا دست به کار شده و نرده ها را سفارش دهیم؟»

آنها سرشان را به نشانه توافق تکان دادند و من اینگونه دعا کردم: «خداوند، ما قصد داریم تا این نرده ها را سفارش دهیم چون واقعاً به آنها نیاز داریم»

ما نرده ها را سفارش دادیم.

پنج روز بعد، در روز چهارشنبه ایمیلی را از کسی دریافت کردم که اصلاً او را نمی شناختم.

او در ایمیل اینگونه نوشته بود: « دکتر، فقط خواستم بگویم که مبلغ ۴۰۰۰ یورو را به حساب بانکی ویتاسالوس واریز کرده ام »
من با صدای بلند گفتم: « خدا را شکر! »
من نیز در جواب ایمیل در مورد اتفاقات صبح جمعه گذشته برایش نوشتم.

او بلافاصله پاسخ داد: « دکتر، این تائید می کند که پول به این پروژه تعلق دارد »

« صبح روز جمعه من به شوق کمک به ویتا سالوس از خواب بیدار شدم. من قبلاً هرگز به آنجا نرفته بودم؛ اما فقط این حس را برای رفتن پیدا کرده بودم. هنوز مطمئن نبودم که آیا همسرم با من موافقت خواهد نمود یا نه؛ بنابراین دعای کوتاهی کردم که خداوند اگر اراده توست، همان اشتیاق را در قلب همسرم قرار بده. به محض این که دعایم تمام شد، همسرم به دفتر کارم آمد و گفت که عزیزم، آیا از پروژه پنلا اطلاعی داری؟ فکر می کنم باید به آنان کمک کنیم. باورم نمی شد که با گوشه‌های خودم شنیده باشم و از او پرسیدم که فکرمی کنی چقدر باید بدهیم؟ و او گفت فکر می کنم ۴۰۰۰ یورو خوب باشد »

چه درسی شد برای من! اگر ما کارمان را در ویتاسالوس به خاطر کمبود وجه نقدی متوقف می ساختیم، برکتی را که توسط اعتماد به خدا به دست می آمد را از دست می دادیم. این موضوع صرفاً در مورد نرده ها نبود. در مورد خدا بود که نشان داد چگونه کارش با اعتماد به او با موفقیت به پایان می رسد.

دکتر ویریاتو فریرا، سمت چپ تصویر، مدیر مرکز بهداشت ویتاسالوس در پنلا، کشور پرتغال است و معاون افتخاری بخش خدمات سلامتی کلیسای جهانی ادونتیست روز هفتم می باشد.

فراخوانی خداوند



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: عزرا ۷: ۱۰؛ نحمیا ۱: ۱ تا ۱۱؛ دانیال ۹: ۲۴ تا ۲۷؛ دانیال ۸: رومیان ۸: ۲۸، ۲۹؛ رومیان ۹: خروج ۳، ۴.

آیه حفظی: «متبارک باد خداوند، خدای پدران ما که مانند این را در دل پادشاه نهاده است تا خانه خداوند را که در اورشلیم است زینت دهد» (عزرا ۷: ۲۷).

آیا خداوند هر کسی را برای کار ویژه ای دعوت می کند؟ آیا معیارهایی برای اینکه یک شخص بیشتر از دیگران واجد شرایط برای انجام یک وظیفه خاص است، وجود دارد؟ آیا این معیارها در دیدگاه بشر از دیدگاه خداوند متفاوت است؟ اکثر ما احتمالاً باید به ویژه به دو سؤال آخر پاسخ مثبت بدهیم. زمان هایی وجود دارد که خداوند ما را از طریق تحصیلات یا تجربیات برای کار خاصی آماده می کند؛ زمان های دیگری او ما را انتخاب می کند که برای او به سادگی خدمت کنیم؛ فقط به این دلیل که ما مشتاق و متواضع هستیم. با وجود این همیشه آسان نیست بدانیم که در زندگی ما چه چیزی است که خداوند ما را برای آن انتخاب می کند؟ با این وجود، کتاب مقدس مملو از داستان های افرادی است که خداوند آنان را برای وظیفه خاصی انتخاب کرده است.

جالب توجه است که عزرا و نحمیا برای انجام ماموریت ویژه ای توسط خداوند فرا خوانده شدند: بازسازی خرابی هایی که از معبد باقی مانده بود. هرچند بازسازی این خرابی ها شامل وظایف مختلفی می شد. آنها باید مردم اسرائیل را در مسیر بازگشت به اورشلیم رهبری و هدایت می کردند و معبد و شهر اورشلیم را هم بازسازی می کردند. در عین حال، آنها باید به مردم درباره خداوند آموزش می دادند و مهم تر از همه، آنها را برای داشتن یک رابطه متعهد با خداوند راهنمایی می کردند. صحبت کردن در مورد فراخوان خداوند نیز از اهم وظایف بود.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۷ مهر - ۱۹ October آماده شوید.

فراخوان عزرا و نحمیا

می توانیم بگوئیم که عزرا به دلایل مختلفی از طرف خداوند برگزیده شد: (۱) او خواهان این بود که به اورشلیم برود؛ (۲) او یک رهبر بود؛ و (۳) او کاتب و معلم ماهری بود. دلایل دیگری را نیز می توانیم برای علت انتخاب او پیدا کنیم. اما فقط یک آیه وجود دارد، که شاید بهترین نشانه دلیل دادن این وظیفه به عزرا باشد.

عزرا باب ۷ آیه ۱۰ در مورد عزرا چه می گوید؟ چگونه ممکن است عزرا قلبش را « آماده کرد » یا « سپرده » باشد که در پی « احکام خداوند » باشد و این کار را انجام دهد؟

کلمه « آماده کرد » یا « سپرد » در زبان عبری « kun » می باشد. کلمه ای که می توان به عنوان « آماده شده » یا « تنظیم شده »، بنیان محکم، استوار، یا مطمئن « ترجمه کرد. بنابراین، معنای واقعی این توضیح به نظر می رسد به این معنا باشد که عزرا با استواری قلب خود را آماده کرد تا در پی خدا باشد.

پس از ورود به اورشلیم، عزرا الگوی آنچه را که به معنای وقف کردن خود به خداوند است، نشان داد و به مدت ۱۳ سال کلام خداوند را در اورشلیم تعلیم داد. ممکن است به نظر او رسیده که در طی این ۱۳ سال او هیچ تغییری ایجاد نکرده است، اما بعد از اینکه دیوارها تکمیل شد، مردم منسجم شدند - نه به دلیل اینکه کسی آنها را مجبور کرده بود، بلکه به این خاطر که خودشان می خواستند که این کار را بکنند. کلام خداوند، که آنها از عزرا شنیده بودند، در آنان ریشه گرفته بود.

چرا نحمیا از طرف خداوند انتخاب شد؟ نحمیا ۱: ۱ تا ۱۱ را بخوانید.

نحمیا قلبش با خداوند و مردم بود. هنگامی که از توقف کار بازسازی اورشلیم آگاه گردید، منقلب شد. نحمیا برای انگیزه و هدف خود شور و شوقی داشت، و درست مانند عزرا، برای وظیفه اش داوطلب شده بود. خداوند به دعاها و آرزوهای آنان پاسخ داد. گاهی اوقات ما به این نتیجه می رسیم که اگر ما چیزی را دوست داشته باشیم، این نباید از طرف خداوند باشد، به این دلیل که خداوند به ما وظایف سخت و دشواری خواهد داد که ممکن است نخواهیم آن را انجام دهیم. اما اگر ما با خدا گام برداریم، اغلب آرزوهای ما برای انجام کارهایی که دوست داریم، از سوی خداوند هستند. خداوند می خواهد که ما برای انجام هر کاری که برای او انجام می دهیم، شور و علاقه شدید داشته باشیم.

به چه روش‌هایی این واقعیت را تجربه کرده اید که خداوند شما را فرا می‌خواند تا برای او آنچه را که دوست دارید انجام دهید؟

دوشنبه

۲۲ مهر

پیشگویی های زمان بندی شده

در اولین درس از دروس این سه ماهه، مطالعه کردیم که خداوند چگونه زروبابل (۵۳۸ ق. م.) و عزرا (۴۵۷ ق. م.) را برای مأموریت های ویژه ای فراخواند. ما در درس دوم دعوت خداوند از نحمیا (۴۴۴ ق. م.) را مشاهده کردیم. ما باید درک کنیم که این فراخوان ها در هماهنگی و با آگاهی خداوند از آینده انجام شدند. به عنوان مثال، زروبابل توسط خداوند در جهت انجام وظیفه ویژه ای، در پاسخ به پایان ۷۰ سال اسارت که ارمیا از پیش نبوت کرده بود، اقدام می‌کند.

در چه سالی عزرا برای انجام مأموریتش از طرف خداوند دعوت شد؟ همان سالی که اردشیر اول حکمی صادر کرد. آن سال در نبوت از چه اهمیت ویژه ای برخوردار است؟ دانیال ۹: ۲۴ تا ۲۷ را بخوانید.

دانیال ۹: ۲۵ توضیح می‌دهد که « بدان و آگاه باش که از زمان صدور فرمان بنای مجدد اورشلیم تا ظهور پیشوای برگزیده خدا، هفت هفته و شصت و دو هفته طول می‌کشد ». در آیه ۲۷ به آخرین هفته از این نبوت اشاره می‌کند. از آنجا که یک هفته شامل هفت روز است، بنابراین هر هفته در نبوت ها برابر با ۷ سال می‌شود (اعداد ۱۴: ۳۴؛ حزقیال ۴: ۵، ۶). از این رو، این نبوت درباره ۷۰ هفته ای صحبت می‌کند که برابر با ۴۹۰ سال است. سؤالی که باید جواب داده شود این است که تاریخ شروع این نبوت ۷۰ هفته ای در چه زمانی است؟ متن زمانی را تصریح می‌کند که حکم صادر شد تا اورشلیم بازسازی و بنا شود.

در مجموع، سه فرمان در رابطه با بازگشت یهودیان صادر شده بود. کوروش، داریوش و اردشیر، هر سه فرمان‌هایی را در رابطه با بازگشت و ترمیم شهر اورشلیم و بازسازی معبد داده بودند. با این حال، تنها یکی از آنها یعنی اردشیر فقط به خود شهر اورشلیم توجه داشت و تنها این فرمان با پرستش خداوند و شفاعت خداوند مرتبط است (عزرا ۷: ۲۷، ۲۸).

شروع ۷۰ هفته نبوت را از سال ۴۵۷ قبل از میلاد محاسبه کردیم، سال هفتم از پادشاهی اردشیر اول، همانطور که در عزرا ۷: ۷ تا ۲۶ ذکر شده است. به علاوه به علت اینکه سال ۴۵۷ ق. م. نیز آغاز ۲۳۰۰ روز دانیال باب ۸ آیه ۱۴ (درس فردا را مطالعه کنید) می باشد، این فرمان به عنوان نقطه شروع برای تحقق یافتن این دو نبوت به حساب می‌آید. هفتاد

هفته در سال ۳۴ بعد از میلاد خاتمه می یابد، یعنی زمانی که موعظه^۱ انجیل گسترش می یابد و به غیریهودیان نیز می رسد (با جفای کلیسای اولیه و شهادت استیفان شاخص گردیده است). اواسط آخرین هفته به سال ۳۱ بعد از میلاد می رسد، یعنی زمانی که عیسی بر روی صلیب می میرد.

نبوت دانیال باب ۹ آیات ۲۴ تا ۲۷ را مرور کنید. این مطلب چگونه با دقت شگفت انگیزی، رسالت عیسی را آشکار می کند؟ چگونه نبوتی مثل این، باید به ما کمک کند تا ایمان خود را محکم بنا کنیم؟

سه شنبه

۲۳ مهر

۷۰ هفته و ۲,۳۰۰ روز

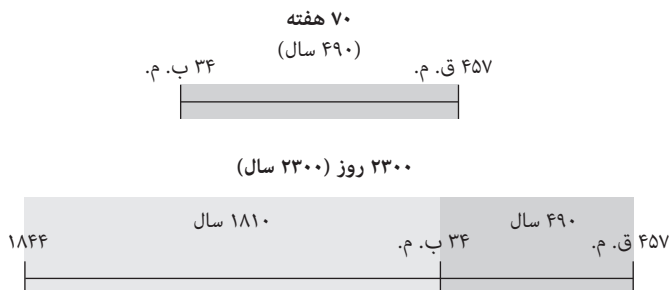
کلمه «مقرر» که در دانیال باب ۹ آیه ۲۴ یافت می شود، «هفتاد هفته مقرر گردیده»، دقیقاً به معنای اینکه، «هفتاد هفته جدا شده» است. اگرچه که ترجمه این کلمه به عنوان «مقرر شده» در هیچ جای کتاب مقدس بکار برده نشده است، ولی در ادبیات یهودی یافت می شود، و به معنای «جدا شده» از چیزی طولانی تر است. از آنجایی که دانیال باب ۸ نبوت ۲۳۰۰ سال را بیان می کند، باب بعدی (باب ۹) درباره ۴۹۰ سال به عنوان «سال های مقرر شده» یا «جدا شده» صحبت می کند، آنها می توانند «جدا شده» از نبوت ۲۳۰۰ سال باشند که در باب قبلی به آن اشاره شده است. بالاخره، این دوره «جدا شده»، از کدام زمان نبوتی دیگری که طولانی تر است مشتق گردیده است؟

دانیال باب ۸ را بخوانید. چه بخشی از رویای داده شده تشریح نگردیده است؟ (بطور ویژه دانیال ۸: ۱۴، ۲۶، ۲۷ را ببینید)

دلایل زیادی وجود دارد که چرا نبوت ۷۰ هفته دانیال باب ۹ آیات ۲۴ تا ۲۷ و نبوت ۲۳۰۰ شب و روز در دانیال باب ۸ آیه ۱۴ بهم مربوط می شوند: ۱. هر دو نبوت هم زمان هستند؛ ۲. اصطلاحات ویژه «رویا» و «درک» به این نبوت ها مرتبط هستند (دانیال ۸: ۲۶، ۲۷ و ۹: ۲۳)؛ ۳. تفسیری که از هر دو نبوت توسط جبرئیل فرشته داده شده است (دانیال ۸: ۱۶ و ۹: ۲۱ را ببینید)؛ ۴. تنها بخشی از رویا که در دانیال ۸ شرح داده نشده است، رویای ۲۳۰۰ شب و روز در دانیال ۸: ۱۴ می باشد (بعضی اوقات به عنوان «روزها» ترجمه می شود)؛ ۵. دانیال ۸ حاوی رویا و سپس تفسیر جزئی از آن است، در حالی که در دانیال باب ۹ فقط تعبیر آن را بیان می کند، در این مورد فقط بخشی از دانیال ۸ تفسیر

نشده است - که نبوت ۲۳۰۰ روز دانیال در باب ۸ آیه ۱۴ است، یک قسمت از رویا که دانیال آن را درک نمی کند (دانیال ۸: ۲۷).

اطلاعاتی که در کتاب عزرا به ما داده می شود، تکه های گمشده نبوت های انبیا در کتاب دانیال را شامل می شود، یعنی هنگامی که از نظر تاریخی شروع به شمارش زمان نبوی در مورد جنبه های اساسی رسالت مسیح و مرگ او بر روی صلیب می کند که به خاطر ما بود.



۲۴ مهر

چهارشنبه

برگزیدگان های خداوند

بحث های زیادی در مورد انتخاب ما از طرف خداوند یا برگزیده شدن ما برای انجام کاری وجود دارد. بسیاری از مردم عقیده های متفاوتی در مورد مفهوم این انتخاب دارند. کتاب مقدس در مورد انتخاب ما از طرف خداوند، چه می گوید؟

رومیان ۸: ۲۸، ۲۹ را بخوانید. خداوند ما را برای چه چیزی فرا می خواند؟ او ما را برای چه چیزی انتخاب می کند؟

این آیه بطور خاص بیان می کند که خداوند از پیش مقدر فرموده تا انسان ها، خود را به شکل پسر خویش تطبیق دهند. این مطلب نمی گوید که خداوند از قبل تعیین کرد که ما رستگار و یا محکوم شویم، و یا اینکه هیچ حق انتخاب یکی از این دو گزینه را نداریم. به عبارت دیگر، انتخاب ها به منظور متحول کردن ما هستند. ما باید تغییر کنیم تا منعکس کننده پسر خداوند باشیم. این تحول بعداً در در آیه بعدی (رومیان ۸: ۳۰) وعده داده شده است، که پولس، نویسنده آن اظهار می دارد، خداوند تیرته کننده کسانی است که آنان را فرا خوانده، (یعنی ما را عادل می گرداند) و جلال می دهد (یعنی تقدیس می نماید). به این ترتیب ما مجبور نیستیم که ما، خودمان را تغییر دهیم، بلکه خداوند وعده می دهد که او با قدرت خودش این تغییر و تحول را در ما ایجاد کند.

رومیان باب ۹ را بخوانید. چه نوع انتخاب یا فراخوانی از طرف خداوند در این باب شرح داده شده است؟

پولس در رومیان باب ۹ از انتخاب خداوند برای انجام یک وظیفه ویژه صحبت می‌کند. اسرائیلیان برای رساندن خبر خوش دربارهٔ خداوند به جهان انتخاب شدند. عبارت « یعقوب را دوست داشتم » (رومیان ۹: ۱۳) معمولاً بطور اشتباه برداشت می‌شود که خدا تنها یکی از برادران را دوست داشته است. با این حال، پولس در متن این آیه می‌گوید که یعقوب انتخاب شد، اما عیسو انتخاب نشد. به چه علت یعقوب انتخاب شده بود؟ برای اینکه پدر قوم بنی اسرائیل باشد. بنابراین، برای خداوند دو نوع گزینش/انتخاب وجود دارد. نخست، خداوند هر یک از ما را برای رستگاری انتخاب می‌کند و می‌خواهد که ما به شکل مسیح متحول شویم. دوم، خداوند افراد خاصی را برای انجام وظایف ویژه ای انتخاب می‌کند.

چرا دانستن این مطلب باید دلگرم کننده و امید بخش باشد مبنی بر این که از قبل برای رستگار شدن انتخاب شده اید؟ به هر حال چرا این مطلب بدان معنا نیست که انتخاب های شما نمی تواند سبب از دست دادن نجاتی بشود که خداوند به شما تقدیم می کند؟

۲۵ مهر

پنجشنبه

مسئولیت ما

اگر توسط خداوند فراخوانده شده باشیم، همچنان حق انتخاب در قبول یا رد فراخوانِ او را داریم، درست همانطور که ما حق انتخاب قبول یا رد رستگاری که او به همهٔ ما هدیه کرده است را داریم. خداوند ممکن است ما را در موقعیت ویژه ای قرار دهد، اما ما می توانیم انتخاب کنیم که فرامین او را پیروی نکنیم. بله، او می خواهد ما کارهای خاصی را برای او انجام دهیم درست به همان اندازه او ما را فراخواند تا شبیه او شویم. بخشی از طرح خداوند برای رستگاری ما، انتخاب ما از طرف او برای انجام وظیفه ای ویژه است. با انجام آنچه که ما را برای ایفای آن فراخوانده است، ما در زندگی خودمان، حقیقت نجاتی را که او به ما بخشیده است را نمایان می‌کنیم.

به شائول پادشاه، مقام سلطنت داده شده بود. متأسفانه، با وجود وظیفه ای به او سپرده شده بود، شائول هرگز بطور کامل قلب خود را به خداوند نسپرده بود. فقط به این علت که کسی توسط خداوند برای انجام کار ویژه ای برای او فراخوانده شده است، به این مفهوم نیست که آن شخص از طرف خداوند پذیرفته شده است. آزادی ارادهٔ ما به

عنوان عامل تعیین کننده، همچنان بر سر جای خود باقی است، و اگر ما از راهنمایی های خداوند پیروی نکنیم، همه چیز را می توانیم از دست بدهیم.

خروج باب ۳ و ۴ را بخوانید. چه آموزه ای در این آیات وجود دارد در هنگامی که خداوند کسی را برای انجام وظیفه ای فرا می خواند ؟

پاسخ ما به دعوت خداوند، می تواند شبیه پاسخ عزرا و نحمیا باشد، کسانی که بدون هیچ سؤالی از خداوند پیروی کردند، یا می تواند شبیه پاسخ موسی به خداوند باشد، او که مخالفت کرد و بهانه های مختلفی را آورد. موسی در نهایت به دنبال انجام وظیفه ای که به او سپرده شده بود، رفت اما در ابتدا سعی کرد که از انجام آن شانه خالی کند. او اعتراض کرد، و ادعا کرد که او به اندازه کافی شایستگی ندارد و او شخص مهمی نیست و موقعیت و مقام مهمی ندارد که بتواند با استفاده از آن وظیفه اش را انجام دهد. پس چگونه احتمالاً فرعون به حرف او گوش کرده است؟ او همچنین نگران بود که قوم بنی اسرائیل به او ایمان نیاورند و یا به سخنان او گوش ندهند و او را نپذیرند، و تلاش او بی فایده و انجام این کار سخت باشد. علاوه براین، او شکایت کرد که او واجد شرایط برای انجام اینکار نیست - « من در حرف زدن گُند هستم و نمی توانم خوب حرف بزنم » (خروج ۴: ۱۰) - و مهارت های لازم را دارا نیست. در نهایت، او مصرانه از خداوند خواست که کس دیگری را بفرستد. با این حال، همانطور که حکایت موسی را می خوانیم، یاد می گیریم که موسی با داشتن ناتوانی هایی، چه رهبر قدرتمندی شد. او کسی بود که با ایمان وظیفه ای که خداوند او را برای انجامش فراخوانده بود، انجام داد.

اغلب اوقات چه بهانه هایی می آوریم تا از انجام کاری که می دانیم خداوند از ما می خواهد انجام دهیم، شانه خالی کنیم؟

۲۶ مهر

جمعه

تفکری فراتر: بخوانید، *الِن جی وایت*، « از دریا سرخ تا صحرای سینا »، صفحات ۲۹۵ تا ۲۹۷، در کتاب *مشایخ و انبیاء*؛ « روز سبت »، صفحات ۲۸۱ تا ۲۸۹، در کتاب *آرزوی اعصار*؛ *سیگوه کی*. تنستاد، « *The Social Conscience of Seventh Day* »، صفحات ۱۲۵ تا ۱۴۳، در کتاب *The Lost Meaning of the Seventh Day*.

« عیسی به آنها اظهار داشت که کار تسکین دادن رنجوران هماهنگ با قانون سبت است. این در هماهنگی با کار فرشتگان خداوند بود، کسانی که همیشه در حال حرکت بین آسمان و زمین برای خدمت به بشریت رنج دیده هستند »

« و همچنین در این روز انسان وظیفه ای دارد که باید انجام دهد. ضروریات زندگی برای بیماران که نیاز به مراقبت دارند، باید فراهم شود و حاجات نیازمندان باید تامین شوند. کسی که در تسلی رنج رنجیدگان در سبت غفلت می کند، بی گناه نخواهد بود. روز مقدس استراحت خداوند (سبت) برای انسان آفریده شده است، و اعمال رحمت آمیز درهماهنگی کامل با هدف آن هستند. خداوند مایل نیست که مخلوقات او حتی ساعتی درد و عذاب ببرند وقتی که در روز سبت یا هر روز دیگری می تواند رفع شود ».

سوالاتی برای بحث

۱. بیشتر برروی ایده دعوت خداوند از شما برای انجام کاری که دوست دارید متمرکز شوید. بطورکلی چه اصولی هستند که شما می توانید پیروی کنید تا بدانید آنچه را که شما انجام می دهید خواست و اراده اوست، نه فقط در مورد آنچه که شما دوست دارید انجام دهید؟

۲. زندگی یونس و چگونگی جواب او در برابر فراخوان خداوند در زندگیش را بخوانید. ما چه درس هایی می توانیم از عملکرد و تجربه او یاد بگیریم؟ هم زمان، مقایسه کنید آنچه را که یونس انجام داد با آنچه که پولس انجام داد، هنگامی که خداوند او را فراخواند (اعمال رسولان ۹: ۱ تا ۲۰ را ببیند). برخی از تفاوت های عمده بین آنها چه بودند؟

۳. « تاریخچه زندگی یهودا پایان غم انگیزی از یک زندگی را رقم می زند که می توانست مورد تمجید خداوند باشد. اگر یهودا قبل از سفر خود به اورشلیم فوت می کرد، او می توانست به عنوان یکی از مردان شایسته و با ارزش در میان ۱۲ نفر شاگردان مسیح به حساب آید، و کسی که جای او بسیار خالی حس می شد. ”الِن جی وایت، آرزوی اعصار، صفحه ۷۱۶. در مورد حکایت یهودا اسخریوطی فکر کنید. آیا او «فراخوانده» شده بود که به عیسی خیانت کند؟ اگر چنین است، آیا این مسئله در مورد او عادلانه بود، که او این چنین باشد؟ چگونه می توانیم یهودا و فرصت هایی را که او داشت را در مقایسه با آنچه که او در نهایت انجام داد درک کنیم؟ چه درس هایی را می توانیم از حکایت او درباره قدرت آزادی انتخاب در زندگی خودمان بگیریم؟



شبان ژاپنی مبلغ سی هزار دلار پیدا می کند

توسط اندرو مک چسنی، مبشر ادونتیست

قبض آب با مبلغ بالا، رهبران کلیسای ژاپنی در توکیو را بهت زده کرد. در حالی که رهبران کلیسای ادونتیست روز هفتم آمانوما از اینکه قبض پرداخت نسبت به ماه قبل دو برابر شده متحیر بودند، با شرکت آب ارتباط برقرار نموده و طولی نکشید که متوجه شدند که یک لوله در زیرزمین ترکیده و آب از آن نشت می کرد.

لوله آب قابل تعمیر نبود و شرکت آب به کلیسا پیشنهاد نمود تا لوله رو کار بر روی زمین نصب کنند. مبلغ نصب می شد: هفت میلیون ین یا در حدود هفتاد هزار دلار بود.

کلیسا هفت میلیون ین نداشت.

به غیر از این، رهبران کلیسا با مخارج بالای دیگری نیز مواجه بودند. آنها نیاز داشتند تا شانزده میلیون ین (صد و شصت هزار دلار) فراهم کنند تا بتوانند لوازم و تجهیزات برای کلیسا بخرند تا کلیسایشان بتواند یکی از ۱۶۱ کلیسا در کل ژاپن باشد که در همایش بشارتی بزرگ سال ۲۰۱۸ شرکت کند. در حالی که مشکلات پیچیده شده بود و اعضای کلیسا نسبت به همایش بشارتی مشتاق نبودند، از این بابت شکایت می کردند که مخارج و کار کلیسا بیش از حد است.

کیوایچی میازاکی، که اعانه ها را از سرتاسر جهان برای کلیسای آمانوما جمع می کند و اولین رهبر این کلیسا است گفت: «خیلی استرس آور بود» هیئت کلیسا جلسه گذاشت تا در مورد لوله آب دعا کنند.

سریعاً پس از دعا، کشیش وابسته به کلیسا که نامش «میونگون را» است، به دفترکارش رفت. او بر روی میز کارش مبلغ سه میلیون ین (سی هزار دلار) نقد پیدا کرد.

آقای را، یک مبشر اهل کره جنوبی، هیجان زده شده بود و در حالی که به وجد آمده بود خبر را فوراً به اعضای هیئت کلیسا گفت.

در سبت بعدی، او نیاز برای لوله آب را به جماعت کلیسا اعلام کرد. او

گفت که چطور سه میلیون ین در دفترش دیده شده بود و او برای اعانات بیشتر تقاضا کرد.

بعد از مدتی کوتاه، غافلگیری دیگری در سبد جمع آوری هدایای مدرسه سبت ظاهر شد: یک پاکت که مبلغ یک میلیون ین (ده هزار دلار) در آن موجود بود.

رهبران کلیسا از خوشی در پوست نمی گنجیدند؛ اما آنها از این نگران بودند که مبادا دهنده مبلغ اشتباهاً این همه پول را در سبد گذاشته باشد. در لحظه ای که بخشش هدایا جمع آوری و شمرده شد، آنها دریافتند که هدیه از طریق اولین بازدید کننده کلیسا داده شده است و هدیه آن زن را کنار گذاشتند. آنها از او پرسیدند: «آیا شما واقعاً نیت داشتید تا این همه پول هدیه بدهید؟»

زن جواب داد: «من دیشب خوابی دیدم. در خواب، یک نفر به من گفت که هدیه ای را به کلیسای مسیحی بدهم. من مسیحی نیستم و هیچ کلیسای مسیحی را نمی شناسم. بنابراین، به دنبال کلیسای مسیحی گشتم و شما را پیدا کردم.»

او اصرار نمود که کلیسا مبلغ یک میلیون ین را نگه دارد. پس از آن سبت، آن زن دیگر دیده نشد. کلیسا نیز از منبعی که سه میلیون ین را بخشیده بود مطلع نشد.

از طریق اینچنین معجزاتی، کلیسا برنامه ریزی کرد تا هدایا را جمع آوری کند تا لوله تازه و همچنین برای جلسات بشارتی تجهیزات فراهم کنند. آقای را گفت که هدایای معجزه آسا و تعمیدها کمک کرده اند تا فضای کلیسای آمانوما تغییر. این کلیسا بزرگترین کلیسای ادونتیسست با ۹۰۰ نفر عضو می باشد.

آقای را که در سمت چاپ تصویر است گفت «مردم منفی گرا بودند؛ اما حالا آنان مشتاقند. آنها می دانند که خدا زنده است.»

مواجه شدن با مخالفت



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: عزرا ۴: ۱ تا ۵؛ دوم قرنیتان ۶: ۱۴؛ عزرا ۵: ۱ تا ۵؛ حجی ۱؛ عزرا ۴: ۶ تا ۲۴؛ نِجْمِیا ۴؛ نِجْمِیا ۶: ۱ تا ۱۳.

آیه حفظی: « اما چشم خدای یهودیان بر مشایخ ایشان بود و نتوانستند ایشان را از کار بازدارند تا خبر به داریوش برسد و پاسخ کتبی درباره آن داده شود » (عزرا ۵: ۵).

عزرا باب ۳ تا باب ۶ بطور موضوعی ساختاربندی شده است، که دوره های تاریخی مختلفی از مخالفت با بازسازی معبد را در برمی گیرد. تشخیص این شیوه موضوعی کمک برای روشن شدن پیام کلی کمک خواهد نمود.

نام عزرا برای اولین بار در کتاب عزرا ۷: ۱ اشاره شده است. با ورود او در سال ۴۵۷ ق.م. به اورشلیم همه چیز تغییر می کند، و شهر و دیوارهایش بطور نامنظم شروع به بازسازی می شوند. سیزده سال بعد نِجْمِیا وارد اورشلیم می شود (او توسط اردشیر در سال ۴۴۴ ق.م. فرستاده می شود)، و در نهایت ساخت و ساز دیوار از سر گرفته می شود. اگرچه مخالفت ها با ساخت معبد بسیار زیاد بود، ولی این کار در طی ۵۲ روز کامل شد (نِجْمِیا ۶: ۱۵).

مقاومت در برابر کار خداوند، موضوعی متداول در دو کتاب عزرا و نِجْمِیا است؛ بنابراین جای تعجب نیست که بازسازی معبد و شهر اورشلیم موجب برانگیختن مخالفت و جفا از جانب آنها شد. به هر جایی که در دنیای امروز نظر بیافکنیم، می بینیم که کار خداوند در همه جا با مقاومت و مخالفت روبرو است. شیطان تلاش می کند که اطمینان حاصل کند که انجیل سریعاً نشر و گسترش نیابد، زیرا که سلطه او با تهدید روبرو می شود. در کتاب عزرا و نِجْمِیا، یهودیان با مخالفان چگونه برخورد کردند؟

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای سبت روز ۴ آبان - ۲۶ October آماده شوید.

مخالفت ها آغاز می شود

عِزرا ۴: ۱ تا ۵ را بخوانید. چرا فکر می کنید که بقیه اسرائیلیان از کمک به دیگران در ساخت معبد خودداری کردند؟

ظاهراً به نظر می رسد که درخواست آنها شبیه نوعی درخواست برای انجام کاری در همسایگی است، بنابراین چرا آنها پیشنهاد کمک را رد کردند؟ به یک معنا، پاسخ را می توان در خود آیه پیدا کرد. « دشمنان شان » به آنها پیشنهاد کمک دادند. دشمنان شان؟ این به تنهایی به یک نکته قوی اشاره می کند که چرا اسرائیلیان چنین عکس العملی را نشان دادند.

چرا این مردم « متخاصمان » نامیده شدند؟ دوم پادشاهان ۱۷: ۲۴ تا باب ۴۱ توضیح می دهد که این افراد از ملت های دیگری به سامره و مناطق اطراف آورده شده بودند، پس از اینکه اسرائیلیان ساکن در قلمرو پادشاهی شمالی از آن مکان تبعید گردیدند. پادشاه آشور برای آنان کاهنانی را فرستاد، کسانی که باید به آنها آموزش می دادند که چگونه خداوند آن سرزمین را عبادت کنند، که خدای اسرائیل است. به هر حال، در نتیجه، مذهب با خدایان کنعانیان نیز در هم می آمیخت. بنابراین، بازماندگان اسرائیلی ترسیده بودند که این مذهب به درون معبد آنان رخنه کند. بدین جهت، بهترین و هوشمندانه ترین کاری که کردند این بود که بگویند: « نه، متشکریم! ».

همچنین باید به یاد داشته باشیم، که چرا در ابتدا همه این رویدادها اتفاق افتادند. این سازش دائمی پدران آنان با عقاید بت پرستان اقوام اطراف آنها بود که منجر به نابودی معبد و همچنین تبعید آنان شد. احتمال می رود، در حالی که روند ساخت معبد از سر گرفته شد، آخرین چیزی که آنها می خواستند این بود که تا آنجا که ممکن بود با قوم های اطراف همسو نشوند.

چه چیز دیگری در این آیات نشان دهنده درست بودن رد پیشنهاد کمک است؟ (عِزرا ۴: ۴، ۵).

فکر کنید که چگونه به سادگی می توانستند قبول درخواست کمک را توجیه کنند؟ دوم قرنیتان ۶: ۱۴ در این چارچوب چه می گوید؟

تشویق انبیا

متأسفانه، یهودیان با مخالفت های اقوام اطرافشان مواجه بودند، همانطور که در عزرا باب ۴ تا ۶ توضیح داده شده است. این مخالفت ها باعث شد آنان بترسند و تمایلی به کار، در ساخت معبد نداشته باشند. همانطور که قبلاً اشاره شد، آیات عزرا ۴: ۶ - ۶: ۲۲، به ترتیب زمانی نوشته نشده است. بنابراین، باب ۵ را قبل از باب ۴ مطالعه خواهیم کرد.

عزرا ۵: ۱ تا ۵ را بخوانید. چرا خداوند، حجتی و زکریای نبی را نزد یهودیان فرستاد؟ و نتیجه نبوت آنان چه بود؟

یهودیان مجبور بودند که کار ساخت معبد را به علت ترس متوقف سازند. اما خداوند انبیا را به یهودا فرستاد تا معبد و شهر اورشلیم را بازسازی کنند، و او نقشه ای داشت. از آنجایی که آنان می ترسیدند، او مجبور بود اقدامی انجام دهد تا آنان را به انجام کار تشویق کند. بنابراین، او دو تن از انبیا را فراخواند تا وارد عمل بشوند. مخالفت بشری نمی تواند خداوند را متوقف کند؛ حتی اگر یهودیان با اعمال خود به مخالفان کمک می کردند، خدا آنها را به حال خود رها نکرد. او از طریق انبیا مشغول به کار شد تا در آنها انگیزه ایجاد کند و آنان را دوباره به سمت اقدام به بازسازی سوق دهد.

حجتی باب ۱ را بخوانید. چه پیامی برای آنان در اینجا وجود دارد، و ما چه پیامی را از این می توانیم برای خودمان برداشت کنیم؟

« زکریا و حجتی نبی برای روبرو شدن با بحران، مبعوث گردیدند. این پیامبران برگزیده، برای هشیار کردن آنان، گاهی اوقات علت دشواری ها و گرفتاری های ایشان را آشکار می کردند. انبیا اظهار کردند که کمبود کامیابی های دنیوی، در اثر غفلت آنان از مقدم شمردن کار خداوند بود. اگر قوم بنی اسرائیل خداوند را حرمت می بخشیدند، اگر آنها ساخت خانه خداوند در جایگاه نخست قرار داده و برای او احترام و تواضع درخور نشان می دادند، آنها میتوانند از حضور و برکات او بهره مند شوند. » (لن جی وایت، انبیا و پادشاهان، صفحات ۵۷۳ و ۵۷۴).

توقف کار

در عِزرا باب ۴ آیات ۶ تا ۲۴، «دشمنان» چه کردند تا کار ساخت معبد را متوقف کنند؟

«مردم آن سرزمین» نامه های افترا آمیزی را بر علیه یهودیان و در رابطه با کار بازسازی شهر و معبد نوشتند، و ابتدا برای داریوش (عِزرا ۵، ۶)، و سپس به خشایارشا و همچنین به اردشیر فرستادند. آنها آنچه در توان داشتند برای متوقف ساختن کار بازسازی انجام دادند. مردم ملت های اطراف مدعی شدند که اگر این شهر دوباره بازسازی شود، به علت اینکه اورشلیم همانطور که در گذشته همیشه جایگاه شورش و دغدغه بوده است، دوباره هم خواهد بود و پادشاه قدرت خود را از دست خواهد داد. متأسفانه، اردشیر پادشاه با این ایده متزلزل شد که یهودیان تنها به این دلیل که می خواهند شهر را بازسازی کنند که استقلال دوباره خود را بدست آوردند، و در نتیجه تحریک شد تا به مقابله با آنان پردازد. او دستور داد تا کار بازسازی متوقف شود و مردم ارتشی را برای جلوگیری از کار بیشتر در جهت بازسازی شهر فرستادند. و این عملکرد موثر در کار برای خداوند وقفه ایجاد کرد.

عِزرا ۴: ۲۳، ۲۴ را بخوانید. چرا یهودیان کار ساختن معبد را متوقف کردند؟ آیا آنها نمی دانستند که خداوند از آنان می خواهد که شهر را بازسازی کنند؟ چه مانعی در سر راه آنان پیدا شد؟

بدیهی است که یهودیان متوجه شدند که خداوند آنها را برای بازسازی شهر و معبد فراخوانده است، اما آنها به دلیل مخالفان نیرومندی که داشتند، ترسیده بودند. شاید آنها به این نتیجه رسیدند که با بهانه هایی مانند: «اکنون زمان مناسب برای انجام اینکار نیست»، یا اینکه «اگر واقعاً این خواست خداوند است که ما این کار را انجام دهیم، او راهش را هم فراهم خواهد کرد»، و یا «شاید ما نباید دوباره به این شهر برگردیم»، کار را متوقف کنند. هنگامیکه مخالفان در سر راه آنچه که ما معتقد هستیم که خداوند ما را برای انجام آن فراخوانده، قرار می گیرند، ما مایل هستیم که خداوند را مورد بازخواست قرار دهیم و به رهنمودهای او شک کنیم. ما به راحتی می توانیم خود را متقاعد کنیم که اشتباه کرده ایم. ترس می تواند ذهن ما را از کار بیاندازد، و افکار ما را به جای تمرکز بر روی قدرت خداوند، بر روی ناتوانی و نوسیدی متمرکز کند.

آیا شما موردی شبیه این را تجربه کرده‌اید و متقاعد شده باشید که خداوند شما را برای انجام کاری فراخوانده و سپس وقتی مشکلات سر راه شما قرار گرفته اند، به شک و تردید افتاده باشید؟ (برای مثال دربارهٔ یحیی تعمید دهنده فکر کنید). شما از این تجربه چه چیزی را آموخته اید؟

چهارشنبه

۱ آبان

نِحْمِیا دست به کار می شود (۴۴۴ ق. م.)

نِحْمِیا باب ۴ را بخوانید. یهودیان تحت رهبری نِحْمِیا برای ایستادگی در مقابل مخالفان چه کردند؟ چرا برای آنان مهم بود که خود را برای جنگ آماده کنند، به جای اینکه هیچ کاری نکنند و باور داشته باشند که خداوند از آنان حمایت و حفاظت خواهد کرد؟

بعد از شروع بکار و توقف آن، مردم دوباره شروع به کار کردند. یهودیان دعا کردند، و نِحْمِیا یک گروه نگهبان را بطور شبانه روزی برای حفظ جان آنان فراهم کرد. مردم با تعویض نوبت های نگهبانی بطور شبانه روزی، آماده هر گونه حمله ناگهانی از طرف دشمنان بودند. نِحْمِیا همچنین مردم را در اطراف دیوار مسلح و سازماندهی کرد تا بدین وسیله هر خانواده آمادهٔ نبرد باشد. علاوه بر این، او خادمین خود را به دو گروه تقسیم کرد، یک گروه که کار می کردند و گروه دیگر سلاح بر دست، کار محافظت را بر عهده داشتند. همچنین برای کسانی که در ساخت دیوار کار می کردند، مقررات ویژه ای وجود داشت زیرا که آنها در خط مقدم بودند و معرض خطر قرار داشتند. هر یک از کارگران سازندهٔ دیوار با یک دست شمشیر حمل می کرد و با دست دیگر آجر و سنگ و ملات را در ساخت دیوار بکار می برد. آنها آماده بودند که در صورت لزوم با مخالفان برخورد کنند، آنان وظیفه خود را انجام دادند؛ و خداوند بقیه آن را انجام داد. ایمان نِحْمِیا به حمایت و حفاظت از سوی خداوند، الهام بخش و تاثیرگذار است. بهر حال، او در کناری نشست تا انتظار داشته باشد که خداوند همهٔ کارها را انجام دهد. آنان با تمام توانایی های خود به نحو احسن آماده بودند.

آیات، « از ایشان مترسید. خداوند را به یاد آورید که بزرگ و مهیب است و برای خویشاوندان، فرزندان، همسران و خانه‌هایتان بجنگید. » (نِحْمِیا ۴: ۱۳ و ۱۴ را ببیند)، « خدایمان برای ما جنگ خواهد کرد » (نِحْمِیا ۴: ۱۹ و ۲۰ را ببینید)، برخی از اینها جزو الهام بخش ترین آیات موجود در کتاب مقدس هستند.

یهودیان می توانستند به دلیل مخالفت های مداوم، کار بازسازی معبد را متوقف کنند، اما، اینبار، به جای اینکه مغلوب ترس بشوند، آنان به خداوند اعتماد کردند، که او به

خاطر آنان خواهد جنگید. هنگامیکه ما به خاطر نام خداوند، به خاطر باورهایمان، یا برای انجام وظیفه ای که فراخوانده شده ایم، با مخالفان مواجه شویم، باید به یاد داشته باشیم که « خداوند برای ما خواهد جنگید ».

و در آخر، یهودیان متوجه شدند که خداوند حامی و حافظ تمامی کارهایی است که آنان انجام می دادند و این موضوع موجب تشویق آنان شد که در انجام کار خود به پیش بروند.

چرا دانستن این موضوع مهم است که آنچه شما انجام می دهید، اراده و خواست خداوند است؟ بنابراین، یک سوال مهم پیش می آید که باید پرسید: چگونه من باید بدانم، آنچه که من انجام می دهیم خواست و اراده خداوند است؟

۲ آبان

پنجشنبه

انجام « کاری بزرگ »

نحمیا ۶: ۱ تا ۱۳ را بخوانید. چرا نحمیا کاری که در اورشلیم انجام می دهد را به عنوان یک « کار عظیم » به حساب می آورد (نحمیا ۶: ۳)؟ چه تلاش هایی در این مورد برای متوقف کردن او انجام شد؟

باب ۶ خیلی از تلاش های نحمیا را در زندگی شرح می دهد. سَبَلَط و جَشَم عرب بطور مرتب نامه هایی را را به بهانه جلسه برای او می فرستادند. به هر حال، محل ملاقات در دشت اونیو بود که در قلمرو دشمن قرار داشت، و قصد واقعی این دعوتنامه را فاش نکردند. سَبَلَط، طوییا، و جشم دریچه ای از فرصت را مشاهده کرده بودند که زمانی بسته خواهد شد که کار ساخت دیوار تمام شود و دروازه های شهر بسته شود. یهودیان از حمایت پادشاه پارس برخوردار بودند، و بنابراین دشمنان آنها نمی توانستند از طریق حمله مستقیم آنان را مغلوب کنند. اما اگر آنها از دست رهبر آنان خلاص می شدند، می توانستند جلوی پیشرفت یهودیان را بگیرند و شاید حتی تا ابد آنان را متوقف کنند. آنها دست بردار نبودند. حتی با اینکه نحمیا پاسخ آنها را نمی داد، آنها همچنان تلاش خود را می کردند. باید این مسئله برای نحمیا طاقت فرسا بوده باشد که هر بار با مخالفان سر و کار داشته باشد. او به این صورت به آنان پاسخ می دهد: « من به کاری بزرگ مشغول هستم » (نحمیا ۶: ۳).

نحمیا بر طبق معیارهای دنیوی، کار بزرگی را به عنوان ساقی برای پادشاه انجام می داد، و این شغلی بلندآوازه بود، یعنی یکی از بالاترین مشاغل کشور که او به عنوان مشاور به پادشاه خدمت میکرد. اما ساخت شهری که ویران شده بود، چه اهمیتی از نظر

ظاهری و دنیوی داشت؟ آیا این چیزی بود که او آن را یک « کار بزرگ » نامید؟ نِجْمِیا با اندیشه ای باز کار برای خداوند را به عنوان یک کار « عظیم » و خیلی مهم به حساب آورد زیرا که او درک کرده بود که تکریم نام خداوند در گرو کار بازسازی شهر اورشلیم بود. همچنین، هنگامی که خداوند خدمات خیمه مقدس را مقرر نمود، او مقام کاهنی را هم بنیان نهاد. به منظور اینکه خیمه خداوند در اذهان مردم مقدس و منحصر بفرد بماند، او فقط به کاهنان اجازه داد تا مناسک داخل معبد را انجام دهند. ما خودمان، گاهی اوقات برایمان سخت است که قدوسیت خداوند را درک کنیم؛ بنابراین، خداوند شرایطی را برای اسرائیلیان فراهم کرد تا به حضور خداوند با حرمت و احترام بروند. نِجْمِیا می دانست که صحن های معبد برای حضور همه است، اما حجره های اندرونی اینطور نبود. شمعی با گفته های خود در مورد دیدن داخل معبد، نه تنها خودش را به عنوان یک نبی دروغین با ارائه مسئله ای که مخالف احکام خداوند بود مطرح می کند، بلکه خود را نیز به عنوان یک خائن افشاء می کند.

امروزه چه روش هایی هستند که ما بدون هیچ خیمه مقدس زمینی در حضور خداوند مفهوم قدوسیت خداوند را حفظ کنیم؟ چگونه درک قدوسیت خداوند بر خلاف ذات گناهکار ما، ما را به سمت صلیب عیسی مسیح هدایت می کند؟

جمعه

۳ آبان

اندیشه ای فراتر: فصل های « بنا کنندگان دیوار »، « توبیخ بر علیه اخاذی »، و « دسیسه های بت پرستان »، صفحات ۴۶۷ تا ۴۸۶ از متن فارسی، از کتاب انبیا و پادشاهان را بخوانید. [کتاب انبیا و پادشاهان به زبان فارسی موجود است]

« مخالفت و مسائل دلسرد کننده ای که سازندگان شهر اورشلیم و معبد در روزگار نِجْمِیا از سوی دشمنانشان و دوستان ظاهری، با آن روبرو شدند، امروزه نمونه ای تجربی برای کسانی است که می خواهند برای خداوند کار کنند. مسیحیان نه تنها با خشم، تحقیر و ظلم و ستم دشمنان آزموده می شوند، بلکه از طریق راحت طلبی، بی ثباتی، بی میلی و خیانت دوستان و همکاران نیز محک می خورند. » [الن جی وایت، انبیا و پادشاهان، صفحه ۶۴۴ از متن انگلیسی.

« سرسپردگی کامل و راسخ نِجْمِیا نسبت به کار خداوند و به همان اندازه اعتماد او به خداوند، دلیل شکست دشمنانش بود و از این رو می خواستند تا او را با قدرت خود بسوی خودشان بکشانند. روحی که در ایمان سست است براحتی در وسوسه سقوط می کند؛ اما اگر در زندگی دارای هدف پاک و خالص و نیت والایی باشد، شیطان در او پایگاهی نخواهد داشت. ایمان کسی که دائماً در حال رشد است، با بالا و پائین و دور

شدن، تضعیف نمی‌شود؛ او عشق لایتناهی را درک می‌کند، و همه چیز را برای رسیدن به هدف والای خود بکار می‌گیرد. خادمان حقیقی خداوند با عزم و اراده‌ای که هرگز شکست نخواهد خورد، خدمت می‌کنند، زیرا که آنان همیشه سرسپرده تخت فیض خداوند هستند» صفحه ۶۶۰.

سوالاتی برای بحث

۱. خودتان را در موقعیت زروبابل و یشوع و دیگر رهبران قرار دهید، زمانی که آن مردان با پیشنهاد کمک به حضور آنان آمدند. حالا به گذشته نگاه کنید، می‌توانیم ببینیم که آنان با پذیرفتن پیشنهاد کمک، کار درستی را انجام دادند. به عنوان اعضای کلیسای ادونتیس، چگونه می‌توانیم بدانیم که چه هنگام باید و چه هنگام نباید با کسانی که در ایمان با ما یکی نیستند، همکاری کنیم؟ چگونه می‌توانیم از صحت و سقم مطلبی آگاهی یابیم؟ از چه معیارهایی می‌توانیم تبعیت کنیم؟
۲. همه ما از طریق تاریخ کتاب مقدس، خطرات ناشی سازش ایمان با دنیا را می‌توانیم ببینیم. در واقع، تمام تاریخ قوم بنی اسرائیل، درست قبل از اسارت بوسیله بابلیان، نمونه ای قدرتمند از این سازش بود. در عین حال، چه اتفاقی رخ می‌دهد هنگامی که مردم در تلاش برای دوری از این خطر، افراط می‌کنند؟ هنگامی که عیسی، خودش متهم به سرپیچی از رعایت روز سبت شد، (یوحنا ۹: ۴۱ تا ۶۱ را ببینید)، آیا ما نمونه ای قویتر از اتهام زندگان عیسی که نسبت به دیگران افراط نشان می‌دهند، داریم؟ چگونه می‌توانیم به تعادل مناسب دست یابیم؟



پول برای بشارت

توسط هوراکيو ریزو

برنامه بلند پروازانه بود: فرستادن ۲۵ زوج مبشر از آمریکای جنوبی برای بشارت انجیل در کشورهایی که در منطقه ۱۰ و ۴۰ درجه جغرافیایی قرار داشتند. من به سخنان ارتون کوهلر، مدیر بخش آمریکای جنوبی، مشتاقانه گوش دادم که در مورد سرآغاز پروژه « مبشران برای جهان » بود که برای ۸۰ نفر از رهبران کلیسای ادونتیست روز هفتم از سرتاسر آمریکای جنوبی در ستاد مدیریت بخش ها در برزیلیا پایتخت کشور برزیل در سال ۲۰۱۴ ارائه می شد.

شبان کوهلر در مورد چالش های بزرگی که کلیسای ادونتیست درخاورمیانه با آن مواجه بود صحبت می کرد و او در مورد کمبود منابع مالی و انسانی سخن گفت. بخش ما می توانست با اعزام ۲۵ زوج مزدوج و پوشش دادن تمامی مخارج آنان در این پروژه کمک کند که هزینه ها شامل بلیط هواپیما، غذا و بیمه برای دوره های پنج ساله می شد.

شبان کوهلر از ما دعوت کرد تا امور مالی پروژه را پشتیبانی کنیم. هریک از ما به عنوان رئیس یک حوزه یا ناحیه بشارتی آمریکای جنوبی خدمت می کرد. من رئیس ناحیه بشارتی غرب مرکزی آرژانتین بودم که منطقه ای کوچک با مضیقه مالی بود. ما به اتحادیه حوزه های آرژانتین وابسته بودیم تا از پس مخارج ماهیانه برآئیم.

شبان کوهلر پیشنهاد کرد که سهم ما در کمک کردن با تعداد اعضای که داشتیم تعیین شود.

با خود اندیشیدم که: اما تمامی حوزه ها و مناطق بشارتی شرایط مالی یکسانی ندارند. مشکل دیگر تفاوت بین عضویت رسمی کلیسا و تعداد کسانی بود که به طور منظم در کلیسا شرکت داشتند. در حوزه بشارتی من، اعضای رسمی بالغ بر ده هزار نفر بود؛ اما در واقع تنها پنج هزار عضو در هر سبت به کلیسا می رفتند.

من مجبور بودم تا تعهد بدهم. وقتی مشکلات را ملاحظه می کردم، قلبم بار سنگینی را احساس می کرد. می دانستم که کمک پیشنهاد شده نسبت

به توان بودجه ما بالاتر بود. کنترل بودجه بشارتی دست من نبود تا بینم که آیا توان مالی خوبی داریم یا نه. من زمان زیادی جهت ارزیابی این مورد نداشتم.

با ایمان دعا کرده و تعهد کردم تا پیشنهاد مبلغ را برای محدوده ده هزار نفری اهدا کنم.

سپس به خزانه دار پیام فرستادم که « این دقیقا کاری است که باید انجام دهیم ». او سریعا در پاسخ گفت « باشد ». او نیز می خواست تا از پروژه حمایت شود.

دو هفته بعد، یک سورپرایز بزرگ در دفترکاری ام در انتظار من بود. یکی از اعضای کلیسا دارایی خود را فروخته و ده یک آن را که مبلغی بالا بود برگرداند. مبلغ ده یک، از پولی که ما برای پروژه بشارتی در ناحیه داده بودیم سه برابر بیشتر بود!

من با اطمینان کامل بر این باور دارم که اولین نفر که از عمل دادن سود بیشتری می برد خود فرد دهنده است. اعضای کلیسا در مرکز غربی آرژانتین بیش از همه از پروژه بشارتی بخش آمریکای جنوبی برکت یافتند.

هوراکیو ریزو، در سمت چپ، قبل از اینکه به عنوان رئیس دانشگاه ادونتیست پلیت ریور در آرژانتین در سال ۲۰۱۶ منصوب شود به عنوان مدیر حوزه بشارتی مرکز غربی آرژانتین به مدت سه سال خدمت کرده بود. سه زوج مزدوج که از دانشگاه فارغ التحصیل شدند در پروژه « مبشران برای جهان » به عنوان خدمت می کنند.

تخطی از روح احکام



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: نحمیا ۵: ۱ تا ۵؛ خروج ۲۱: ۲ تا ۷؛ میکاه ۶: ۸؛ نحمیا ۵: ۷ تا ۱۲؛ تثنیه ۲۳: ۲۱ تا ۲۳؛ نحمیا ۵: ۱۴ تا ۱۹.

آیه حفظی: « همین امروز مزارع و تاکستانها و باغهای زیتون و خانه‌هایشان را بدیشان بازگردانید، و نیز درصدی از پول و غله و شراب و روغن را که از ایشان به نزول گرفته‌اید » (نحمیا ۵: ۱۱).

ما انسان‌ها تا به امروز، با مسئله ثروت، فقر، و شکاف بین غنی و فقیر و اینکه چگونه این مسئله را می‌شود حل کرد، دست و پنجه نرم کرده ایم. بله، عیسی فرمود « فقرا همیشه با شما خواهند بود » (متی ۲۶: ۱۱)، اما این فقط بهانه‌ای برای انجام ندادن کاری برای کمک به آنها است. در عوض، کتاب مقدس به ما پند و اندرز می‌دهد که سهم خودمان را برای کمک به آنان باید انجام دهیم. وگرنه به سختی می‌توانیم نام خود را مسیحی بگذاریم.

همچنین چقدر جالب توجه بود، که حتی در میان آزمون‌ها و سختیهای تبعیدیان مراجعت کننده برای بازسازی اورشلیم، این موضوع ظاهر می‌شود، نه تنها در خصوص فقر و فقر، بلکه حتی مسئله مشکل ساز ثروتمندانی که به فقیران ظلم می‌کنند. این مشکل حتی قبل از تبعید وجود داشت، و حالا، حتی در زمان بازگشت به میهن شان دوباره ظاهر شده بود.

این هفته شاهد تجلی دیگری از این موضوع قدیمی خواهیم بود، که چگونه نحمیا برای مقابله با آن تلاش می‌کند. همانطور که خواهیم دید، آنچه که حتی این ظلم و ستم را بدتر کرد، این بود که احکام خداوند فقط بصورت حرفی بود، که نمونه ای قدرتمند از این است که، باید مراقب بود که قوانین و مقررات فقط به عنوان هدف نباشند بلکه وسیله ای برای انجام هدف باشند که آئینه ای برای بازتاب دادن صفات مسیح باشد. [به عنوان مثال، عبادت فقط برای انجام یک فریضه ظاهری نیست، بلکه وسیله ای است که

توسط آن بتوانیم به خداوند نزدیک شویم و رابطه ای عاشقانه ایجاد کنیم. پس عبادت هدف نیست بلکه وسیله ای است که عابد و معبود را به هم نزدیک می کند.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۱ آبان - ۲ November آماده شوید.

۵ آبان

یکشنبه

نارضایتی مردم

نِجْمِیا باب ۵ آیات ۱ تا ۵ را بخوانید. چه اتفاقی در اینجا رخ می دهد؟ مردم بر علیه چه چیزی فریاد بر آوردند؟

به نظر می رسد که جامعه یهودی تحت رهبری نِجْمِیا در مقابل فشارهای خارجی متحد شده بوده است. اما در داخل، ملت برای اینکه در برابر جفا ایستادگی نموده و از خود در مقابل خشونت خارجی دفاع کنند، اوضاع خوب نبود. علیرغم سیمای استوار و اتحاد ظاهری قوم بنی اسرائیل در برابر دشمن، جامعه از داخل گسسته بود. رهبران و ثروتمندان از فقر و طبقات محروم و تنگدست جامعه به نفع منافع خود سوءاستفاده می کردند و وضعیت خیلی بدی بوجود آمده بود بصورتی که خانواده ها برای دریافت کمک، فریاد شان برآمده بود. بعضی از خانواده ها می گفتند که آنها خوراکی برای سیر کردند فرزندان شان ندارند؛ برخی می گفتند که به خاطر قحطی، املاک و اموالشان را گرو گذاشته اند؛ و برخی از خانواده ها می گفتند که به علت اجبار در پرداخت مالیات به امپراطوری پارس پول قرض گرفته اند و یا حتی فرزندان شان به بردگی رفته اند.

به نظر می رسد که عامل اصلی فقر و بدبختی، قحطی و پرداخت مالیات بوده است، که موجب شده بود تا خانواده های فقیر به دنبال گرفتن کمک از همسایگان خود باشند. حکومت پارس، ولایت یهودا را ملزم کرده بود تا سالانه ۳۵۰ قنطار نقره به عنوان مالیات بپردازد (نِجْمِیا باب ۵ آیات ۱ تا ۵ را در کتاب مقدس، ویرایش اندروز ص. ۵۹۸ ببینید). اگر شخص نمی توانست سهم تعیین شده از مالیات اجباری را بپردازد، آن خانواده معمولاً ابتدا اموال و املاک خود را گرو می گذاشت یا پول قرض می گرفت. اگر با این حال آنها نمی توانستند در سال آینده درآمدی داشته باشند، مجبور بودند اقدامی در جهت پرداخت بدهی که حالا بدهکار بودند، انجام دهند. معمولاً گزینه بعدی بردگی بود. آنان هم اینک زمین های خود را از دست داده بودند و اکنون مجبور بودند که فردی از خانواده که معمولاً از کودکان بودند را به منظور خدمت به وام دهندگان در برابر پرداخت بدهی خود روانه کنند.

زمان هایی در زندگی وجود دارد که ما خود را گرفتار می یابیم که از عواقب کردارهای خودمان می باشد؛ البته، زمان هایی هم هستند که ما خسته و غمگین و یا در تنگنای مالی در

اثر اشتباهات خودمان نیستیم. حکایت بالا زمانی را شرح می‌دهد که سیاست‌های حکومتی به مردم آسیب رسانده‌اند، و منجر به تشدید فقر در زندگی آنها شده‌اند. آنها در موج فزاینده فقر گرفتار و محصور شده بودند و هیچ راهی برای فرار از آن را نداشتند.

چقدر حیرت‌آور است که در حال حاضر نیز مردو همانگونه، فشارهای اقتصادی دست و پنج نرم می‌کنند. چه پیامی باید از این واقعیت که اغلب سر فصل موضوعات کتاب مقدس است، استنباط کنیم؟

دوشنبه

۶ آبان

علیه روح احکام

نَحْمِیا باب ۵ آیات ۶ تا ۸ را بخوانید (خروج باب ۲۱ آیات ۲ تا ۷ را ببینید). چرا نَحْمِیا عکس العمل غضبناکی از خود نشان داد؟

به هر حال، امروز برای ما دشوار است که درک کنیم که برده داری یک هنجار فرهنگی در دنیای کهن بوده است. والدین می‌توانستند به بردگی درآیند و یا کودکانشان را به منظور بردگی بفروش برسانند. والدین از نظر اجتماعی و قانونی حق داشتند که پسران و یا دخترانشان را بفروشند. به هر حال، خداوند دهنده حق آزادی اراده است، او سفارش کرد که این عرف که وام دهندگان هر ۷ سال یک بار بردگان خود را آزاد کنند در اسرائیل اجرا شود. بدین ترتیب خداوند، مردم را در برابر بردگی دائمی محافظت و حمایت کرد و نشان داد که خواست و تمایل او برای مردم، زندگی آزادانه است.

اگرچه قرض دادن توسط شریعت مجاز بود، ولی پرداخت بهره مجاز نبود، (برای ملاحظه مقررات ضد رباخواری در کتاب مقدس به خروج باب ۲۲ آیات ۲۵ تا ۲۷؛ لاویان باب ۲۵ آیات ۳۶، ۳۷؛ تثویه باب ۲۳ آیات ۱۹، ۲۰ مراجعه کنید). با این حال، مقدار بهره ای که وام دهندگان درخواست می‌کردند در مقایسه با آنچه ملت‌های اطراف آنان درخواست می‌کردند، کمتر بود. آنها می‌خواستند که هر ماه یک درصد از مبلغ وام گرفته شده به عنوان مبلغ دیرکرد پرداخت شود. متون بین‌النهرین در قرن ۷، درخواست بهره ۵۰ درصدی را برای نقره و بهره ۱۰۰ درصدی را برای درآمد سالانه غلات نشان می‌دهند. بنابراین ۱۲ درصد سود سالانه در مقایسه با عملکرد سرزمین‌های بین‌النهرین کمتر بوده است. اما بطور کلی، طبق کلام خداوند تنها عمل خطایی که وام دهندگان انجام می‌دادند طلب بهره بوده است (نَحْمِیا ۵: ۱۰)، و جالب توجه است که مردم حتی در گلیاه‌های خود به آن اشاره نمی‌کردند. هرچیز دیگری که در درون هنجار اجتماعی وجود داشت در

مقررات شریعت هم وجود داشت. پس چرا نِحمیا « بسیار عصبانی » است؟ قابل توجه است که او بلافاصله دست به اقدامی نمی زند، اما نسبت به موضوع تعمق می کند. این حقیقت که نِحمیا با آن موضوع بطور قاطعانه برخورد کرد، بسیار قابل تحسین است. او از این رو که چون از لحاظ فنی، نقض شریعت نیست و یا از نظر اجتماعی قابل قبول است، حتی در مقایسه با اعمال زمینی « مطلوب » است، نارضایتی خود را پنهان نکرد. این روح احکام بود که تحت این شرایط زیر پا گذارده شده بود. به ویژه در طول دوران سخت اقتصادی، این وظیفه مردم بود که به یکدیگر کمک کنند. خداوند همیشه در کنار ستمدیدگان و نیازمندان است و او مجبور است که به انبیا ماموریت بدهد تا بر علیه شرارت و خشونت سخن بگویند.

چه راههایی هستند، که حتی بطور غیر تعمدی، می توانیم از واژه های احکام تبعیت کنیم در حالی که روح و مفهومی را که در بطن آن نهفته است را نقض کنیم؟ (میکاه ۶: ۸).

سه شنبه

۷ آبان

اقدامات نِحمیا

ظاهراً، ملامت کردن اشرافیان و حاکمانکه « شما برادران خود را مورد ستم قرار داده اید » (نِحمیا ۵: ۷)، نتایج دلخواه را به بار نیاورد. بنابراین، نِحمیا در این حد اکتفا نکرد بلکه به مبارزه خود برای دفاع از ستمدیدگان در میان آنها ادامه داد. او فقط می توانست در این حد اکتفا کند، و بگوید که او تلاش خود را کرده است تا به اربابان و حاکمان تعلیم دهد اما تلاشش ثمره ای نداشته است و به همین علت مجبور شد که این موضوع را رها کند. بالاخره، آنها ثروتمندان و قدرتمندان کشور بودند که او باید بر علیه آنان به پا می خواست. اما تا زمانی که راه حلّ اجرایی برای این مشکل پیدا کند، راضی و خرسند نمی شد، حتی اگر در این راه خودش دشمنان قدرتمندی می ساخت.

نِحمیا ۵: ۷ تا ۱۲ را بخوانید. استدلال نِحمیا بر علیه آنچه که در حال وقوع است، چیست؟ او از چه مسئله ای استفاده کرد تا مردم را ترغیب کند که اشتباهات خود را اصلاح کنند؟

نِحمیا گروه بزرگی را فراخواند - همه مردم اسرائیل برای حل این مسئله فراخوانده شدند. بیشتر به نظر می رسد که او احتمالاً فکر کرد وقتی مردم حضور بهم رسانند، همه رهبران خجالت خواهند کشید و شاید حتی بترسند و از ظلم و ستم کردن به مردم دست بردارند.

بحث اصلی نِحْمیا حول مسئله برده داری بود. به احتمال زیاد بسیاری از یهودیان از جمله نِحْمیا، آزادی دیگر یهودیان که در بردگی سرزمین های خارجی به سر می بردند، را خریداری کردند. حال، او از اربابان و حاکمان می خواست تا آنها درک کنند که آیا خرید و فروش مردم خودشان قابل قبول است. آیا این برای اسرائیلیان معقول است که یهودیان را بخرند و آنها را آزاد کنند، تنها برای اینکه آنان مجبور بودند که به بردگی مردم خود پایان دهند؟ رهبران پاسخی نداشتند زیرا که این استدلال منطقی بود؛ بنابراین نِحْمیا همچنان به تلاش خود ادامه داد. او از آنها پرسید، « کاری که انجام می دهید درست نیست. آیا نباید با خداترسی گام بردارید تا مورد تمسخر بیگانگان یعنی دشمنان ما قرار نگیرید؟ » (نِحْمیا ۵: ۹). سپس نِحْمیا اذعان می کند که خودش هم به عنوان قرض به مردم پول و غلات داده است. او اظهار می کند « بیائید از باز پرداخت وامهایمان صرفنظر کنیم » (نِحْمیا ۵: ۱۰)، او قانونی را که دیگر یهودیان را از انجام این عمل منع می کند، تأیید می کند. و نشان می دهد که او تمایل دارد تا تحت حکمرانی او مردم دلسوز و مراقب یکدیگر باشند. شگفت انگیز است که، پاسخ همه با هم یکی نبود. رهبران، موافق بازگرداندن همه چیز به مردم بودند.

آیا تا به حال در حق کسی بدی کرده اید؟ بسیاری از ما اگر صادق باشیم، باید پاسخ دهیم « بله ». در حال حاضر، در صورت امکان، چه چیزی شما را از انجام مجدد آن عمل باز می دارد؟

چهارشنبه

۸ آبان

سوگند

نِحْمیا باب ۵: ۱۲، ۱۳ را بخوانید. چرا نِحْمیا کسانی را که به وعده خود در توافقنامه عمل نمی کنند را لعنت می کند؟

حتی اگر رهبران موافق بازگرداندن آنچه بودند که از مردم غضب کرده بودند، نِحْمیا از این که این مسئله تنها در کلام آنان باشد، خوشحال نبود. او به یک گواه محکم نیاز داشت؛ بنابراین، او آنها را مجبور ساخت تا در برابر کاهنان به عهد خود سوگند یاد کنند. این اقدام همچنین موجب اعتبار قانونی روند اجرایی توافقنامه می شد، در صورتی که او بعداً مجبور شود به توافقنامه ارجاع کند.

اما چرا او لعنت می کند؟ نِحْمیا یک اقدام نمادین انجام داد، او جامه های خود را روی هم انباشت و با تکان دادن آن نشان داد که اگر چیزی در آن پنهان کرده باشد از داخل آن به عنوان علامت از دست دادن آن بیرون خواهد افتاد. بنابراین، کسانی که به سوگند خود عمل

نکنند، نیز تکانیده خواهند شد و تمام دارایی خود را از دست خواهند داد. در آن دوران، ادا کردن نفرین به منظور زدن مهر تایید بر اهمیت یک قانون یا قاعده خاص در حضور دیگران مرسوم بود. همچنین به نظر می‌رسد، که مردم کمتر بر ضد قانونی که نقض آن با لعنت مرتبط می‌شد، به پا می‌خاستند. ظاهراً نِحْمِیا احساس کرده بود، که این مسئله چنان مهم است، که باید برای بالا بردن احتمال توفیق آن اقدامی تند و موثر به عمل آورد.

متون زیر در عهد عتیق، به ما در مورد حرمت سوگند در نزد این مردم، چه می‌آموزند؟ (اعداد ۳۰:۲؛ تثنیه ۲۳:۲۱ تا ۲۳:۵؛ جامعه ۵:۴، ۵؛ لاویان ۱۹:۱۲؛ پیدایش ۲۶:۳۱).

و در آخر، سخن گفتن یک هدیه قدرتمند است که خداوند به انسان‌ها داده است؛ و به عنوان یک توانایی برای انسان‌ها، آنان را از حیوانات متمایز می‌سازد. در گفتار ما قدرت وجود دارد، حتی می‌تواند باعث حیات یا مرگ بشود. از این رو لازم است به آنچه که می‌گوئیم و قول می‌دهیم عمل کنیم و در ادای عهد خود دقت لازم را مبذول داریم. همچنین مهم است که کردار ما با گفتار ما یکی باشد. چه تعدادی از مردم به خاطر افرادی که کلامشان مانند مسیحیان واقعی بوده ولی رفتار و عملشان چیزی جز آن را نشان می‌داده، مسیحیت را ترک کرده‌اند؟

فقط فکر کنید، که چقدر کلام شما بر روی دیگران تاثیرگذار است. چگونه می‌توانیم یاد بگیریم که درباره سخن و طرز گفتار خود محتاط و مراقب باشیم؟

پنجشنبه

الگوی نِحْمِیا

نِحْمِیا باب ۵ آیات ۱۴ تا ۱۹ را بخوانید. چه دلایلی را نِحْمِیا ارائه می‌دهد که می‌گوید، او خواهان دریافت «توشه فرمانداران [خراج]» (نِحْمِیا باب ۵ آیه ۱۸) از طرف مردم نیست؟

به احتمال زیاد، نِحْمِیا در این آیات شرح حال پس از بازگشت خودش به دربار اردشیر پادشاه را بعد از ۱۲ سال فرمانداری در یهودا نوشته است. هرچند فرمانداران منصوب شده بودند تا عایدی مقامی را که به آن منصوب شده بودند دریافت کنند، نِحْمِیا هیچ وقت این حق را برای خود مطالبه نکرد، بلکه بجای آن همیشه هزینه مالی زندگی خودش را

خود تامین کرد. او نه تنها هزینه های خود را می پرداخت، بلکه هزینه خانواده اش و نیز کل دیوان را تامین می کرد. اولین فرماندار، زروبابل، تنها فرماندار دیگری است که ما به نام او را می شناسیم. وقتی نِحمیا در کتابش می گوید « فرماندار سابق » او به احتمال زیاد به فرمانداران بین دوران زروبابل و خودش اشاره می کند. در نتیجه با تمام شدن زمان فرمانروایی او، احتمالاً دارایی خود را به جای کسب ثروت از دست داده بوده است، نه همانطور که از یک مقام شغلی معتبر انتظار می رفت که در پایان مسئولیتش ثروت بیشتری را کسب کرده باشد. نِحمیا ثروتمند بود، به همین دلیل است که او می توانست غذای روزانه بسیاری از مردم را فراهم کند و او در تامین و تهیه کافی خوراک برای دیگران بسیار سخاوتمند بود (نِحمیا ۵: ۱۷ و ۱۸).

اگرچه این همان کاری نبود که ابراهیم بعد از نجات کسانی که بوسیله ملت های اطرافشان به اسارت گرفته شده بودند، انجام داد (پیدایش باب ۱۴ را ملاحظه کنید)، با وجود این، آنچه نِحمیا در اینجا انجام می دهد نشانگر همان اصل بسیار مهم است.

نِحمیا باب ۵ آیه ۱۹ را بخوانید. او در اینجا چه می گوید، و چگونه این مطلب را از نقطه نظر انجیل درک می کنیم؟

آنچه که در اینجا از نِحمیا ملاحظه می کنیم، نمونه کسی است که خداوند را در زندگیش در اُلویت و قبل از منفعت و سود شخصی خود قرار می دهد. این درس خوبی برای همه ماست، صرف نظر از موقعیت خاصی که هر یک از ما داریم. کار کردن برای خداوند آسان است، هنگامی که برای ما هزینه زیادی نداشته باشد.

فیلیپیان باب ۲ آیات ۳ تا ۸ را بخوانید. در چه شرایطی، در حال حاضر، می توانید در زندگی خودتان اصول از خودگذشتگی را که در اینجا بیان شده اند، نشان دهید؟

جمعه

۱۰ آبان

تفکری فراتر: بخش «توبیخ بر علیه اخاذی» صفحات ۶۴۶ تا ۶۵۲، از انبیا و پادشاهان، نوشته الن جی وایت را ملاحظه کنید.

«نِحمیا صدای ظلم و ستم را شنید و وجودش پر از خشم و اندوه شد. او می گوید «من خیلی خشمگین بودم، هنگامی که فریاد آنان و این کلمات را شنیدم». او متوجه شد، اگر او خواهان پیروزی در شکستن عادات و رسوم ظالمانه تحمیلی است، او باید تصمیم بگیرد که برای اجرای عدالت بایستاد. او با این توان شخصیتی و با عزم و اراده برای فراهم

کردن راحتی برادرانش رفت که اقدام کند». «إلن جی وایت، انبیا و پادشاهان، صفحه ۶۴۸. «عیسی در پی اجرای اصل و قاعده ای بود که بتواند نیاز به سوگند یاد کردن را از میان بردارد. او به ما یاد می‌دهد که حقیقت درست و واقعی باید اصل و قانون گفتار ما باشد و نیازی به سوگند برای تایید آن ندارد. «اجازه دهید، کلام شما، بله شما همان، بله» و نه شما، نه، و هر آنچه افزون بر این از طرف شیطان است». «إلن جی وایت، اندیشه‌هایی از کوه برکات، صفحه ۶۷.

«این کلمات همه عبارات و اصطلاحات بی معنی که مرز میان دین و بی دینی است، را محکوم می‌کنند. آنها تعاریف فریبنده، به دور از حقیقت، عبارات قملق آمیز، اغراق آمیز، و حيله کارانه نمایشی در تجارت، که در جامعه و دنیای کسب و کار جریان دارند را محکوم می‌کنند. آنها یاد می‌دهند که هیچ کس نباید سعی کند به غیر از آنچه که هست را در ظاهر نشان دهد، و یا کلامش نباید غیر از بیان احساسات واقعی برآمده از قلبش که می‌توان آن را صداقت و راستگویی نامید باشد.

سوالاتی برای بحث

۱. چرا خودخواهی در کانون مشکلات انسان قرار دارد، هنگامی که با مسائل مالی و روابط بین افراد مرتبط می‌شود؟
۲. چگونه قوم خداوند می‌تواند داشتن حرص و طمع اجتناب کند؟ خداوند چه چیزی بر علیه آن اندیشیده چیست؟ متون زیر را مطالعه کنید: اشعیا باب ۵۸ آیات ۳ تا ۱۲ و میکاه باب ۶ آیات ۶ تا ۸.
۳. در مورد اعطای گفتار و قدرت کلام خودمان بیشتر تعمق کنیم. یوحنا باب ۱ آیات ۱ و ۲ منظورشان چیست، هنگامیکه عیسی را «کلمه» خطاب می‌کنند؟ این چگونه به درک ما از اهمیت کلام و آنچه مفهوم آن است، کمک می‌کند؟
۴. شگفت انگیز است که هزاران سال پیش عیسی فرمود که فقرا همیشه در میان ما خواهند بود. همچنین ما موظف به کمک کردن به آنها هستیم. چگونه این دو عقیده با هم، در ایجاد انگیزه و تشویق در مسیحیان برای کار کردن به نفع تیره بختان جامعه کمک می‌کنند؟



همسر لجباز

توسط اندرو مک چسنی، مبشرادونتیست

آقای زلیندو اوهایو لی صاحب یک بنگاه تجاری که بر اساس کتاب مقدس متقاعد شده بود که، شنبه روز سبت می باشد، به همسرش اعلام کرد که کلیسای روز یکشنبه در لوسپالوس واقع در تیمور شرقی را ترک خواهد کرد. همسرش خانم دولسه گفت: «چی، مگردیوانه شده ای؟ اول کسب و کارمان در فروشگاه را در روز شنبه تعطیل کردی و حالا هم می خواهی کلیسا را ترک کنی. چرا؟»

شوهرش گفت: «من حقیقت را در کتاب مقدس یافته ام»

دولسه از بحث بیشتر در این باره اجتناب کرد.

او گفت: «از این لحظه به بعد تو راه خودت را می روی و من نیز راه خودم را»

او از غذا پختن برای زلیندو خودداری کرد و بعضی وقتها در راه به رویش قفل می کرد.

زلیندو گریه می کرد و دعا می کرد «چه بر سر من می آید؟ من حقیقت را در کتاب مقدس یافته ام اما حالا همسرم طلاق می خواهد چرا که از تعلیمات کتاب مقدس در مورد سبت پیروی می کنم»

در صبحگاهان، دولسه به مانند همیشه به فروشگاه کوچک خودشان رفت و زلیندو از پسر نوجوانشان مراقبت کرد. او از ظهر تا ساعت نه شب در بازار کار کرد و دولسه به خانه بازگشت تا با پسرشان باشد.

یک روز صبح، زلیندو دعا کرد: «اگر می خواهی که کلیسایم را ترک کنم معجزه ای نشانم بده» ظهر هنگام، او به فروشگاه رفت و وقتی که دید دولسه در حال خواندن کتاب مقدس است شوکه شد. او هرگز ندیده بود که همسرش کتاب مقدس بخواند. او دید که او در حال خواندن مکاشفه باب ۱۲ است که در مورد اژدها و زن بود.

او گفت: «عزیزم، اگر آنچه را که می خوانی نفهمیدی من برایت توضیح خواهم داد»

دولسه ناگهان دستش را محکم به میز کوبید. صدای بلند، مشتریانِ زل زده را ترساند.

دولسه شروع به گریه کرد و گفت: «چرا آنها به ما دروغ گفتند؟ چرا این حقیقت را از ما پنهان نمودند؟»

زلیندو او را بغل کرد و گفت: «ممنونم خدایا به خاطر اینکه جواب دعایم را دادی. من حال معجزه را دیدم»

روز شنبه، خانواده برای اولین بار به کلیسای ادونتیست روزهفتم رفتند.

بعدها زلیندو و همسرش در کلیسای ادونتیست تعمید گرفتند.

زلیندو، که ۴۲ سال دارد گفت که خدا بیشتر از آنچه که من به دنبال آن بوده ام تا در کارم او را جلال دهم، مرا برکت داده است. او از فروش مشروبات الکلی، تنباکو، قهوه و چای دست برداشت و قوانین استخدام را تغییر داد.

علاوه بر اضافه کردن حقوق، او برای کارمندان خود جا و غذا هم تدارک دید. او از آنان می خواهد تا با او هر روز صبح و عصر دعا کنند و در جلسات تعلیمی کتاب مقدس، هرهفته یکبار شرکت کنند.

زلیندو هر روز دعا می کند «من از کارم برای جلال تو می خواهم استفاده کنم. کمک کن تا مردم را به طرف تو بیاورم».

کارمندان وقتی که کتاب مقدس می خوانند، در مورد احساس شگفت انگیز خود می گویند..

آنها می گویند: «آنچه که از کتاب مقدس برایمان تعلیم می دهید حقیقت دارد». زلیندو، در سمت چپ، گفت که خدا فراتر از بزرگترین امیدش به کارش برکت داده است: هشت نفر از کارمندان در طی چهار سال تعمید گرفتند.

بخشی از کمک های سیزدهمین سبت ۲۰۱۵ برای ساخت مدرسه ادونتیست روز هفتم در دیلی پایتخت تیمور شرقی اختصاص یافت.

خواندنِ کلام



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: نحمیا باب ۸ آیات ۱ تا ۸؛ تثئیه باب ۳۱ آیات ۹ تا ۱۳؛ متی باب ۱۷ آیه ۵؛ اعمال رسولان باب ۸ آیات ۲۶ تا ۳۸؛ نحمیا باب ۸ آیات ۹ تا ۱۲؛ لایوان باب ۲۳ آیات ۳۹ تا ۴۳.

آیه حفظی: «آنان از کتاب، یعنی از تورات خدا، می‌خواندند و آن را توضیح داده، مفهومش را بیان می‌کردند تا مردم آنچه را که قرائت می‌شد، دریابند» (نحمیا ۸: ۸).

ساخت دیوارهای اورشلیم به پایان رسید. بدین ترتیب، اسرائیلیان تحت رهبری نحمیا با قرار دادن دروازه‌های شهر، وظیفه اصلی خود را تکمیل کردند. وقتی کار ساخت دیوار کامل شد ملت‌های اطراف به هراس افتادند و دانستند که «اینکار با کمک خداوند انجام شده است» (نحمیا ۶: ۱۶). دشمنان آنان فهمیدند که خدای قوم بنی اسرائیل خدایی حقیقی است چرا که، علی‌رغم مخالفت‌های غیر قابل قبول و خشم و نفرتی که اسرائیلیان تجربه کردند، آنها باز هم موفق شدند که، کاری که برای انجام آن فرستاده شده بودند را تکمیل کنند.

پس از تکمیل کار ساخت دیوار، نحمیا (برادرش حنانی) را به فرمانداری اورشلیم و (حننیا) را به فرماندهی دژ منصوب کرد. هر دو نفر بر اساس درستکاری، امین بودن و خداترس بودن، انتخاب شده بودند (نحمیا ۷: ۲)، به جای اینکه اصل و نسب آنان ملاک قرار داده شود. دیوار در طول ماه ایلول (نحمیا ۶: ۱۵؛ ششمین ماه از سال) تکمیل شد. کار بعدی که باید انجام می‌شد، چه بود؟ فصل‌های بعدی کتاب نحمیا (نحمیا باب ۸ تا ۱۰) مجموعه‌ای از رویدادهای مهمی را که در ماه تیشری، که هفتمین ماه سال (نحمیا ۸: ۲) بود را شرح می‌دهند. در این متون می‌توانیم نمونه‌هایی ببینیم از اینکه چگونه فرزندان اسرائیل مصمم بودند تا از کلام خداوند اطاعت کنند و چگونه از آن دلشاد بودند.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۸ آبان - ۹ November آماده شوید.

گرد آمدن مردم

نَحْمِیا باب ۸ آیات ۱ و ۲ را بخوانید. آیات فوق در خصوص اهمیت کلام خدا برای مردم چه می گویند؟

وقتی که درنهایت، یهودیان کار ساخت دیوار شهر و معبد را تمام کردند و به شهر اورشلیم نقل مکان کردند، همه آنها در ماه هفتم در میدان فراخ شهر اورشلیم اجتماع کردند. شاید ماه هفتم، ماه تیشری، مهم ترین ماه در سال برای عبرانیان بوده است، همانطور که این ماه، به جشن شیپورها (در روز اول ماه، آمادگی برای داوری خداوند)، روز رستاخیز (روز دهم ماه، روز قیامت) و عید خیمه ها (در روز پانزدهم، به منظور یادآوری رهایی اسرائیلیان از مصر توسط خداوند و تامین احتیاجات آنان در طول عبور از بیابان) اختصاص یافته بود. این تجمع در اولین روز ماه بود، که در آن روز عید شیپورها را جشن می گرفتند. رهبران، همه مردان و زنان را به این مجمع ویژه دعوت کردند تا به این وسیله احکام خداوند را برای آنان بخوانند و برای آنان فرصتی را فراهم کنند تا درباره خداوند و تاریخشان بیاموزند.

مردم، عزرا را دعوت کردند تا کتاب شریعت موسی را نزد آنان بیاورد و برایشان بخواند. آنها حتی یک سکو، یک منبر، برای این مناسبت ساختند. و این چیزی نبود که اجتماع کنندگان به اجبار رهبران انجام داده باشند. برعکس «آنها»، این مردم بودند که به عزرا گفتند که کتاب را بیاورد. احتمالاً عزرا از روی کتاب های موسی برای مردم قرائت نمود که شامل احکامی بود که در کوه سینا به موسی داده شده بود.

تثنیه باب ۳۱ آیات ۹ تا ۱۳ را بخوانید. خداوند در آنجا به آنان چه گفت، و چه درس هایی می توانیم از آن برای خودمان بگیریم؟

موسی در کتاب تثنیه باب ۳۱ آیات ۹ تا ۱۳ به اسرائیلیان گفت که، در طی جشن های شیپور، آنها باید دور هم جمع شوند و با هم احکام خداوند را بخوانند، و او به گروه های مختلفی که باید اجتماع کنند، اشاره می کند: مردان، زنان، کودکان، و غریبانی که در داخل دروازه های شهر آنان زندگی می کنند.

اصطلاح متن نَحْمِیا در باب ۸ آیه ۱ می گوید، که آنها دور هم « مثل یک مرد » جمع شدند. این چه چیزی را در مورد اهمیت اتحاد مؤمنان در بدن (کلیسا)، به ما می گوید؟

قرائت و شنیدن احکام

عِزرا به حضور اجتماع کنندگان « کتاب تورات را آورد » تا آن را بخواند. او برای آنها چه چیزی را خواند؟ آیا او فقط در طول نیمی از روز، ده فرمان را بارها خواند؟ ارجاع به کتاب قانون باید برای درک، پنج کتاب موسی از پیدایش تا تثئیه که به عنوان تورات [شریعت] موسی معروف هستند، باشد. بنابراین، اصطلاح « احکام » تنها نشان دهنده بخشی است از آنچه که قرائت شد. بهتر می‌شد که این به عنوان « رهنمودها » ترجمه می‌شد. آنها رهنمودهای خداوند هستند که ما را قادر می‌سازند تا مسیری را بدانیم تا هدف را گم نکنیم. هنگامی که عِزرا برای مردم تورات را قرائت کرد، آنها به عنوان قوم خداوند تاریخ خودشان را از آغاز آفرینش تا زمان یوشع شنیدند. آنها از طریق حکایات، سرودها، اشعار، برکات، و احکام، مبارزاتشان در راه پیروی از خداوند و وفاداری خداوند نسبت به آنان، را به یاد آوردند. تورات شامل « احکام » است، اما بیشتر از آن، دربرگیرنده تاریخ قوم خداوند و به ویژه نشان دهنده هدایت خداوند است. در نتیجه به اجتماع کنندگان ریشه هویت آنان را نشان می‌داد.

نِجْمِیا باب ۸ آیه ۳؛ تثئیه باب ۴ آیه ۱ و باب ۶ آیات ۳ و ۴؛ یوشع باب ۱ آیه ۹؛ مزامیر باب ۱ آیه ۲؛ امثال سلیمان باب ۱۹ آیه ۲۰؛ حزقیال باب ۳۷ آیه ۴؛ متی باب ۱۷ آیه ۵ را بخوانید. این آیات در مورد چگونگی تعامل با کلام خداوند چه چیزی به ما یاد می‌دهد؟

اینکه مردم مایل به شنیدن کلام خداوند بودند، به احتمال زیاد به علت قرائت و تعلیم کلام توسط عِزرا از زمان ورودش به اورشلیم، در حدود ۱۳ سال پیش از آن بوده است. او خود را وقف کار خداوند کرده بود و مصمم به ایجاد تحول در زندگی قوم خداوند بود. همانطور که دائماً کلام خداوند را از سوی عِزرا می‌شنیدند، کلام خداوند برای آنان مبدل به حقیقت می‌شد. در نتیجه، آنها تصمیم آگاهانه‌ای گرفتند تا کلام خداوند را بشنوند و بپذیرند زیرا که آنها به شنیدن از سوی خداوند علاقمند بودند. بنابراین، در این رویداد، آنها تورات با حرمت داده و برای فراگیری آن از خود اشتیاق نشان دادند. چنانچه خود را با کلام خداوند مأنوس کنیم باعث می‌شود تا در زندگی خود اشتیاق عمیق تری به خداوند داشته باشیم.

شما چگونه با کلام خداوند ارتباط برقرار می‌کنید؟ به این معنا که، اگر شما مدعی هستید که آن را باور دارید، چگونه این ادعا در زندگی شما

مشهود است، و یا، این که چگونه شما در پی اطاعت از آنچه که کلام خداوند به شما می آموزد، هستید؟ چه تفاوتی در زندگی شما می بود اگر از کلام خداوند اطاعت نمی کردید؟

سه شنبه

۱۴ آبان

خواندن و تفسیر کلام خداوند

نِجْمِیا باب ۸ آیات ۴ تا ۸ را بخوانید. قرائت احکام به چه صورتی انجام شد؟

دو گروه ۱۳ نفره از مردان وجود داشتند که در طول خواندن کلام خداوند در کنار عزرا ایستاده بودند. گروه اول، ۱۳ نفر (نِجْمِیا ۸: ۴) به خواندن کلام خداوند کمک می کردند، و گروه دوم، ۱۳ نفر (نِجْمِیا ۸: ۷) به فهم عبارات آن به مردم کمک می کردند. ما هیچ اطلاعاتی در مورد چگونگی سازماندهی کار این دو گروه در میدان بزرگ اورشلیم نداریم؛ به هر حال، مردانی که به خواندن کلام کمک می کردند، احتمالاً همینطور که تورات به نوبت قرائت می شد، آن را در دستان خود نگه می داشتند (طومارهای یهودی سنگین بودند و باید توسط اشخاص دیگری باز می شدند). و به علت اینکه، آنان از صبح تا بعدازظهر آن را قرائت می کردند، آنها باید شیوه ای را در نظر می گرفتند که بتوانند به همه مردم در میدان، کلام خداوند را برسانند.

عبارت « مفهومش را بیان می کردند تا مردم آنچه را که قرائت می شد، دریابند » و « کمک کردند که مردم آن را بفهمند » (نِجْمِیا ۸: ۸) می تواند اشاره به تفسیر یا ترجمه این عبارات بوده باشد. در هر صورت، در اینجا هر دو شبیه هم هستند، زبان اصلی مردمی که از اسارت بابل بازگشته بودند، جایی که آنها برای سالیان طولانی در آن زندگی کرده بودند، زبان آرامی بود. بنابراین، ممکن است، فهم شنیدن کلام خداوند به زبان عبری، برای بسیاری از آنها به ویژه نسل جوان تر، آسان نبوده است. در عین حال، قرائت کنندگان کتاب مقدس می توانستند از تفسیر و یا ترجمه آن بهرمنند شوند. موعظه کلام و تفسیر آن منجر می شد که متون در ذهن آنان یادآوری و زنده شود و شنودگان را مقید می کرد تا آنها را در زندگی شخصی خود بکار گیرند.

اعمال رسولان باب ۸ آیات ۲۶ تا ۳۸ را بخوانید. در اینجا چه اتفاقی رخ می دهد که به موازات آنچه در اورشلیم در متون بالا رخ داده است، می باشد؟ چه تجربه های آموزنده ای در اینجا برای ما وجود دارد؟

ما به عنوان پروتستان ها درک می کنیم که هر ایمانداری باید کلام خداوند را خودش شخصاً بداند و اینکه ما نباید کورکورانه حقیقت کلام خداوند را از دیگران، صرف نظر از نفوذ و یا اعتباری که آنان در نزد ما دارند، بپذیریم. در عین حال، چه کسی توسط کمک شخص دیگری که مفهوم کلام خداوند را برایش تفسیر کرده است، برکت نیافته است؟ هر کدام از ما نیاز داریم که بدانیم که هر آنچه که ما به آن اعتقاد داریم، به خودمان مربوط می شود، اما این بدان معنا نیست که گاهی اوقات ذهن ما نمی تواند از طریق آموزه های دیگران، روشن شود.

چهارشنبه

۱۵ آبان

پاسخ مردم

هنگامیکه عزرا کلام خداوند، تورات عبری، را برای مردم گشود، آنان ایستادند. پیش از اینکه عزرا کلام را قرائت کند، او خداوند را تقدیس و شکر می کند. پس از اینکه او کلام را قرائت کرد، مردم همه با همه یک صدا در حالیکه دستانشان را به سوی آسمان بلند کرده بودند، پاسخ دادند « آمین، آمین ! » (نَحْمِیا ۸: ۵، ۶). سپس آنان سر خود را خم کردند و با سجده بر خاک، خداوند را ستایش کردند.

نَحْمِیا باب ۸ آیات ۹ تا ۱۲ را بخوانید. چرا رهبران به مردم گفتند که « ماتم و زاری » نکنند؟

« بنابر این، سال ها بعد از آن، زمانی که قانون خداوند در اورشلیم برای اسیران بازگشته از بابل خوانده شد، و مردم به خاطر آگاهی از گناهان خود ماتم و زاری می کردند، به آنان کلمات فیض بخش گفته شد: « امروز برای خداوند، خدای شما روز مقدّسی است. پس نباید ماتم بگیرید و گریه کنید. اکنون به خانه هایتان بروید و جشن بگیرید. غذا و شراب خود را با کسانی که به اندازه کافی ندارند قسمت کنید. امروز روز مقدّسی برای خداوند است، غمگین نباشید. شادمانی که خداوند به شما می دهد، شما را نیرومند خواهد ساخت » (نَحْمِیا باب ۸ آیات ۹ و ۱۰) اِلن جی وایت، خدمت شفا، صفحه ۲۸۱. همانطور که مردم به کلام خداوند گوش می دادند، آنها خودشان توسط گناهان خود مصلوب می شدند و شروع به گریه و زاری می کردند. هنگامی که خداوند خودش را بر ما آشکار می کند و ما شروع به پی بردن این که خداوند سرشار از محبت، نیکویی، رحمت، و وفاداری است می کنیم و به ضعف های خود و قصور در وظایف خود در مبارزه با شریر پی می بریم. دیدن قدوسیت خداوند از طریق کلام او باعث می شود که ما ترس و خوف خود را در پرتو جدید نور امید او ببینیم. درک این مسئله دلیل زاری و ماتم مردم اسرائیل

بود، اما آنان غمگین نبودند، « شادمانی که خداوند به شما می‌دهد، شما را نیرومند خواهد ساخت » (نجمیا ۸: ۱۰). به عبارت دیگر، علیرغم قصور آنان، آنها می‌توانستند به قدرت خداوند اعتماد کنند.

همچنین این روز، یک روز خاص، مقدس، و جشن شیپورها (رُش هُشانا، عید پَسَح) بود، که در آن دمیدن در شیپورها، به نشانه اهمیت آمادگی « قلب » برای قضاوت خداوند بود (روز رستاخیز، که در روز دهم ماه تیشری جشن گرفته می‌شد). دمیدن در شیپورها نشانه و علامت فراخوان برای ایستادن در حضور خداوند و اظهار ندامت و توبه بود. این روز برای این تدبیر و در نظر گرفته شده بود که به مردم یادآوری کند که بسوی خداوند بازگشت کنند، پس زاری و ماتم آنها قابل درک است. اما رهبران به آنها یادآوری کردند، زمانی که آنها توبه کردند، خداوند صدای ندامت آنان را شنید، و بنابراین حالا وقت آن بود که از آمرزش خداوند شاد باشند و شادمانی کنند.

این مطلب دربارهٔ بزرگیِ بدیِ گناه که مسیح را مجبور ساخت تا صلیب را به عنوان تنها راه برای حل مشکل گناه و دادن امید به ما برگزیند، چه می‌گوید؟

پنجشنبه

۱۶ آبان

شادی در خداوند

« شادی خداوند، مایه قوت شما خواهد بود » (نجمیا ۸: ۱۰) این آیه یادآوری می‌کند، ارادهٔ خداوند برای ما این است که شادمان باشیم و از زندگی لذت ببریم. بیش از همه، این فقط یک شادی، مانند انواع دیگرشادی‌ها نیست، بلکه به علت اینکه ما خداوند و حقیقت محبت او را درک کرده ایم، شاد هستیم. خوشبختی در خداوند و در نیکویی او، و خوشی به خاطر همهٔ برکاتی که او برای ما مهیا می‌کند، حظی است که باید ما سعی کنیم تا هر روزه در او شاد باشیم. علاوه براین، خوشی در خداوند به ما قدرت می‌بخشد تا در زمان مواجه شدن با مشکلات در زندگی بتوانیم آنها را مدیریت کنیم.

نجمیا باب ۸ آیات ۱۳ تا ۱۸ را بخوانید. در اینجا چه اتفاقی می‌افتد، و چه چیزی را در بارهٔ مردم و رهبران‌شان در آن زمان، به ما می‌گوید؟

روز بعد از آن، رهبرانِ مردم به منظور یاد گرفتن بیشتر از کتاب خداوند، نزد عزرا آمدند. این اقدام از طرف رهبران نشان دهندهٔ تمایل آنان برای هدایت جامعه بسوی

خداوند است. آنان فهمیده بودند که هدایت مردم به راه راست، اتفاق نخواهد افتاد مگر اینکه خود آنان در پی خداوند و در پی یافتن حکمت از سوی او باشند.

لاویان باب ۲۳ آیات ۳۹ تا ۴۳ را بخوانید. به اسرائیلیان چه فرمانی داده شد که انجام دهند؟ و به چه علت داده شد؟

توجه کنید که در کتاب نحمیا باب ۸ آیه ۱۵، به این حقیقت اشاره می‌کند که هر آنچه آنان انجام می‌دادند، مطابق آنچه بود که «مکتوب است». ما در اینجا نمونه دیگری می‌بینیم از اینکه چقدر آنان با جدیت می‌خواستند که کلام خداوند را اطاعت کنند، چرا که آنها بعد از دهها سال اسارت در اثر نافرمانی، اکنون درس عبرت گرفته بودند، همچنین در این متون در کتاب لاویان، آنها باید عید را جشن می‌گرفتند تا «به مدت هفت روز در حضور یهوه خدایتان شادی کنید» (لاویان ۲۳: ۴۰). به عبارت دیگر، همانطور که آنان اقدامات فیض و رحمت و نجات به یاد می‌آوردند، باید به خاطر آنچه خداوند برای آنان انجام داده بود شادی می‌کردند.

در مورد آنچه که در عیسی مسیح به ما عطاء شده است بیاندیشید، کسی که در تمام اعیاد اسرائیل کهن، نمادین بود. چگونه می‌توانیم یاد بگیریم که حتی در آزمون‌های سخت و دشوار زندگی در خداوند شاد باشیم؟ چرا، به ویژه در این زمان‌ها؟ آیا برای ما مهم است که در خداوند شاد و آرام باشیم؟

۱۷ آبان

جمعه

تفکری فراتر: بخش «تعلیم داده شده با احکام خدا»، صفحات ۴۸۷ تا ۴۹۲، از کتاب انبیا و پادشاهان، نوشته الن جی وایت را بخوانید.

«اکنون آنان باید ایمان خودشان را نسبت به وعده‌های او نشان می‌دادند. خداوند توبه آنان را پذیرفته بود؛ اکنون آنان باید با اطمینان از بخشش خداوند و احیا آنان به لطف الهی، شادی می‌کردند...»

هر حقیقتی که منشاء آن خداوند باشد، شادمانی ماندگار را در زندگی به ارمغان می‌آورد. هنگامی که گناهکاری خود را در برابر نفوذ روح القدس تسلیم می‌کند، او گناهکار و فناپذیر بودن خود را در برابر قدوسیت تفتیش‌کننده قلوب می‌پذیرد. او محکومیت خود را به عنوان یک خطاکار قبول می‌کند. نه به این علت که او به ناامیدی و یاس رسیده، بلکه او آموزش از قبل تضمین شده خود را دریافت کرده است. و او با دریافت آموزش گناهانشان در بخشش محبانه پدر آسمانی، شادی خواهد کرد. جلال و شکوه خداوند،

انسان گناهکارِ نادم را با دستان پر محبت خود در آغوش می گیرد تا زخم های او را مرهم باشد، تا گناهان او را پاک کند، و تا ردای رستگاری به او بپوشاند. «إِلن جی وایت، انبیا و پادشاهان، صفحه ۶۶۸».

سوالاتی برای بحث

۱. در چه شرایطی ممکن است، «شادی در خداوند» (نِحمیا ۸: ۰۱) را به عنوان نقطه قوت خود تجربه کنید؟ به این معنا که، آیا کاری وجود دارد که باید انجام دهیم تا قدرت خداوند و بخشش او را در زندگی مان تجربه کنیم؟ اگر وجود دارد، چیست؟
۲. چگونه ما تعادل مناسب در اندوه برای گناهان و در عین حال، شادی در خداوند را پیدا کنیم؟ آیا این ها مغایر یکدیگر نیستند؟ چگونه احکام خداوند و انجیل با هم جواب را داده اند؟ (رومیان ۳: ۹۱ تا ۴۲).
۳. نِحمیا باب ۸ آیه ۰۱ را بخوانید، در کجا نِحمیا به مردم می گوید «بروید خوراک های لذیذ بخورید و شربت ها بنوشید. و سهم ها برای آنان که چیزی مهیا نکرده اند بفرستید، چرا که امروز برای خداوندگار ما مقدس است. اندوهگین نباشید، زیرا شادی خداوند، قوت شماست». خوردن خوراک لذیذ، نوشیدن شربت، و تامین کسانی که چیزی ندارند - همه اینکارها انجام بده، آیا به این علت که «این روز در نزد خداوند ما مقدس است»؟ این چه چیزی را به ما در مورد راه هایی که می توانیم در خداوند شاد باشیم، تعلیم می دهد؟ در این متن حقیقتی که به مفهوم «مقدس» است، چیست؟



شکستن یک سوگند

توسط چافینگ چون

سانی و سلما در همایش اولین سال دانشجویان در دانشگاهی واقع در خاورمیانه همدیگر را ملاقات کردند.

سانی اهل آسیا و « دانشجوی والدنیان » می باشد؛ او که عضو کلیسای ادونتیست های روز هفتم است در یک دانشگاه غیر روحانی درس می خواند که در محدوده اتحادیه خاورمیانه و شمال آفریقای کلیسای ادونتیست قرار دارد. سلما یک دانشجوی بومی است که در یک خانواده غیر مسیحی بزرگ شد.

این دو زن جوان دوست همیشگی شدند. آنها در یک کلاس درس خوانده و در یک محله زندگی می کردند. طولی نکشید که سلما فهمید که دوست جدیدش یک مسیحی ادونتیست است. او یاد گرفته بود که نسبت به مسیحیان محتاط باشد اما سانی به نظر فردی مهربان و بی ریا بود.

همانطور که دوستیشان بیشتر می شد، سلما دعوت سانی را برای شرکت در جلسه غروب جمعه پذیرفت. سلما دیگر اعضای ادونتیست را ملاقات نمود و از گفتگوی دوستانه لذت برد. این آغازی شد تا او هر جمعه غروب به همراه گروه از خواندن سرودهای پرستشی و دعا لذت ببرد .

پس از گذشت یکسال، سانی از سلما دعوت کرد تا از کلیسای ادونتیست بازدید کند و او دعوتش را پذیرفت. اما سلما با انتقاد ناگوار از طرف دوستان و خانواده روبرو شد.

یکی از آنان پرسید: « آنجا چه کار می کردی؟ »

دیگری پرسید: « آیا این بدین معناست که تو مسیحی شده ای؟ »

اعضای خانواده هشدار دادند که آنها در معرض لعنت قرار خواهند گرفت اگر او مسیحی شود.

سلما نگران بود؛ اما او به رفتن به کلیسا ادامه داد. او حتی به گروه گر جوانان پیوست و در همایشات بهداشت و سلامت شرکت جست. دوستان ادونتیستی اش برای او دعا می کردند.

یکروز در عصر جمعه، گروه ویدئویی در مورد زندگی عیسی تماشا کردند و

پس از آن، سلما درخواست کرد تا کتاب اعمال رسولان را مطالعه کند. سانی گفت: «من تعجب نمودم که چرا سلما در این مدت یک سال هیچ علاقه ای نسبت به خواندن کتاب مقدس از خود نشان نمی داد» سلما مطالعه هفته ای کتاب مقدس را آغاز کرد؛ اما اصرارش بر این بود که میلی به تعمید گرفتن ندارد. او نگران این بود که خانواده اش دچار نفرین شوند. در یک روز سبت، سلما در جلسه خدمات بشارتی برای زنان شرکت کرد؛ جاییکه هر زن می بایست یک کارت شبیه به قلب را انتخاب می کرد و از به آیه ای که بر روی آن نوشته شده بود تفکر می کرد. او با دعا یک کارت را انتخاب و آن را باز کرد. در آن نوشته شده بود: «به عیسای خداوند ایمان آور تا تو و تمام افراد خانواده ات نجات یابید» (اعمال رسولان باب ۱۶ آیه ۳۱).

برای همیشه سلما دریافت که دیگر نگران لعنتی نباشد که بر سر خانواده اش می آید. او ایستاد و در حالی که صدایش می لرزید اعلان کرد که قصد دارد تعمید بگیرد.

سانی گفت: «این پایان نیست، بلکه آغازاست. بعد از اینکه درس هایم را به اتمام رساندم در نظر دارم تا اینجا بمانم و یک دوستی مادام العمر را با کسی مثل سلما داشته باشم. من دعا می کنم تا خدا افرادی مثل او را به طرف من بفرستد»

چامینگ چون، هماهنگ کننده ارتباطات در اتحادیه خاور میانه و شمال آفریقا است.

خداوند بخشایشگر ما



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: نِحمیا باب ۹ آیات ۱ تا ۳؛ دانیال باب ۹ آیات ۴ تا ۱۹؛ نِحمیا باب ۹ آیات ۴ تا ۸؛ کولسیان باب ۱ آیات ۱۶، ۱۷؛ نِحمیا باب ۹ آیات ۹ تا ۳۸؛ رومیان باب ۵ آیات ۶ تا ۸.

آیه حفظی: « هر که نافرمانیهای خود را بپوشاند، کامیاب نخواهد شد، اما هر که آنها را اعتراف کند و ترک نماید، رحمت خواهد یافت » (امثال سلیمان ۲۸: ۱۳).

پس از اینکه عید خیمه ها (Sukkot) به پایان می رسید، رهبران قوم دوباره مردم را گرد هم می آوردند. آنها فقط زمانی را با هم صرف برگزاری عید کرده بودند؛ حالا زمان آن بود که کار ناقص خود را که اعتراف به گناهان و توبه بود انجام داده و بسوی خداوند بازگردند. بله، پیش از این، رهبران به آنان گفته بودند که دیگر به خاطر اشتباهاتشان غمگین و ناراحت نباشند، اما نه به این معنا که اعتراف و اظهار ندامت آنان مهم نیست. بنابراین، اکنون که آنها جشنواره ها را برگزار کرده بودند، وقت آن رسیده بود تا بطور مقتضی و شایسته اقرار کنند.

هدف از وقایع ارائه شده در اینجا، لزوماً به این معنا نیست که همیشه باید ترتیب زمانی به ترتیب، اول شادی و سپس توبه به دنبال آن باشد؛ و یا به این معنا که این ترتیب بطور بر عکس باید دنبال شود. اگرچه شاید بطور طبیعی اول اعتراف، سپس جشن بگیریم، شاید جشن برای خداوند در زندگی ما، در مرحله اول باشد. بالاخره، کتاب رومیان باب ۲ آیه ۴ به ما می گوید که این « نیکویی خداوند » است که ما را به توبه و اوست دارد. سپس « نیکویی خدا » است که ما را بر می انگیزد که او را ستایش و در او شادی کنیم، در حالی که به ما یادآوری می کند که ما نیاز به عفو، تطهیر و خلقت مجددی در خداوند داریم.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۵ آبان - ۱۶ November آماده شوید.

روزه و عبادت

نَحْمِیا باب ۹ آیات ۱ تا ۳ را بخوانید. چرا مردم خودشان را از خارجی ها جدا کردند؟

اگرچه نَحْمِیا مشتاق بود تا اطمینان حاصل کند که این بار مردم در شادمانی همراهی و مشارکت می کنند، او اجتماع مردم را در روزه گرفتن رهبری کرد. آنها در حضور خداوند خود را فروتن ساختند، در حالی که پلاس بر تن کرده بودند، و خاک بر سر خود ریختند. به دلیل اینکه، بیگانگان در گناهان اسرائیلیان شریک نبودند، اسرائیلیان خودشان را از آنان جدا کردند، در حالی که یهودیان می دانستند که این گناهان آنان است که نیاز به بخشیده شدن دارد. آنان تصدیق کردند که این گناه قوم بنی اسرائیل بوده که باعث شده تا آنان تبعید شوند و از وطنشان رانده شوند.

مشارکت آنان در دعاها و اعتراف به گناهانشان، نشان دهنده درک عمیق آنان از ماهیت گناه است. اسرائیلی ها می توانستند از اینکه اشتباهات اجدادشان باعث سوق دادن همه قوم آنان به تبعید شود، خشمگین شوند. یا آنها می توانستند، مدت زمانی را به شکایت از تصمیمات رهبرانشان و غفلت نسل های پیشین در دینداری سپری کنند، که منجر شده بود اکنون آنان در این وضعیت قرار بگیرند. با این حال، در عوض این که به نفرت و شکایت متوسل شوند، آنها با تواضع و فروتنی به حضور خداوند رفتند و به گناهان خودشان اعتراف کردند.

نَحْمِیا در باب ۹ آیه ۳ خبر می دهد که در یک چهارم روز، مردم کتاب شریعت را خواندند و در یک چهارم دیگر روز به گناهان خود اعتراف کردند و خداوند را پرستش کردند. این سومین باری بود که تورات خوانده می شد. قرائت تورات در کانون پرستش و اعترافات آنان قرار داشت، که این باید بر اساس حقیقتی بود که از سوی خداوند است. از طریق قرائت کتاب مقدس، خداوند به ما نزدیک می شود و روح القدس می تواند با ما حرف بزند و ما را تعلیم دهد. حقیقت کلام خدا، الگویی برای تفکر و درک ما و مشوق ما در زندگی و تکامل و رشد روحانی ما است. همچنین اسرائیلیان غمگین و ناراحت بودند، زیرا صرف زمان در حضور مقدس خداوند باعث درک ما از زیبایی و نیکویی او شده، و همزمان، ما را تحت تاثیر چگونگی جهان شگفت انگیزی که او خلق کرده قرار می دهد، و اینکه خالق این جهان حتی علیرغم نالایی بودن ما، با ما بودن را انتخاب کرد. بنابراین، ما می فهمیم که بدون حضور او در زندگی ما، هیچ یک از ما فرقی با اجداد روحانی خودمان در ایمان نداریم. فقط از طریق کار خدا در وجود ماست که می توانیم آن شخصی باشیم که باید باشیم.

دانیال باب ۹ آیات ۴ تا ۱۹ را بخوانید. از چه طریق هایی، دعا‌های او در زندگی ما در حال حاضر کاربرد دارد؟ این عملکرد به هر یک از ما بصورت فردی و همینطور به عنوان کلیسا چه حقیقتی را می گوید؟

دوشنبه

۲۰ آبان

وصف رسالت مسیح

خواه تعیین شده بود تا در آن روز آیاتی خوانده شود یا این که عیسی تعمداً آیات (اشعیا ۶۱: ۱ و ۲) را در طوماری که به او داده شده بود تا بخواند، متناسب یافت؛ این آیات بطور تصادفی در متن اولین موعظه عمومی او قرائت شد. و همچنین داستان موعظه کوتاه عیسی در لوقا ۴: ۱۶ تا ۲۱ هم تصادفی نبود — او به ایشان گفت: « امروز هنگامی که گوش می دادید این نوشته به حقیقت پیوست » (لوقا ۴: ۲۱) — که شروع نگارش و ثبت رسالت عمومی عیسی توسط بود.

به نظر می رسید که عیسی مسیح از نوای سرود « پادشاهی وارونه » مریم الهام گرفته و شروع به اجرای آن در رسالت عملی خود می کند. عیسی — و لوقا در بازگویی داستان عیسی — از نبوت اشعیا برای توضیح آنچه که عیسی انجام داده بود و در حال انجام آن بود، استفاده کردند؛ اما همچنین این طریق دیگری بود برای بیان آنچه که مریم ۳۰ سال پیش تر از آن توصیف کرده بود. فقرا، آسیب دیدگان و ستمدیدگان، مرکز توجه و دریافت کنندگان خبر خوبی بودند که عیسی آورده بود.

عیسی از آیات باب ۶۱ اشعیا برای شرح خدمت و رسالتش استفاده کرد. خدمت و مأموریت او هم روحانی و هم عملی بودند، و او اثبات کرد که امور روحانی و عملی به اندازه ای که گاهی ما فکر می کنیم از هم دور نیستند. از نظر عیسی و شاگردان او، جسم و روح لازم و ملزوم یکدیگرند و یکی بدون دیگری نمی تواند عمل کند. [به همین منظور بود که عیسی ابتدا با اطعام و شفا، به بهبود شرایط جسمی آنان می پرداخت، سپس به شرایط روحانی آنان رسیدگی می کرد].

لوقا ۴: ۱۶ تا ۲۱ و ۷: ۱۸ تا ۲۳ را بخوانید و با هم مقایسه کنید. شما فکر می کنید چرا، عیسی به این صورت جواب داد؟ شما چگونه به سؤالات مشابه در مورد الوهیت و مسیح موعود بودن عیسی پاسخ می دهید؟

هنگامی که عیسی مسیح شاگردان خود را برای بشارت انجیل فرستاد، مأموریتی که به آنان داد در راستای همین رسالت بود. در حالی که آنها اعلام می کردند که « پادشاهی

آسمان نزدیک است» (متی ۱۰: ۷)، سفارش بعدی عیسی به آنان این بود که، «بیماران را درمان کنید، مردگان را زنده کنید، جذامی ها را شفا بدهید، و ارواح پلید را از جسم ها بیرون کنید». رایگان بدست آورده‌اید؛ رایگان ببخشید، (متی ۱۰: ۸). خدمات آنان به نام عیسی بود تا ارزش ها و مبانی رسالت عیسی و پادشاهی را که او مردم را به آن دعوت می کرد، منعکس و ثابت کنند. همچنین شاگردان مسیح به او در گرفتن دست افتادگان و آنانی که کوچک شمرده می شدند و راه خود را در زندگی گم کرده بودند، پیوستند.

چگونه می توانیم این کار را با پیام مهم موعظه سه فرشته به جهان گمراه شده در گناه تطابق دهیم؟ چرا باید همه کارهایی که می کنیم به طریقی با اعلان «حقیقت حاضر» مرتبط باشد؟

۲۱ آبان

سه شنبه

درس های عبرت از گذشته

نحمیا باب ۹ آیات ۹ تا ۲۲ را بخوانید. چگونه این بخش از دعا متفاوت از بخش اول دعا است؟

دعا از ستایش خداوند برای وفاداری او و در مقایسه با بی وفائی اسرائیلیان در تجربه های آنان از مصر و بیابان تلاوت می شود. این نمای کلی از تمام چیزهای مختلفی است که خدا به اسرائیلیان داد؛ اما متأسفانه، جواب «پدران» آنان به این موهبت ها، غرور، سرسختی و بی اعتنائی نسبت به اقدامات خیرخواهانه خداوند در میان آنان بود. تصدیق قصور انسان در پرستش حقیقی خدا، گامی مهم در اعتراف به گناهان و توبه است. و حتی اگر، این متون از مردمی حکایت می کنند که در گذشته های بسیار دور از ما بوده اند، اما هیچکس نمی تواند انکار کند که هر یک از ما نیز با مشکلات مشابهی مانند آنان روبرو هستیم. البته، اینجا جایی است که انجیل هم برای ما و همینطور برای آنان آمده است. اعتراف به گناهان خودمان، ما را نجات نمی دهد و رستگار نمی کند؛ بلکه تنها قربانی شدن مسیح از جانب ما است که باعث رستگاری ما شد. اعتراف به همراه توبه در کانون تایید ما است و اینکه تنها باید ما از طریق مسیح عادل شمرده شویم. «وقتی که از طریق توبه و ایمان، مسیح را به عنوان نجات دهنده خودمان می پذیریم، خداوند گناهان ما را عفو می کند، و مجازاتی برای سرپیچی کنندگان از احکام وجود دارد. سپس گناهکار در پیشگاه خدا به عنوان یک فرد مستقل در برابر او خواهد ایستاد؛ او منتخبین خود را که از طریق روح با پدر و پسر مشارکت داشته اند، به آسمان می برد». «إِلن جی وایت، جلد سوم کتاب پیامهای منتخب، صفحه ۱۹۱.

در عین حال که، بخاطر این که نیکویی خداوند سبب می شود تا به گناهانمان اعتراف کرده و از آنها توبه کنیم، بایستی مصمم شویم تا با قدرت خداوند آنها را نیز فراموش کنیم. و در آخر اینکه، قوم اسرائیل سرکش و معاند بوده است، و خدا آنان را دوست می داشته است. با نگاهی به گذشته و آنچه که خداوند برای قوم بنی اسرائیل انجام داد، به مردم یادآوری می کند به دلیل اینکه خداوند در گذشته برای آنان کارهای زیادی انجام داده است، او همچنان در حال حاضر و آینده هم به کار مراقبت و حمایت از آنان ادامه خواهد داد. به همین دلیل، برای مردم بسیار مهم بود که همیشه چگونگی عملکرد خداوند را در تاریخ خودشان بیاد داشته باشند. هر زمان که آنان این مسئله را فراموش کردند، به دردرس افتادند.

به زمان های گذشته بیندیشید، به زمانی که اطمینان داشتید که خداوند در زندگی شما کار می کند. بار دیگر که با مشکلی مواجه شدید چطور می توانید از آن تسلی بیابید؟ چگونه بهتر می توانید به خیرخواهی خداوند در زمان های یاس و اندوه و هراس از آینده اعتماد کنید؟

چهارشنبه

۲۲ آبان

احکام و انبیا

نَحْمِیا باب ۹ آیات ۲۳ تا ۳۱ را بخوانید. چگونه اسرائیلی ها در مقایسه با « نیکویی یا نعمت عظیم » خداوند تشریح می شوند؟ (نَحْمِیا ۹: ۲۵).

این بخش بعدی دعا / موعظه، بروی زندگی در کنعان متمرکز بوده است، همانطور که اسرائیلیان سرزمینی را که خداوند به آنان وعده داده بود، در تصرف خود داشتند. به آنها زمین، شهرها، تاکستان ها و مزارع آماده زراعت داده شده بود، اما آنها همه چیز را حق مسلم خود می پنداشتند [و قدر آن را نمی دانستند]. در پایان آیه ۲۵، به ما گفته می شود، که: « آنان هرچه خواستند، خوردند و فربه شدند ». فربه شدن عبارتی است که فقط چند بار در کتاب مقدس می توان آن را یافت (تثنیه ۳۲: ۱۵ و ارمیاء ۵: ۲۸)، و هر بار دلالت بر مفهومی منفی دارد.

مردم ممکن است « از چیزهایی که به ایشان دادی، لذت برده باشند »، اما خوشی آنها در خداوند نبوده است، اما در عوض، این همه چیزی بوده که آنان داشته اند. ظاهراً داشتن همه چیز، رابطه نزدیک با خداوند را ایجاد نمی کند. بسیاری از ما فکر می کنیم « اگر من این چیز یا آن چیز را داشتم، آنوقت می توانستم خوشحال باشم ». متأسفانه، ما

مشاهده می‌کنیم که اسرائیلی‌ها از تمامی چیزهایی که خداوند برای آنان فراهم کرده بود برخوردار بودند، اما «شادی» آنها در آن چیزها بود که باعث شد تا کمتر زندگی خود را به خداوند اختصاص دهند. خیلی وقتها، فقط بر روی عطایا متمرکز می‌شویم، در حالیکه ارزانی‌کننده این نعمات را فراموش می‌کنیم. این فریبی مهلک است.

البته، این بدان معنا نیست که ما نمی‌توانیم برای چیزهایی که خداوند به ما داده است خوشحال باشیم. او مشتاق است که ما از هدایای او لذت ببریم، اما خوشحالی و لذت از هدایایی که او به ما می‌دهد، تضمینی برای رابطه ما با او نیست. در حقیقت، اگر مراقب نباشیم، این چیزها می‌تواند سبب لغزش شود.

با این وجود، در این فصل، رهبران حالا اعتراف می‌کنند که طریق‌هایی که آنان داشته‌اند، بی‌ایمانی نسبت به خدا بوده است. همانطور که آنها به تاریخ خودشان نگاه می‌کنند، آنها بطور ویژه به تخطی‌هایی که آنان به عنوان یک قوم مرتکب شده بودند، اعتراف می‌کنند. دو جنبه از آن به طور ویژه مهم می‌باشند بخاطر این که آنها را تکرار می‌کردند: ۱. اسرائیلیان احکام خداوند را پایمال کرده بودند و ۲. آنان انبیا را جفا می‌دادند.

به عبارت دیگر، آنها متوجه شدند که وجود احکام خداوند و انبیا او برای پیشرفت آنان به عنوان قوم خدا و همینطور بصورت فردی، لازم و ضروری بودند. دعا با تاکید بر این بیانیه ختم می‌شود که «هر آدمی که آنها را بجا آورد در آنها زیست خواهد کرد» (لاویان ۱۸: ۵)، با برجسته کردن این نکته که این روح القدس است که از طریق انبیا صحبت می‌کند. خداوند احکام خود را به ما داده است تا زندگی پر نعمتی داشته باشیم، و او انبیا خود را فرستاد تا ما را برای درک حقیقت خویش هدایت نماید. آنچه که ما با این هدایا انجام می‌دهیم، برای همه ما مسئله‌ای حیاتی است.

۲۳ آبان

پنجشنبه

ستایش و دادخواست

نِجْمِیا باب ۹ آیات ۳۲ تا ۳۸ را بخوانید. در ختم دعای اعتراف، توجه بر روی چه مسئله‌ای است؟

بار دیگر، دعا مبدل به وسیله‌ای برای ستایش خداوند به خاطر آنچه که هست می‌شود: متعال، قادر، مهیب، کسی که عهد و رحمت خودش را نسبت به ما نگه می‌دارد. آنها به ظاهر از نیکویی خداوند نسبت به خود صادق هستند. آنها همچنین درخواست خود را در قالب یک عهد و پیمان با خداوند مطرح می‌کنند، که جزئیات آن در باب ۱۰ شرح داده شده است. دادخواست آنان چیست؟

« پس اکنون ای خدای ما، ای خدای عظیم و قادر و مهیب، که در عهد و محبت خویش پایداری، تمامی این مصیبت که از روزگار پادشاهان آشور تا به امروز بر ما و بر پادشاهان و سروران و کاهنان و انبیا و پدران ما و بر تمامی قوم تو رفته است، در نظرت ناچیز نیاید » (نِحمیا ۹: ۳۲). جامعه مجبور بود تا به پادشاهانی که بر آنان حکومت می کردند، خراج بپردازند. ظلم و ستم از هر طرف، گروه کوچکی از اسرائیلیان را به ستوه آورده است، و آنها از آن خسته و بیزار شده بودند. آنها مجبور بودند تا یک ظلم را بعد از دیگری تحمل کنند، و برای رهایی از آن امیدوار باشند.

جالب توجه است که، آنها خود را « خدمتگزاران » می نامیدند. پس از اینکه بی وفائی قوم ایشان فهرست گردید، آنها از انتساب این نام به خودشان خاتمه دادند. البته، خادم یعنی زیردست مافوق. وانگهی استفاده از این اصطلاح مستلزم این بود که آنان ملزم به اطاعت از خداوند باشند، به طریقی که کسانی که پیش از آنان آمده بودند چنین نکرده بودند. این نشان دهنده تمایل آنان به وفاداری به خداوند و احکام اوست. و به عنوان خادمان خداوند، آنان از او درخواست می کنند تا بخاطر آنان شفاعت و میانجیگری نماید. جامعه عزرا و نِحمیا، تجربه فعلی خود را این گونه تشریح می کند که در « مصیبتی عظیم » قرار دارند (نِحمیا ۹: ۳۷) که می تواند با مصیبت هایی که اسرائیلیان در مصر تجربه کردند مقایسه شود (نِحمیا ۹: ۹). آنان در دعای خود، خداوند را به خاطر دیدن مصیبت آنان در مصر می ستایند و این که آنان را نادیده نمی انگارد. حالا جامعه اسرائیل از خداوند می خواهد تا مانند گذشته، دوباره در زندگی آنان مداخله کند، هرچند که آنان سزاوار آن نیستند، زیرا که هیچ یک از پادشاهان، شاهزادگان، کاهنان، انبیا و اجدادشان به خداوند وفادار نبودند. بنابراین، آنها تنها بر فیض و رحمت خداوند نسبت به آنان تکیه کردند، و نه به خودشان یا اعمال اجدادشان، و امیدوار بودند که خداوند از جانب آنان مداخله خواهد کرد.

رومیان ۵: ۶ تا ۸ را بخوانید. این متون چگونه درخواست های اسرائیلیان را بازتاب می دهد؟ از آنچه که اسرائیلیان درخواست کرده بودند، و آنچه پولس در کتاب رومیان بیان می کند چه تسلائی می یابیم؟

۲۴ آبان

جمعه

تفکری فراتر: بخش « اعتراف به گناه » صفحات ۲۳ تا ۲۶، از کتاب گام هایی به سوی مسیح را بخوانید. [این کتاب با عنوان گامهایی بسوی نور به زبان فارسی موجود است]. صفحات ذکر شده مربوط به نسخه فارسی کتاب می باشد. در نِحمیا باب ۹ آیه ۲۵، عبرانیان در مورد اینکه چگونه اجداد آنان « لذت بردند » یا « برخوردار شدند »، در نیکویی عظیم خداوند، صحبت می کند. ریشه فعلی آن همانند نام « عدن » به عنوان « باغ عدن » می باشد (پیدایش ۲: ۱۵). شاید، بهترین ترجمه می توانست « آنها خود را عدنی کردند » باشد، چنانچه عدنی بودن یک فعل می بود.

گذشته از هر چیز، انجیل احیاء کننده است، و چه نمادی بهتر از عدن می‌تواند برای بیان آنچه ما در نهایت در آن ساکن می‌شویم، باشد؟ خداوند مردم یهود را برخیزاند و آنان را در چهار راه‌های دنیای کهن قرار داد تا بتوانند مکانی که شباهت نزدیکی به عدن داشته باشد را در جهان سقوط کرده بازتاب دهند. حتی پس از اسارت و بازگشت، این قابلیت هنوز وجود داشت. «من به اورشلیم و به تمام کسانی که در میان خرابه‌ها زندگی می‌کنند، شفقت خواهم نمود. اگر زمینش مثل بیابان باشد، آن را به باغی سرسبز مثل باغ عدن تبدیل خواهم کرد» (اشعیا ۵۱: ۳).

آری، مردم از برکات مادی که خداوند به آنها وعده داده بود برخوردار بودند، برکت‌هایی که به هر میزان ممکن در جهان سقوط کرده در گناه، یادآور وفور آنان در باغ عدن بودند. و این عالی بود. آنان قرار بود تا از آن برکات لذت ببرند. خداوند جهان فیزیکی را بطور دقیقی به شیوه‌ای که انسان‌ها بتوانند از آن لذت ببرند، خلق کرد، و همچنین اسرائیلیان کهن از آن برکات خداوند بهره بردند. گناهان آنان «در عدنی شدن آنان» در نیکویی و خیریت خداوند جایی نداشت، بلکه لذت بردن از آن برکات، باعث شد تا خداوند را فراموش کنند (حزقیال ۲۳: ۳۵)، برکات به پایان رسیدند، به خاطر این که وسیله‌ای بودند تا وجود خداوند را برای قوم‌های اطراف آشکار کنند.

سوالاتی برای بحث

۱. عیسی فرمود: «بذری که در میان خارها کاشته شد، کسی است که کلام را می‌شنود، اما نگرانی‌های این دنیا و فریبندگی ثروت، آن را خفه می‌کند و بی‌ثمر می‌سازد» (متی ۱۳: ۲۲). منظور او از «فریبندگی ثروت» چیست؟ و چگونه به دعای اعتراف که ما این هفته مطالعه کردیم، مرتبط می‌شود؟
۲. بر اصل آفرینش دوباره تعمق کنید. به دعای نِجْمِیا در باب ۹ توجه کنید که آنها تقریباً بلافاصله درباره خداوند به عنوان خالق و نگه دارنده صحبت می‌کنند. این مطلب چه چیزی درباره بنیادی بودن این اصل به ما می‌گوید؟
۳. چگونه می‌توانیم سرشت گناه آلوده خودمان را بپذیریم و در عین حال، به شیطان اجازه ندهیم که شیطان با سوء استفاده از این سرشت گناه آلود سبب یاس و بطور کلی، رها کردن ایمان نشود؟



هدیه ای برای رئیس جمهور اوگاندا

توسط اندرومک چسنی، مبشر ادونتیست

رئیس کلیسای ادونتیست روز هفتم آقای تدان سی ویلسون کتاب های مذهبی می اندیشید وقتی که من به ورودی هتل در اوگاندا رسیدم تا به او و دیگر رهبران کلیسا ملحق شوم و به جلسه ای با رئیس جمهور کشور آفریقایی، یو وری موسونی، شرکت کنم.

شبان ویلسون به رهبران کلیسا درحالی که به یک خودکار مخصوصی که نام و عناوین کلیسای ادونتیست روز هفتم بر آن حک شده بود اشاره می کرد، گفت: « من یک خودکار دارم تا به رئیس جمهور بدهم. اما آیا شما کتابهایی دارید تا به او بدهیم؟ »

من جواب دادم: « من یک کتابی در اتاقم دارم که تمیز است و عنوانش گامهایی به سوی مسیح است »

در حالی که شبان ویلسون به ساعتش نگاه می کرد، از من خواست تا هرچه زودتر عجله کنم و بروم و کتاب را از طبقه بالا بیاورم. همانطور که با عجله وارد اتاق شدم، متوجه شدم که کتاب را اول از همه بسته بندی کرده بودم.

دو هفته جلوتر، وقتی که پدرم پرسید که آیا کتابی برای به اشتراک گذاشتن لازم هست که با خودت ببری، سرم را به نشانه نه تکان داده بودم. من توضیح دادم که پنج نسخه از کتاب گامهایی به سوی مسیح در سفر قبلی ام به روسیه به همراه برده بودم ولی برای یافتن کسی که این کتاب ها را بخواهد به درد سر افتاده بودم. پدرم اصرار کرده بود که « در هر حال تعدادی کتاب باید با خودت ببری ».

من با بی میلی، پنج نسخه از گامهایی به سوی مسیح را از کتابخانه مرکزی ادونتیست در کین ایالت تگزاس خریدم.

اما کتابها پدرم را راضی نکرده بود.

او پرسید: « آیا کتاب مقدس نو هم با خودت می ببری؟ »

من اغلب اوقات کتاب مقدس نو می خرم تا اگر از من خواسته شود که

موعظه بکنم از آن استفاده کنم و پس از موعظه به کسی دیگر می دهم. ترجیح می دهم تا کتاب مقدس را در گوشی همراهم بخوانم؛ اما دوست ندارم در هنگام موعظه گوشی همراه را در دستم بگیرم.

به پدرم گفتم: «نیازی به کتاب مقدس نیست. من موعظه نخواهم کرد.» با این وجود پدرم کوتاه نیامد. من یک کتاب مقدس سیاه با جلد چرمی خریدم. در اتاق هتل در اوگاندا، من کتاب مقدس را به یاد آوردم و آن را به همراه گامهایی به سوی مسیح به شبان ویلسون دادم.

بعد از مدت کوتاهی، رئیس جمهور آقای موسونی از اینکه به کاخ ایالتی اوگاندا در انتبه آمده بودیم از ما استقبال کرد و از شبان ویلسون سوال کرد که چرا ادونتیسست ها روز شنبه را نگه می دارند. شبان ویلسون از کتاب مقدس آیات کوتاهی گفت و بعد درخواست کرد تا اداره آموزش و پرورش امتحانات را در روز شنبه برای دانش آموزان ادونتیسست برگزار نکند. محض رضای خاطر او، رئیس جمهور موسونی موافقت کرد تا به موضوع رسیدگی نماید.

شبان ویلسون خودکار حکاکی شده را به رئیس جمهور موسونی تقدیم نمود و پیشنهاد کرد که او می تواند از آن برای پرونده های مهم یا از همه مهمتر برای خط کشیدن زیر آیات کتاب مقدس به کاربرد.

سپس کتاب مقدس و گامهایی به سوی مسیح را به رئیس جمهور موسونی، در سمت چپ تصویر، تقدیم نمود و او نیز با لبخندی آنرا به مهمانان نشان داد.

در غروب همان روز، من با هیجان به پدرم از طریق اسکایپ تماس گرفتم و گفتم: «ممنون که به دعوت های روح القدس گوش سپردی.»

و حال در سفرم، همیشه یک کتاب مقدس نو و نسخه ای از گامهایی به سوی مسیح را به همراه دارم.

خدا و عهد



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: نِحمیا ۱: ۱۰ تا ۲۹؛ پیدایش ۴: ۸ تا ۱۹؛ عبرانیان ۱۳: ۲۰؛ یوشع ۲۴؛ نِحمیا ۱۰: ۳۰ تا ۳۹؛ عبرانیان ۸: ۱ تا ۷.

آیه حفظی: « به سبب همهٔ این رویدادها ما پیمانی پایدار نوشتیم و رهبران و لایوان و کاهنان آن را مُهر کردند. ... ما از خانهٔ خدای خود غافل نخواهیم شد » (نِحمیا ۹: ۳۸، ۱۰: ۳۹).

منظور کتاب مقدس، هنگامی که دربارهٔ « عهد » سخن می گوید چیست؟ ساده ترین توضیح از این نوع از عهد کتاب مقدسی این است که، این برقراری یک رابطهٔ قانونی بین خدا و قوم اوست. خداوند می فرماید: « شما قوم من هستید و من خدای شما هستم ». علاوه براین ما می توانیم به کاربرد و منفعت عهدنامه های نوشته در میان دیگر مردم دنیای کهن که اغلب میان رهبران و رعیت های زیردست آنان بوده پی ببریم. این پیمان ها بسته می شدند زیرا آنها برای دو طرف قراردادی سودمند بودند. رهبر، از مردم مراقبت می کرد، و مردم می توانستند خراج پرداخت کنند. اما عهد و پیمان با خداوند متفاوت بود. خدا واقعاً سودی از این عهد و پیمان با قوم خود نمی برد، و با این حال هنوز خداوند به عهد خود وفادار بود، حتی هنگامی که مردم به آن عهد وفادار نمی ماندند. در واقع برکات و لعنت ها که در ارتباط با عهد و پیمان ایجاد شده بودند، این امکان را برای اسرائیلیان بوجود آورد که بدانند حوادث بد زمانی شروع به اتفاق افتادن می کنند که آنها عهد خود را بشکنند.

این هفته، ما به میثاق مجددی بین اسرائیلیان و خداوند که در باب ۱۰ کتاب نِحمیا ذکر شده است، نگاه می کنیم و همچنین در مورد برخی از اطلاعات کلی دربارهٔ تاریخ و اهمیت عهد بستن در کتاب مقدس به بحث خواهیم پرداخت.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲ آذر - November ۲۳ آماده شوید.

ایده عهد و پیمان

نِجْمِیا ۱۰: ۱ تا ۲۹ بخوانید (و با خواندنِ نِجْمِیا ۹: ۳۶ تا ۳۸ حافظه خود را یادآوری کنید).
چه کسی این عهد را می بندد، و چرا آنان جزو این عهد بودند؟

اگرچه تنها رهبران سند را امضا می کردند، آیه بطور خاص اشاره می کند که «سایر مردم «مشمول لعنت و سوگند پیروی از» احکام خدا» می شدند (نِجْمِیا ۱۰: ۲۸ و ۲۹). چه چیزی درمورد عهد مهم بود که همه آنها تمایل داشتند جزو توافقنامه با خداوند باشند؟ به منظور پاسخ به این سؤال، باید خیلی به گذشته و آغاز برگردیم و ایده کتاب مقدسی عهد را درک کنیم. عهد مهم بود زیرا که بخشی از حکایت خداوند در برخورد با انسان گناهکار بود، و این نشان دهنده تمایل خداوند برای برقراری ارتباط با مردم است. همچنین به مردم اجازه می داد تا تمایل خودشان نسبت به تسلیم خود در برابر خداوند را نشان دهند. داستان کتاب مقدسی آفرینش در پیدایش باب ۱ و ۲ نه تنها خلقت انسان ها بلکه ارتباط بین آنها و خداوند را آشکار می کند. به هر حال، گناه وارد شد و همه این روابط را از بین برد. گناه ضد آفرینش است و به جای آن مرگ و نابودی می آورد.

در نهایت دودمان آدم از هم گسیخته شد، در زمانی که قائن شیطان را انتخاب کرد (پیدایش ۴: ۸ تا ۱۹) و شیث به خداوند تمسک نمود (پیدایش ۵: ۳ تا ۲۴). نسل قائن در لِمک به اوج خود می رسد (پیدایش ۴: ۱۷ تا ۱۹)، هفتمین نسل (بطور جامع) از آدم، چند همسری را ابداع نمودند. خشونت و انتقام نسل قائن در جوار دودمان با ایمان هابیل قرار گرفت. سلسله هابیل نیز یک به یک نامشان ذکر شده است، اما هفتمین نسل از این دودمان، خنوخ بود، کسی که «با خداوند راه می رفت» (پیدایش ۵: ۲۴) و به آسمان برده شد.

متأسفانه، جهان شیطان را بیشتر از خدا پذیرفت، و به مرحله ای رسید که دودمان با ایمان بسیار اندک بود، و طولی نمی کشید که هیچ خانواده ای بتواند باقی بماند که خدا بتواند کلام خویش را با فرستادن ذریت وعده داده شده برای رستگاری بشر محقق گرداند. در این مرحله بود که خداوند با ایجاد سیل پا به میان گذاشت. اگرچه، سیل، مرگ و نابودی بیشتری به همراه آورد، در عین حال نگون بختی و نابودی زندگی از طرف خداوند، تنها نابودی آنچه بود که بشر، از پیش آن را ویران کرده بود (پیدایش ۶: ۱۱ تا ۱۳).

چگونه شما، شخصاً واقعیت نیروی مخرب گناه را تجربه کرده اید؟ تنها قدرتی که بر ضد گناه است، چیست؟ و چگونه می توانیم از آن به نفع خودمان نفع ببریم؟

عهدها در تاریخ

پس از سیل، خداوند دوباره با نوح و کسانی که بعداً آمدند، شروع به بستن عهد نمود. او بدنبال ایجاد یک رابطه با آنان بود و ایده عهد و پیمان در کانون این رابطه قرار داشت. کتاب مقدس هفت پیمان بزرگ را که خداوند با مردم بست، مشخص کرده است:

اولین عهد - آدم (پیدایش ۱ تا ۳)

دومین عهد - نوح (پیدایش ۶ تا ۹)

سومین عهد - ابراهیم (پیدایش ۱۲: ۱ تا ۳)

چهارمین عهد - موسی و قوم اسرائیل (معروف به عهد سینا یا موسی؛ خروج ۱۹ تا ۲۴)

پنجمین عهد - فینحاس (اعداد ۲۵: ۱۰ تا ۱۳)

ششمین عهد - داوود (دوم سموئیل ۷: ۵ تا ۱۶)

هفتمین عهد - عهد جدید (ارمیا ۳۱: ۳۱ تا ۳۴)

آیات زیر بخوانید. منظور آنها از «پیمان ابدی» چیست؟ (پیدایش ۹: ۱۶، ۱۷: ۷؛ اشعیا ۵۵: ۳؛ عبرانیان ۱۳: ۲۰).

در کتاب مقدس، شانزده بار اصطلاح «پیمان ابدی» آمده است. از میان آنها، سیزده بار آن بطور خاص به پیمان ابراهیم، قوم بنی اسرائیل در کوه سینا، و داوود مربوط می شود. هر یک از عهد هایی که در بالا به آن اشاره شد، هرچند منحصر به فرد، نقش «عهد ابدی» را از بین بردند. همانطور که انجیل ابدی برای اولین بار در پیدایش باب ۳: ۱۵ معرفی می شود، اما پس از آن بطور تدریجی در سراسر کتاب مقدس همان «عهد ابدی» را نشان می دهد. هر عهد پی در پی برای تعمیق و روشن کردن درک ما از عهد ابدی از محبت است، که آن بطور کامل در نقشه نجات بشر آشکار شد. عهد های جدید و قدیم، همانطور که اغلب متمایز و برجسته شده اند، اما شامل محتوای مشابهی هستند. ۱. تقدیس و تطهیر: «شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و بر دلشان خواهم نگاشت» (ارمیا ۳۱: ۳۳، را با عبرانیان ۸: ۱۰ مقایسه کنید).

۲. مصالحه: «من خدای ایشان خواهم بود، و ایشان قوم من خواهند بود» (ارمیا ۳۱: ۳۳؛ عبرانیان ۸: ۱۰ مقایسه کنید).

۳. رسالت یا مأموریت: «دیگر کسی به همسایه یا به برادرش تعلیم نخواهد داد و نخواهد گفت، خداوند را بشناس!، زیرا خداوند می گوید، همه از خرد و بزرگ مرا خواهند شناخت» (ارمیا ۳۱: ۳۳؛ عبرانیان ۸: ۱۰ مقایسه کنید).

۴. تَبَرُّه: «من تقصیر ایشان را خواهم آمرزید و گناهانشان را به یاد نخواهم آورد» (ارمیا ۳۱: ۳۴؛ عبرانیان ۸: ۱۲).

ساختار عهد

محققان کتاب مقدس دریافته اند که پیمان های کتاب مقدسی دارای ساختاری معمولی هستند؛ این نوع حتی در معاهدات بسته شده توسط هیتی های کهن دیده شده است. به این معنا که خدا با مردم به شیوه ای که آنها در فرهنگ خودشان دارند، گفتگو می کند که آنان بهتر درک کنند.

پیمان هایی که در زمان اسرائیل کهن رایج بودند، دارای بخش های زیر بودند: مقدمه (که خدا چه کسی است)؛ پیشگفتار تاریخی (مشخص کردن رابطه گذشته)؛ قوانین؛ برکات و لعنت ها؛ شاهدان؛ شرط یا نشانه ای خاص برای عهد. بنابراین، نباید جای تعجب باشد که خداوند در آن زمان از چیزی شبیه آن، در گفتگو با قوم خودش استفاده کرد. به عنوان مثال، کل کتاب تثنیه بصورت یک پیمان نامه نوشته شده است، زیرا که موسی از قوم خداوند دعوت کرد تا با خداوندشان وارد یک رابطه جدید عهد بشوند. فهرست این عهد به شرح زیر است: ۱. پیش گفتار (تثنیه ۱: ۱ تا ۵)؛ ۲. پیش درآمد تاریخی (تثنیه ۱: ۶ - ۴: ۴۳)؛ ۳. شرایط ضمن عقد یا قوانین (تثنیه ۴: ۴۴ - ۲۶: ۱۹)؛ ۴. برکات و لعنت ها (تثنیه ۲۷ تا ۳۰)؛ ۵. شاهدان (تثنیه ۳۰: ۱۹)؛ و در نهایت، ۶. تبصره های خاص (تثنیه ۳۱: ۹ تا ۱۳).

یوشع باب ۲۴ را بخوانید. در این باب چگونه این الگوی عهد نشان داده شده است؟

همین قضیه در مورد تجدید میثاق که توسط یوشع انجام شد، صادق است. اولاً، مقدمه اشاره می کند به جایی که خداوند خود را به عنوان «خداوند، خدای اسرائیل» معرفی می کند (یوشع ۲۴: ۲). به دنبال آن، یک پیش نویس تاریخی طولانی جایی که یوشع به مردم، آنچه را که خداوند در گذشته برای آنان انجام داده است را یادآوری می کند (یوشع ۲۴: ۲ تا ۱۳). پس از این مسئله تاریخی، شرایط ضمن عقد و قوانین برشمرده می شوند (یوشع ۱۴، ۱۵، ۲۴)، برکات و لعنت ها ذکر می شوند (یوشع ۲۴: ۱۹، ۲۰)، شاهدان مشخص می شوند (یوشع ۲۴: ۲۲، ۲۷)، و تبصره ها و شروط ویژه بیان می شوند (یوشع ۲۴: ۲۵، ۲۶). در اینجا نیز، یک فرم اصلی از یک عهد و پیمان برای گفتگو با قوم بنی اسرائیل بکار گرفته می شود، که نه تنها رهبری خداوند در گذشته بلکه آنچه که از آنها برای حفظ پایبندی به عهد لازم است، نشان داده می شود.

یوشع باب ۲۴: ۱۵ را بخوانید. چه اصلی در اینجا وجود دارد که برای ایام امروزه خودمان کاربرد دارد؟

تعهدات یا تضمین ها

نِحمیا باب ۱۰: ۳۰ تا ۳۹ را بخوانید. چهار موردی که اسرائیلیان به عنوان بخشی از تجدید کردن عهد، متعهد به انجام آن می شوند، چیست؟

مردم متعهد به انجام امور زیر شدند:

۱. هیچ ازدواجی با غیر یهودی صورت نگیرد (ازدواج نکردن با افرادی که ممکن است منجر به بت پرستی آنان شوند)؛
 ۲. رعایت واقعی روز سبت (هیچ نوع معاملات تجاری انجام نشود)؛
 ۳. بخشیدن بدهی و رعایت احکام سال سبتی (هر هفت سال یک بار) برای مراقبت و حمایت از فقرا و آزاد کردن آنها؛
 ۴. حمایت مالی از معبد، خدمات و کارکنان آن از طریق آوردن نوبر میوه ها، اولین نخست زادگان، و عشرها، از ایزرو ادامه عبادت حقیقی را تضمین می کردند.
- سه تعهد اول مربوط به ارتباط با دیگران (ازدواج و لغو بدهی) و با خدا (سبت) می شد، در حالیکه آخرین تعهد (نِحمیا ۱۰: ۳۲ تا ۳۹) مربوط به مقررات معبد بود.
- هدف جامعه این بود، که نشان دهند آنها به عهدشان متعهد بوده اند و بنابراین می توانستند راه های عملی ایجاد رابطه خودشان با خدا و دیگران را اجرا کنند. حتی اگر همیشه بطور کامل پایبند به پیمان خود نبودند، ولی درک کردند که عادت ها و شیوه های درست می تواند بر آینده آنها تأثیر بگذارد. اگر قوم بنی اسرائیل در مسیر صحیح حرکت می کرد، آنها می توانستند شیوه ها و عادات مطلوبی را که می خواستند از آنان استفاده کنند ایجاد کنند. اگر آنها می خواستند رابطه نزدیکی با خدا داشته باشند، پس آنها سبت را در جایگاه مهمی قرار می دادند و از معبد مراقبت می کردند و اینها گام های مهمی در جهت ایجاد این رابطه نزدیک با خدا بودند.
- متأسفانه، همانطور که در آخرین باب های کتاب نِحمیا بیان شده است آنها به تعهدات خود به خوبی عمل نکردند. با این حال، حتی اگر همه آنها به آن تعهدات عمل نکردند، برخی یا بسیاری از قوم به آن عمل کردند. با کمک خدا و تمرکز بر او، می توانیم عادت های مناسب را گسترش دهیم و در راه راست قدم برداریم.

به واسطه کردار درست، کل زندگی ما می تواند تغییر کند. با تسلیم کردن اراده خود به مسیح، شما خود را با قدرتی که بالاتر از همه نیروها و قدرت ها است متحد می سازید. به شما قدرتی از آسمان خواهد رسید تا شما را

استوار و پایدار نگه دارد و بنابراین از طریق تسلیم مداوم خود به خداوند، قادر خواهید بود که یک زندگی جدید و حتی زندگی در ایمان را تجربه کنید. «الن جی وایت، گام‌هایی بسوی نور، صفحه ۴۸. چه چیزی مانع شما از تجربه آنچه که در اینجا نوشته شده است، می‌شود؟»

پنجشنبه

۳۰ آبان

معبد

نِحمیا باب ۱۰: ۳۲ تا ۳۹ را دوباره مرور کنید. چرا انجام مراسم معبد برای اسرائیلیان ضروری بود؟ همانطور که نوشته شده: «ما به خانه خدایمان بی توجهی نخواهیم کرد» (نِحمیا ۱۰: ۳۹). چرا معبد بطور کل برای ایمان از اهمیتی بسزا برخوردار بود؟ (نِحمیا ۸: ۱ تا ۷).

اسرائیلیان متعهد شدند که از معبد مراقبت کنند، اگرچه آنها گروه کوچکی بودند که از نظر مالی بوسیله پادشاه تحت فشار و تعدی قرار می‌گرفتند، آنها تصمیم گرفتند که واجب است تا قسمت کوچکی از آنچه را که دارند به رونق و پیشرفت معبد اختصاص دهند و نه فقط آنکه آن را نجات دهند. بنابراین، آنها تصمیم گرفتند که هر سال یک سوم از نقره ای را که بدست می‌آوردند برای خدمات معبد اختصاص بدهند، به جای اینکه فقط در زمان سرشماری آنگونه که قانون آنان را ملزم ساخته بود پرداخت نمایند. قوم ضرورتی را دید تا فراتر از آنچه که ملزم شده اند مساعدت کنند. علاوه براین، مسئولیت آوردن چوب برای سوزاندن قربانی‌های خداوند در محراب معبد را به عهده خانواده‌های خاصی اختصاص دادند، زیرا که آنان متوجه شدند که بدون سازماندهی، این روال افول خواهد نمود.

نوبر میوه‌ها و نخست زاده‌ها و عشرها و هدایا، جنبه‌هایی از خدمات معبد بودند که برای خدمت کاهنان و لاویان اختصاص می‌یافت.

معبد به عنوان قلب تپنده قوم بنی اسرائیل به حساب می‌آمد. معبد در کانون ایمان آنان قرار داشت که بزرگترین مصیبت بر سر آن در زمانی اتفاق افتاد که نبوکد نصر معبد را خراب کرد و اشیاء مقدس را به تاراج برد.

زمانی که معبد به درستی مدیریت می‌شد، به ملت اسرائیل یک زندگی روحانی پرشور و شوق بخشیده بود، زیرا به مردم چاره‌قطعی حل مشکل گناه را نشان می‌داد، که از طریق مرگ بره بود. هنگامیکه مسیح بر روی صلیب قربانی شد، آن راه حل برای بشر فراهم شده بود (رومیان ۵: ۵ تا ۱۰). علاوه براین، از طریق انجام مراسم سالانه روز کفاره، مردم فهمیدند که در نهایت خداوند طرحی برای خلاص شدن از شریر و گناه برای خیریت انسان دارد. به عبارت دیگر، معبد وسیله‌ای برای نشان دادن کل طرح نجات و رستگاری

بشر به مردم بود. درس هایی که ما می توانیم از طریق نگاه کردن به مراسم معبد بدست آوریم خیلی مهم و ضروری هستند تا به ما تصویر بزرگ تری از ذات خداوند بدهد و طرح نجات را برای ما روشن سازد.

« این سخن درخور اعتماد و پذیرش کامل است که مسیح عیسی به جهان آمد تا گناهکاران را نجات بخشد، که من بزرگترین آنهایم » (اول تیموتائوس ۱: ۱۵). امید پولس چه بود، و ما چطور می توانیم این امید را در خودمان ایجاد کنیم؟

جمعه

۱ آذر

تفکری فراتر: بخش تقدیس از کتاب گام هایی بسوی نور، نوشته الن جی وایت را بخوانید. [این کتاب به زبان فارسی موجود می باشد]

« خدمت در معبد زمینی شامل دو قسمت بود: کاهنان روزانه در قدس خدمت می نمودند در حالی که کاهن اعظم سالی یک بار کار مخصوص کفاره در قدس الاقداس را برای تطهیر معبد انجام می داد. گناهکار تواب بطور روزانه پیشکش خود را به در خیمه عبادت می آورد و دست بر سر قربانی گذاشته و گناهان خود را اعتراف می نمود و بدین ترتیب آنها را از خود به قربانی بی گناه منتقل می نمود. آنگاه حیوان کشته می شد. رسول می گوید: بدون ریختن خون آمرزشی برای گناه نیست. زیرا حیات هر جاندار در خون است. سفر لایوان فصل ۱۷ آیه ۱۱. احکام نقض شده خدا جان گناهکار را می طلبید. این خون که نماد جان از دست رفته گناهکار است و گناهش را قربانی حمل می کند توسط کاهن به قدس برده می شد تا در برابر پرده که پشت سر آن صندوق حاوی ده فرمانی است که گناهکار آن را نقض نموده بود پاشیده شود. با این مراسم، گناه توسط خون به معبد منتقل می شد. در بعضی موارد خون به معبد حمل نمی شد بلکه گوشت قربانی طبق دستور موسی به پسر هارون داده شده و گفته می شد: خدا آن را به شما داده تا تقصیر جماعت را بر گیرید، آنگاه آن گوشت توسط کاهن خورده می شد. کتاب لایوان فصل ۱۰ آیه ۱۷. هر دو آئین بطور مشابه نمادی از انتقال گناه از فرد تواب به خیمه مقدس یا معبد بود » (الن جی وایت، کتاب نبرد عظیم، صفحه ۴۰۱). [این کتاب به زبان فارسی موجود می باشد]

سوالاتی برای بحث

۱. به تعهداتی بیندیشید که آنها را نقض کرده اید، بدون در نظر گرفتن این که در وفای به عهد چقدر صادق و مخلص بوده اید. چه چیزی از این تجربه آموخته اید که شاید بتواند مانع شما از اشتباه مشابه بشود؟

۲. عهد و پیمان، برقراری یک رابطه قانونی است. ما رابطه خود را با خدا شکستیم، اما او همیشه به پیمان خود با ما وفادار است، حتی هنگامی که ما به عهد خود وفادار نیستیم. چگونه درک این نیکویی و وفاداری خدا، انسان ها را به یک رابطه نزدیک با او می رساند، و بدینسان کمک می کند تا بطور شایسته زندگی کنیم؟

۳. فکر کنید چند بار نسبت به خدا و قولی که تحت « عهد جدید » داده اید، وفاودار نبوده اید (به لوقا باب ۲۲: ۲۰، عبرانیان باب ۸: ۱۳، ۹: ۱۵ نگاه کنید). چرا درک ما از نقشه نجات، و وعده بخششی که ما در اثر قربانی شدن عیسی، داریم، مهم است؟ کسیکه با خون خود مهر تائیدی بر « عهد جدید » ما با خداوند زد.



بشارت از طریق والیبال

توسط ویلسون میساپوگو

مان بهادر رای، و خانواده اش بر این باور بودند که شش روح در خانه شان در روستایی نزدیک نیال هم مرز با چین سکنی گزیده اند. شش کوزه سفالی در جاهای مختلف خانه گذارده شده بود تا آن شش روح در درونشان زندگی کنند. هر وقت که مادر غذایی می پخت، او در درون هرکوزه غذا می گذاشت تا ارواح بخورند. او از این می ترسید که اگر یکی از ارواح گرسنه بماند، آنگاه کل خانواده ازسوء هاضمه یا چیزی بدتر از آن رنج خواهند برد.

والدین خانواده تاثیر بسازایی را به عنوان رهبران روحانی در روستا داشتند و آنها از مسیحیت متنفر بودند؛ به خاطر ایمان به خدای نادیده. آنها ترجیح می دادند تا خدای قابل دیدن مانند چوب و فلز داشته باشند.

یکروز عصر، مرد ۱۸ ساله بعد از کار به خانه می رفت و صدای مردی را شنید که در مورد باکره ای می گوید که بچه به دنیا آورده است. مرد کنجکاو شد که چه کسی است که چنین ادعای بی منطقی می کند. او رد صدا را دنبال کرد که در یک ساختمان بود و دید که یک نفر دارد کتاب سیاه رنگی می خواند.

پس از جلسه، مرد شدیداً در مورد معلم او با آن مرد به مباحثه پرداخت. آن مرد که شبان کلیسای ادونتیست بود که برای دیدار آمده بود، تنها یک لبخند ساده ای زد و از نوجوان درخواست کرد که عصر بعدی نیز بیاید.

بعد از یک هفته از جلسه، مرد یک کتاب مقدس را دریافت می کند و ملاحظه می کند که اشتباه فکر کرده است. هرچه بیشتر می خواند، در هرحال بیشتر متقاعد می شد که عیسی خدای زنده است. او قلبش را به عیسی داد. پدر از اینکه او اظهار کرد که مسیحی شده است به شدت خشمگین شد. او به شدت نوجوان را مورد ضرب و شتم قرار داد و او را از روستا بیرون انداخت.

مادر هر شب گریه می کرد. در یک روز صبح، مادر از یکی ازدوستان خواست تا پسرش را پیدا کند و به او یک بره بدهد.

مرد بره را با شادی قبول کرد و پس از دعا کردن اشتیاق شدیدی برای فروشش داشت و اشتیاق شدید برای خرید توپ والیبال و تور والیبال. با پیدا کردن یک قطعه زمین غیرقابل استفاده بین پنج روستا، مرد تور والیبال نو را نصب کرد و شروع به بازی کرد.

طولی نکشید که چندین نفر رهگذر در حال عبور از آنجا از او پرسیدند که آیا امکان دارد که به او ملحق شوند. مرد گفت البته، اما باید یک آیه را از کتاب مقدس حفظ کنید.

مرد جوان پذیرفت که مشتاقانه آیه را حفظ کند و بعد شروع به بازی کرد. وقتی که بازی می کردند، دیگر جوانان ایستادند و پس از حفظ کردن آیات در خواست کردند تا به آنان بپیوندند. وقتی مسابقه به پایان رسید جوانان اصرار کردند که دوباره بازی کنند.

مرد گفت: « باشه؛ اما شما باید یک سرود پرستشی در مورد خدای من یاد بگیرید ».

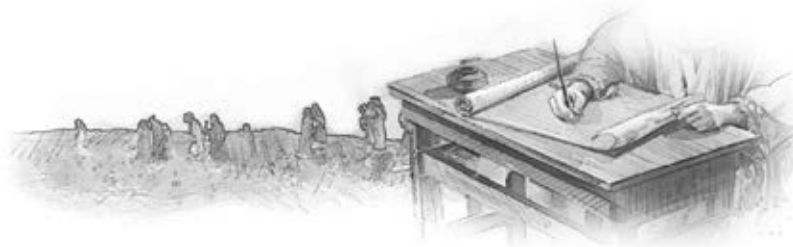
طولی نکشیده بود که بسیاری از جوانان کل فصول کتاب مقدس را به همراه سرود پرستشی حفظ کرده بودند.

سپس مرد شنید که من می خواهم به یک مدرسه کتاب مقدس هدایت شوم و او داستانش را در روز اول به اشتراک گذارد. او داستان را به سه مرد جوان که در نزدیکی نشسته بودند معرفی کرد و گفت: « این نتیجه بشارت والیبال من است. این مردان، عیسی را پذیرفته اند و می خواهند خادم کتاب مقدس باشند ».

مرد، در سمت چپ، که از خانواده خود طرد شده است، یک الهیات دان نیست. او پیشگام خادم در ساختن خانواده ای جدید است که تا ابد در ملکوت خدا زندگی خواهند کرد.

ویلسون میسپوگو مسوول اجرایی کلیسای ادونتیست روز هفتم در بخش آسیا است.

آزمایشات سخت، مصیبت ها، و فهرست ها



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: عزرا ۹: ۱ تا ۱۱: ۱ دانیال ۱: ۱، ۲: ۱ دانیال ۵: تثیبه ۳۰: ۱ تا ۶: عزرا ۸: ۱ تا ۲۳: ۱ نحمیا ۱: ۱، ۲: ۱۲: ۱ تا ۲۶: ۱

آیه حفظی: « به برادران و بزرگان خویش پیوسته، خویشان را زیر لعنت و سوگند قرار می‌دهند تا بنا بر شریعت خدا که به دست موسی، خادم خدا، عطا شد، سلوک کنند و همه فرمانهای یهوه خداوندگار ما و قوانین و فرایض او را نگاه داشته، به جای آورند » (نحمیا ۱۰: ۲۹)،

ما معمولاً از خواندن لیست طولانی اسامی و فهرست شجرنامه ها در کتاب مقدس صرف نظر می‌کنیم. اما خداوند آنها را به دلیلی در کتاب مقدس قرار داده است. پروردگار کتاب مقدس، خدای جزئیات است. او به جزئیات توجه دارد، و این به ما اطمینان می‌دهد که او هرگز ما را فراموش نمی‌کند.

این چند نمونه از شجرنامه ها، بیان می‌کنند که خداوند همه چیز را درباره خانواده های ما می‌داند، و فهرست این چیزها به ما می‌گویند که خداوند حتی برای آنچه که ممکن است برای دیگران « ناچیز و کم ارزش » تلقی شود، اهمیت می‌دهد و از آنان حفاظت می‌کند. عیسی اظهار داشت که خداوند از گنجشک ها مراقبت می‌کند و حتی تعداد موهای ما را می‌شمارد و از آن با خبر است: « آیا پنج گنجشک را به دو پول سیاه نمی‌فروشد؟ با این حال، حتی یکی از آنها نزد خدا فراموش نمی‌گردد. حتی موهای سر شما به تمامی شمرده شده است. پس مترسید، زیرا ارزش شما بیش از هزاران گنجشک است » (لوقا ۱۲: ۶، ۷). خدا کسی که حتی درباره این جزئیات اهمیت می‌دهد، از ما هم مراقبت می‌کند، و او حتی از جزئیات آنچه که ما را ناراحت می‌سازد با خبر است و آن ها را می‌داند.

بنابراین، می‌توانیم اطمینان کامل داشته باشیم، اعتماد به خدا را افزایش دهیم، و در اطمینانی که خدا از ما مراقبت می‌کند و درباره هر حوزه‌ای از زندگی ما اهمیت می‌دهد، تکیه کنیم. در حالی که دانستن این موضوع به ما آسایش و آرامش می‌دهد، همانطور که آرامش بخش است، این مطلب همچنین باید به همه ما بگوید که ما هم باید به تمام بخش‌های زندگی‌مان اهمیت بدهیم.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای سبت در روز ۹ آذر - ۳۰ November آماده شوید.

یکشنبه

۳ آذر

خدای تاریخ

عزرا باب ۱: ۹ تا ۱۱ و دانیال ۱: ۱، ۲ را بخوانید. چگونه این متون در دانیال به ما کمک می‌کند که آنچه را عزرا به آن اشاره می‌کند، درک کنیم؟

به جزئیات داده شده در کتاب عزرا توجه کنید در حالی که در کتاب دانیال یک تصویر بزرگ‌تر و کلی ارائه شده است. گرچه، جمعاً این آیات نشان می‌دهد که خداوند همه چیز را تحت کنترل خود دارد.

«تاریخ قوم‌ها امروز با ما سخن می‌گوید. خداوند برای هر قوم و برای هر فردی در طرح بزرگ خود، جایگاهی را مقرر و مشخص کرده است. درحال حاضر انسان‌ها و ملت‌ها بوسیله ترازوی عدالت دستان خداوند، کسیکه هیچ اشتباهی نمی‌کند مورد آزمایش قرار می‌گیرند. همه با اراده خود تصمیم می‌گیرند که سرنوشتشان چگونه باشد، و رأی خداوند برای به کمال رسیدن اهدافش بر همه چیز غالب و نافذ است.» - الن جی وایت، انبیا و پادشاهان، صفحه ۵۳۶.

دانیال باب ۵ را بخوانید. این آیات در خصوص داوری خداوند بر بلشصر، چه می‌آموزد؟

بابل در ماه اکتبر سال ۵۳۹ ق. م. سقوط کرد، زمانی که کورش پادشاه لشکریانِ ماد و پارس آن را فتح کرد. بلشصر، به نادرست بر روی پیروزیهایش، تجملاتش، و شهرتش متکی بود، و بسیار کبر و غرور داشت و یک شب ضیافتی بزرگ و بی‌بند و باربر پا کرد که در نهایت به قتل او منجر شد. دستان الهی بر روی دیوار کاخ او نوشتند که روزهای سلطنت او شمرده شده و بزودی به پایان خواهد رسید. با وجودی که او از سرنوشت و حکایت به

پادشاهی رسیدن پدرش نبوکد نصر با خبر بود، ولی درس عبرت نگرفته بود. همواره بسیار غم انگیز است که به هشدارهای خداوند گوش ندهیم و از دستورات او پیروی نکنیم. دانیال نبی همیشه آنجا بود، اما او نادیده انگاشته می شد. هنگامی که مفهوم قدوسیت خداوند و حضور او را در زندگیمان فراموش می کنیم، در مسیر پر پیچ و خم، مشکلات و فجایع گام بر می داریم که نهایتاً به مرگ ختم می شود.

دانیال پس از بازگویی شرح حکایت نبوکد نصر به پادشاه گفت: «تو پسرش - بلشصر- با وجود اینکه همه اینها را می دانستی، خود را فروتن نکردی» (دانیال ۵: ۲۲). ما چگونه می توانیم اطمینان حاصل کنیم که در مقایسه خودمان با این موضوع، ما اشتباهی مشابه آنچه که نبوکد نصر انجام داد را انجام نخواهیم داد؟ چگونه حقیقت صلیب باید همیشه ما را در مقابل خداوند فروتن سازد؟

۴ آذر

دوشنبه

در شهرهایشان

فهرست اسامی عزرا باب ۲ و نحمیا باب ۷ را با دقت بررسی کنید. چه چیزی توجه شما را در آن به خود جلب می کند؟

تکرار فهرست اسامی در کتاب عزرا باب ۲ (فهرست کسانی که از اسارت تحت سلطه بابلی ها با زروبابل و یوشع بازگشتند) و در نحمیا باب ۷ قابل تعمق است. باز هم ممکن است، به نظر آید که خواندن و دیدن این فهرست اسامی برای ما خسته کننده باشد، اما آنها نکته مهمی را برای ما روشن می کنند، که این بدان معنی است که خداوند به جزئیات اهمیت می دهد که شاید برای ما بی اهمیت باشد.

کار بازسازی دیوارهای شهر اورشلیم به پایان رسید و آیات کتاب مقدس عمداً می خواهند بیان کنند که اولین نسل از تبعیدیان مراجعت کننده، از نسل عزرا و نحمیا بودند که در این دستاورد مهم مشارکت داشتند، هرچند که تنها خداوند باعث شد که آنان به این موفقیت نائل گردند. نسل حاضر، دستاوردهای نسل های قبلی را ساخت، هرچند که این کار پیچیده و بغرنج با موانع زیادی روبرو بود، و این کار در زمانی که آنان می خواستند تکمیل نشد.

رهبری عزرا و نحمیا ارزشمند بود، اما مردم نیز وظیفه خود را انجام دادند. هر گروه وظیفه متفاوتی در زمانی متفاوت بر عهده داشت، اما نتیجه کار چشمگیر است. آغاز کتاب عزرا (باب ۲) و پایان کتاب نحمیا (باب ۷) به هم مرتبط هستند، و نه تنها دومین معبد ساخته شد، بلکه همچنین اورشلیم نیز بازسازی و به خوبی ساخته شد.

نِجْمِیا باب ۷: ۷۳ را بخوانید. این آیه چه چیزی را به ما می آموزد درباره اینکه چقدر آنها در انجام اراده و خواست خدا موفق بودند؟

« فرزندان اسرائیل در شهرهایشان بودند ».

به هر جهت، در کل، بازگشت و بازسازی حیرت آور بود. افرادی که چندین سال قبل از آن، شهرشان و معبدشان ویران شده بود، و سرزمین آنان به یغما رفته بود، اکنون به همان سرزمین و شهر برگشته بودند که همه چیز را از نو بسازند، حتی معبد را هم بازسازی کردند. باید این مسئله به نظر آنها و همینطور اقوام اطراف، یک کار معجزه آسا بوده باشد. با این حال، این همه آن چیزی بود که مطابق خواست و وعده های خداوند بود.

چه چیزی در حال حاضر در زندگی شما به نظر ناامید کننده می رسد، اما با این حال شما هنوز به خداوند اعتماد دارید که شما را در حل آن کمک می کند؟

سه شنبه

۵ آذر

کاهنان کجا بودند؟

بدون شک، همانطور که دیروز دیدیم، تحقق نبوت بازگشت یهودیان از بابل به اورشلیم شگفت انگیز بود.

اما، مانند هر چیزی که انسان ها در آن دخیل و دست داشته باشند، مشکلات وجود داشتند. و یکی از مشکلات بزرگ این بود که، علی رغم تمام وعده های شگفت انگیز در مورد استقرار مجدد آنان بعد از تبعید، بسیاری از یهودیان نمی خواستند به سرزمین اجدادی خود برگردند. به این ترتیب آنان ترجیح دادند که در بابل بمانند. چرا اینطور می خواستند؟

عزرا باب ۸: ۱ تا ۱۵ را بخوانید. به طور خاص بر روی آیه ۱۵ تمرکز کنید. نگرانی بزرگی که در اینجا است، چیست و چرا این مسئله می توانست برای کسی که مایل به استقرار مجدد قوم اسرائیل در سرزمین پیشین خودشان بود، مهم و نگران کننده باشد؟

حقیقت این است، که همه یهودیان در بابل از جمله برخی از لویان نمی خواستند که برگردند. عوامل متعددی می توانست دخیل باشد. بسیاری از آنها در سرزمین جدید متولد

شده بودند و در آنجا رشد کرده بودند، و این همه چیزی بود که آنان می دانستند. در نهایت شاید بسیاری نمی خواستند به این سفر طولانی و بدون شک خطرناک در رسیدن به سرزمینی که تا به حال هرگز برای آنان شناخته نبود، بروند. با این وجود، در نهایت ما می دانیم که علی رغم چالش ها، آنها تعدادی کافی از لویان را برای خدمت در معبد به همراه آوردند (درس روز پنجشنبه را ملاحظه کنید).

« تا به حال، یهودیانی که در سرزمین تبعید (بابل) باقی ماندند برای تقریباً یک قرن و نیم در آنجا استقرار داشتند. کاوشهای باستانی نیپور Nippur، مستندات متعددی را نشان می دهند که بسیاری از یهودیان ثروتمند در منطقه بین النهرین در دوران سلطنت اردشیر اول زندگی می کردند، از این رو، ممکن است این وظیفه ای سخت و مشکل برای عزرا و دیگران رهبران بوده باشد که بسیاری از آنان را به عنوان همراهان خود وادار به بازگشت به اورشلیم بکنند. این مهاجران پیشتاز تنها می توانستند انتظار یک زندگی سخت در سرزمین مادری قدیمی خود داشته باشند، در که از راحتی و آسایش بسیاری کمتری نسبت به بابل برخوردار گردند. با توجه به این ملاحظات، جای شگفتی است که چگونه عزرا موفق شده بود تا تقریباً ۲۰۰۰ خانواده را متقاعد کند تا با امید توفیق به برادرانشان در سرزمین مادری کهن بپیوندند ». - کتاب مقدس تفسیری ادونتیست های روز هفتم، جلد ۳، صفحه ۳۷۶.

« برای داخل شدن به پادشاهی خدا ما باید از راههای بسیار سختی بگذریم » (اعمال ۱۴: ۲۲). این مطلب چه چیزی را در مورد واقعیت آزمایشات در زمان سختی و مشقت برای کسانی می گوید که می خواهند با وفاداری به خداوند خدمت کنند؟

۶ آذر

چهارشنبه

تواضع و فروتنی در برابر خداوند

تثنيه باب ۳۰: ۱ تا ۶ را بخوانید. چه وعده هایی در اینجا به مردم عبرانی داده می شود؟ مفهوم این وعده ها در میان دیگر وعده های مشابه آن برای مردانی مثل عزرا و نَحِمیا چه بود؟

عزرا و نَحِمیا نبوت ها را می دانستند، آنان می دانستند که خدا آنان را از اسارت خواهد رهانید. ما در نَحِمیا باب ۹ می بینیم که آنها تاریخ و دلیل مشکلاتشان را درک کردند. در عین حال، آنها همچنین می دانستند که این لطف و مهربانی خدا است که آنان را راهنمایی می کند.

بنابراین، آنها به خدا اعتماد داشتند که او خواهد توانست، سفر بازگشت آنان را از اسارت، موفقیت آمیز کند. با این حال، این بدین مفهوم نبود، چون به آنها وعده داده

شده، آنان در طول سفر با چالش های زیادی مواجه نخواهند شد. تا به اینجا، در بیشتر دروس این سه ماهه، ما در مورد آزمایشات و مصیبت هایی که آنان با آن مواجه شدند، حتی در میان وعده های خداوند بحث کردیم.

عِزرا باب ۸: ۱۶ تا ۲۳ را بخوانید. چه چالش هایی در اینجا وجود دارد، و چگونه آنان به آنها واکنش نشان دادند؟

با وجود وعده ها، عِزرا می دانست که این سفر چقدر خطرناک خواهد بود. بنابراین، روزه و تواضع در برابر خدا، از راه هایی بودند تا اذعان کند که آنها در رسیدن به موفقیت چقدر به خداوند وابسته هستند. همزمان، با در نظر گرفتن خطرات زیادی که در پیش روی آنان بود، ایده تقاضا از پادشاه برای کمک و حفاظت، حداقل کاری بود که بر عهده عِزرا بود تا انجام دهد. اما سرانجام او در مقایسه با نَحْمِیا (نَحْمِیا ۲: ۹)، تصمیم گرفت که این کار را نکند، که محافظی برای مراقبت از او نبود. عِزرا آشکارا احساس کرد، اگر او این درخواست را بکند، نسبت به خداوند بی احترامی کرده، زیرا که او قبلاً به پادشاه گفته بوده « من خجالت می کشیدم از شاهنشاه تقاضا کنم یک گروه از سواره نظام را بفرستد تا در سفر در مقابل هر دشمنی از ما مراقبت کند، چون من به او گفته بودم که خدای ما به هر که به او توکل کند برکت می دهد، اما هر که از او رو بگرداند، مورد خشم و مجازات او قرار می گیرد » (عِزرا ۸: ۲۲). او بعدها نوشت که در این موضوع، اینکار نتیجه خوبی برای آنان داشته است (عِزرا ۸: ۳۱) و خداوند آنان را محافظت کرد و آنها را در امنیت کامل به مقصد خود رسیدند.

البته که، ما باید برای همه چیز به خدا اعتماد کنیم. اما در عین حال، در چه زمان هایی، از کسانی که در ایمان با ما یکی نیستند، درخواست کمک می کنیم؟ در بسیاری از موارد، چرا این کار اشتباهی نیست، بلکه شاید حتی مناسب هم باشد؟

پنجشنبه

۷ آذر

در شهر مقدس

نَحْمِیا ۱۱: ۱، ۲ را بخوانید. چه اتفاقی در آیات می افتد؟ در مقابل با زندگی در شهرهای دیگر، چرا آنها مجبور بودند قرعه بیندازند تا ببینند چه کسی باید در اورشلیم زندگی کند ؟

نَحْمِیا در باب ۱۱ چه چیزی به ما تعلیم می دهد؟ ضروری بود که ساکنان جدیدی برای زندگی در اورشلیم از میان تازه واردان انتخاب کنند.

ظاهراً زندگی در روستا و مناطق خارج از شهر راحت تر از داخل شهر بود. مردم ملک خودشان را که از پدرانشان به آنان به ارث رسیده بود، داشتند. رها کردن آن و رفتن به اورشلیم یک از خود گذشتگی بود، و بسیاری می توانستند به درستی احساس کنند که اگر این کار را انجام بدهند از ریشه و اصل و نَسَب خود جدا می شوند. زندگی چالش های جدیدی برای آنان داشت، و شیوه زندگی شهری بسیار متفاوت تر از زندگی در منطقه روستایی خارج از شهر بود. همیشه جابجایی و مهاجرت به جای جدید و ناشناخته دشوار است.

چقدر مهاجرت به یک شهر یا کشور جدید، چالش برانگیز است، جایی که انجیل نیاز به نشر دارد؟ ماموریت رساندن پیام به شهرها مستلزم متعهد بودن به انجام آن، تحت اتفاقات و مشکلات جدید است.

« مبلغان ما به آن اندازه که باید به دیگران دست یابند، موفق نیستند. رهبران ما برای رسالتی که بر عهده دارند هوشیار نیستند،، وقتی من در مورد شهرها فکر می کنم، کار بشارت بسیار کم انجام شده است، در جایی که هزاران نفر باید آگاه شوند، و نجات دهنده بزودی خواهد آمد، من به شدت احساس می کنم که اشتیاق به دیدن مردان و زنانی دارم تا با قدرت روح القدس و پر شدن از عشق مسیح برای صید جان هایی که در شرف هلاکت هستند بروند.». *الِن جی وایت*، شهادت هایی برای کلیسا، جلد ۷، صفحه ۴۰.

چرا به این فهرست طولانی از کاهنان و لایوان در *نِحمیا ۱: ۱۲ تا ۲۶* اشاره شده است؟ ارتباط بین آنان و تعهد در ساختن دیوار شهر اورشلیم، شرح داده شده در قسمت دوم همان باب چیست؟ (*نِحمیا ۱۲: ۲۷ تا ۴۷*).

خداوند می خواهد که کارها به شیوه درست انجام شوند. قبل از اینکه کارهای بزرگی بوسیله مردم تکمیل شود، نیاز است که آنها تقدیس شوند و خود را وقف آن کنند. خانواده های کاهنان به *نِحمیا* کمک کردند تا دیوارهای شهر را بسازد، به منظور اینکه آنان بتوانند خداوند را در امنیت و آسایش در معبد بدون مداخله و تهدیدی از خارج، عبادت کنند. دیوارها برای امنیت شهر خیلی مهم بودند، اما بدون کشیشان فداکار و وفاودار، عبادت حقیقی خطرناک می بود. از اینرو همه مردم در موقعیت های مختلف نقش خود را ایفا کردند.

۸ آذر

جمعه

تفکری فراتر: «آزمون مریدی»، صفحات ۳۷ تا ۴۳، از کتاب گام هایی بسوی نور، نوشته *الِن جی وایت* را بخوانید. [این کتاب به زبان فارسی موجود است] « بسیاری افرادی که محبت آمرزنده مسیح را شناخته اند و حقیقتاً شوق دارند تا فرزندان خدا شوند. با این حال پی برده اند که شخصیتی ناقص و زندگی معیوبی دارند و

شرایط مهیا میشود تا تردید به دل راه دهند که آیا قلوبشان بواسطه روح القدس متحول شده بوده یا نه. به چنین افرادی باید بگویم، با نا امیدي، عقب نشینی نکنید. بعضی اوقات باید در پیش پای عیسی زانو زده و به خاطر خطاها و اشتباهاتمان اشک بریزیم، اما نباید مایوس و دلسرد شویم. حتی اگر به وسیله دشمن شکست خورده ایم، نباید فکر کنیم که خدا ما را رها و انکار کرده است. زیرا مسیح در سمت راست پدر ایستاده است تا برای ما شفاعت کند. یوحنا، شاگرد محبوب می گوید: «این را به شما می نویسم تا گناه نکنید. اما اگر کسی گناه کرد، شفيعی نزد پدر داریم، یعنی عیسی مسیح عادل.» (اول یوحنا ۲ آیه ۱). سخنان مسیح را فراموش نکنید که: «پدر، خود، شما را دوست دارد.» (یوحنا ۱۶ آیه ۲۷). او اشتیاق دارد تا شما را در خود احیا کند تا پاکی و قدوسیت خویش را در شما ببیند. اگر شما خود را به او بسپارید، او که کار نیکو را در شما شروع کرده است، آن را تا روز آمدن مسیح به اتمام خواهد رساند. از صمیم دل دعا کنید و کاملاً ایمان داشته باشید. همانطور که نسبت به قوت خودمان بی اعتماد می شویم، به قوت منجی و نجات دهنده خود اعتماد و توکل کنیم، چرا که او نور زندگی و سلامتی ماست.» «إلن جی وایت، گام هایی به سوی نور، صفحه ۴۲ [این کتاب به زبان فارسی موجود است]

سوالاتی برای بحث

۱. در مورد دانیال باب ۲ فکر کنید که چگونه دانیال هزاران سال پیش، بطور دقیق ظهور و سقوط امپراطوریه را پیش بینی کرد، حتی (بسیار دقیق) جدایی کشورهای مدرن اروپایی در حال حاضر را، پیش بینی کرد. چگونه می توانیم یاد بگیریم که از این نبوتها برای آرامش و تسلی خاطر خود بهره ببریم، که بطور قدرتمندانه ای به ما نشان می دهند که حتی در میان بی نظمی و اشفتگی دنیا، مطمئن باشیم که خداوند از همه چیز اطلاع دارد و می داند که چه رویدادهایی در حال وقوع است و حتی آنها را پیش بینی کرده است؟

۲. خداوند از همه امور زندگی ما اطلاع دارد. این تسلی به ما تضمین و اطمینان می دهد که ما تحت مراقبت او هستیم. «نترس، من تو را نجات خواهم داد. من تو را به اسم خواندم و تو به من تعلق داری» (اشعیا ۴۳: ۱). چگونه می توانیم به دیگران از حضور و مراقبت خداوند در هنگام بحران های عاطفی، خویشاوندی، اجتماعی، و یا مالی اطمینان دهیم؟

۳. در مورد موضوع درس روز چهارشنبه بیشتر تمرکز و صحبت کنید، درباره اینکه عزرا نمی خواست به علت اینکه او می ترسید که ممکن است حرف هایش در مورد اعتماد به خداوند و حمایت او از آنان توخالی و پوچ به نظر آید، از پادشاه درخواست کمک نکرد. برای مثال، ما می دانیم که خدا شفادهنده است. آیا این بدین معنا است که اگر ما برای درمان به پزشک مراجعه کنیم، در ایمان خود به قدرت شفا بخش او شک کرده ایم؟ درباره این موضوع در کلاس بحث کنید.



آموزش به یتیمان روسی

توسط اندرو مکچسنی، مبشر ادونتیست

چالش بسیار بزرگ به نظر می رسید.

ناتالیا بالان مادر بزرگ پنجاه و نه ساله نمی دانست که چگونه به دو برادر جوان که از یتیم خانه روسی آورده بودند ثابت کند که خدا واقعی است. آن دو پسر به نام های دانیل ده ساله و برادر نه ساله اش نیکیتا، از بد رفتاری غیر قابل توصیفی از سوی پدرشان رنج برده بودند و بعدها در یتیم خانه نیز از بد رفتاری رنج برده بودند. مادرشان فوت کرده بود. ناتالیا و شوهرش یاکوف که شبان بازنشسته ادونتیستی روز هفتمی بود پس از آنکه در مورد این موضوع در کتاب الن جی وایت خواندند که هر خانواده ادونتیستی بایستی از یتیمان مراقبت کند، بچه ها را به خانه شان در اُبلنسک، یک شهر کوچک ۴۶۰۰ نفری واقع در ۷۰ مایلی (۱۱۵ کیلومتری) جنوب مسکو بردند. والدین مشتاقانه نزد خدا دعا می کردند تا خود را در زندگی پسران جلال دهد.

سپس اتفاق ناگواری افتاد.

دانیل و نیکیتا صاحب دو دوچرخه کهنه شدند که همسایه مهربان هدیه داده بود و دوست داشتند تا دوچرخه سواری کنند. اما پسر ها خوششان نمی آمد تا دوچرخه ها را تا طبقه هفتم آپارتمان شان توسط آسانسور بالا ببرند. آنها به اخطار پدرشان گوش ندادند چونکه او گفته بود نباید دوچرخه ها را در طبقه همکف آپارتمان بگذارند و یکروز دوچرخه ها ناپدید شدند. آنان به شدت گریه می کردند!

مادر گفت: « بیایید دعا کنیم و خدا کمک خواهد کرد » در دعای صبحگاهی، مادر دعا کرد « خدایا، لطفا کمک کن تا پسر ها دوچرخه های دزدیده شده شان را دوباره پس بگیرند » بعد از آن پسر ها هم دعا کردند.

شهر تنها یک مدرسه داشت و مادر هم مطمئن بود که بچه های مدرسه دوچرخه ها را دزدیده اند. با اجازه از مدیر مدرسه، او نوشته ای را در

محوطه مدرسه چسباند که متنش اینگونه بود « بچه های این مدرسه دو دوچرخه را دزدیده اند که متعلق به بچه های یتیم است. لطفا دوچرخه ها را برگردانید ».

مادر و دو پسر هر روز صبح و عصر به مدت سه روز دعا می کردند. سپس زنگ در زده شد؛ به نشانه اینکه کسی در طبقه پایین منتظر صحبت کردن با خانواده است. صدای مردی گفت: « بیایید پایین و دوچرخه ها را بگیرید ». در طبقه پایین، مادرغریبه ای را دید در حالی که دوچرخه ای نو داشت.

او گفت: « وقتی پسر را برای ثبت نام برای کلاس اول می بردم، نوشته شما را دیدم. این دوچرخه برای پسر خیلی کوچک است؛ بنابراین تصمیم گرفتم آنرا به شما بدهم ». این دوچرخه بزرگ را دانیل صاحب شد چون که بزرگتر بود.

او در عصر همان روز دعا کرد که « خدایا به خاطر این دوچرخه فوق العاده تو را سپاس می گویم » نیکیتا هم خوشحال بود؛ اما آرزو داشت تا دوچرخه خودش را داشته باشد. مادر به او گفت « بیا دعا کنیم ».

خانواده برای دوچرخه نیکیتا نیز روزها دعا کردند. یکروز صبح، زنگ در دوباره به صدا درآمد و صدای مردی گفت: « بیایید پایین و دوچرخه را بگیرید ».

مادر، غریبه ای دیگر با دوچرخه نو و گران دیگری را دید که از دوچرخه قبلی کوچکتر بود. مرد گفت که دوچرخه برای پسر کلاس اولی اش خیلی بزرگ بود.

نیکیتا غرق در شادی شد.

دزدان هرگز دوچرخه های دزدیده شده را بازنگردانند؛ اما خانواده به خاطر اینکه خدا جواب دعاهایشان را داده بود از خدا سپاسگزاری کردند و به خاطر اینکه دوچرخه هایی بهتر از قبل داده شده بود، شکرگزاری کردند. ناتالیا گفت: « من از خدا به خاطر جواب دعاها سپاسگزارم، مخصوصا دعای خود من که باعث شود تا بچه ها خدا را بشناسند ».

عبادتِ پروردگار



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: نِحمیا ۱۲: ۲۷ تا ۴۷؛ اول تواریخ ۲۵: ۶ تا ۸؛ اول یوحنا ۱: ۷ تا ۹؛ یوحنا ۱: ۲۹، ۳۶؛ اول قرنتیان ۵: ۷؛ عبرانیان ۹: ۱ تا ۱۱.

آیه حفظی: « آنها سرودهایی در حمد و ثنای خداوند می خواندند و این بندگان را تکرار می کردند: «چه نیکوست خداوند، خدایی که محبتش برای قوم اسرائیل ابدی است.» همه، تا می توانستند صدای خود را بلند می کردند و خدا را ستایش می کردند چون کار بازسازی بنیاد معبد بزرگ شروع شده بود » (عزرا ۳: ۱۱).

آیه حفظی این هفته به درک ما از شیوه های پرستش عبرانیان و نحوه سپاسگزاری آنها نسبت به خداوند که در عبادت آنان ابراز می شده، کمک می کند. در سال ۵۱۵ ق. م. آنها با هدایای خود، مراسم تقدیس معبد جدید را جشن گرفتند (عزرا ۶: ۱۵ تا ۱۸) و سپس حدود ۶۰ سال بعد، مردم با هدایای خود تکمیل شدن دیوار شهر اورشلیم را جشن گرفتند (نِحمیا ۶: ۱۵ تا ۷: ۳؛ ۱۲: ۲۷ و به بعد).

بعد از فهرست شجرنامه ها در نِحمیا ۱۱ و ۱۲، نویسنده کتاب به زمانی اشاره می کند که آنها افتتاح دیوار شهر را جشن می گیرند. برای این ملت وقف چیزها به خدا، یک عادت مرسوم بود: معبد، دیوار شهر، یا حتی خانه ها و ساختمان های عمومی. مراسم چنین وقف هایی بطوری آماده شده بودند که همراه با آواز، موسیقی، جشن، قربانی، شادی و نشاط و تظهير مردم بودند و برگزار می شدند. داوود عرفِ قربانی در طول مراسم وقف را مرسوم کرد، و پس از او دیگر رهبران قوم اسرائیل، الگوی عملی او را پیروی کردند و شروع آن با سلیمان بود هنگامی که او تابوت عهد را به معبد آورد (اول پادشاهان ۸: ۵).

ما این هفته به بررسی اینکه چگونه آنها خداوند را در زمان پرستش، عبادت می کردند

می پردازیم و خواهیم دید اموری که ما، همان پروردگار را پرستش می کنیم، می توانیم در زندگی خودمان بکار ببریم.

درس این هفته را مطالعه کنید که برای روز سبت در ۱۶ آذر - ۷ December آماده شوید.

۱۰ آذر

یکشنبه

خواندن سرودهای خداوند

نِجْمِیا ۱۲: ۲۷ تا ۲۹ را بخوانید. به برخی از کلمات کلیدی توجه کنید که نشان می دهند، عبادت و ستایش آنان شبیه هم بوده است. شما چگونه آن را توصیف می کنید؟

قوم اسرائیل طبقه خاصی از لایویان را به عنوان خواننده و موسیقیدان برای خدمت در مراسم عبادتی معبد گماردند. خدا آنان را در مراسم عبادتی هدایت کرد و به آنان دستورالعمل های خاصی برای خدمات معبد داد، زیرا که مراسم عبادتی معبد باید بسیار باشکوه و حرفه ای برگزار می شدند. داوود پادشاه این مراسم پرستشی را به صورت یک روش جامع و باشکوه تر سازماندهی کرد. بنابراین، فرزندان آساف، که داوود آنان را به عنوان رهبران پرستش معبد منصوب کرده بود، همچنین به این عنوان قلمداد می شدند «سرایندگان خانه خدا از طایفه آساف بودند» (نِجْمِیا ۱۱: ۲۲).

به اول تواریخ باب ۲۵: ۶ تا ۸ نگاه کنید، این آیات در خصوص محوری و مهم بودن موسیقی و خواندن «سرودهای خداوند» چه می آموزد؟

سرایندگان از میان لایویان بودند، و بنابراین، رسماً در استخدام معبد بودند. بدین ترتیب، در عوض اجرای موسیقی برای خدمات پرستشی در معبد آنان حقوق می گرفتند. در طول دوران پادشاهی داوود، یک آکادمی یا انجمن موسیقی سازمان یافته بود، که داوود بر آن نظارت داشت. و دارای معلمان و دانشجویان پیر و جوان بود، کسانی که به نوبت در معبد کار می کردند و موسیقی می نواختند. برخی از آنان نوازنده و برخی دیگر سراینده بودند، و هنوز کسانی بودند که مسئول نگهداری از آلات موسیقی و جامه هایی که در جلسه های پرستشی معبد استفاده می شد، بودند. هدف از این چنین تشکیلات حرفه ای و سازمان یافته چه بود؟ این امر به توسعه استعدادها و بینش والایی از عبادت می شد. ارتقا و علو مقام باید همیشه در پرستش، هدف باشد. ستایش باید از درون قلب انسان

بیرون آید و به بهترین روش بیان شود تا انسان ها را از نظر روحانی ارتقا دهد. عقیده ای وجود دارد که می گوید که موسیقیدانان و سرایندگان که در معبد خدمت می کردند با دقت خاصی انتخاب شده بودند که گروه پرستشی معبد را هدایت و رهبری کنند.

چه تجربه مسرت بخشی در پرستش از طریق موسیقی داشته اید؟ چه اهمیتی یا تاثیری برای شما دارد؟

۱۱ شهریور

دوشنبه

تطهیر

بعد از اینکه کلام خداوند درباره تبرک دیوارهای شهر، گردآوری سرایندگان صحبت می کند، آیه بعدی، نِجْمِیا باب ۱۲: ۳۰، درباره تطهیر صحبت می کند. « کاهنان و لایوان اول خودشان را تطهیر کردند، بعد قوم را و در آخر دروازه ها و حصار شهر را ». ریشه عبری کلمه « تطهیر شده » به معنای پاک شدن، خالص شدن است، و در بسیاری از مقوله های متون در عهد عتیق بکار رفته است، از جمله برای آن دسته از کسانی که با عقیده پاک و خالص اخلاقی در برابر خداوند حاضر می شدند.

« اما اگر در نور گام برداریم، چنانکه او نور است، با یکدیگر رفاقت داریم و خون پسر او عیسی ما را از هر گناه پاک می سازد. اگر بگوییم بری از گناهیم، خود را فریب داده ایم و راستی در ما نیست. ولی اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او که امین و عادل است، گناهان ما را می آمرزد و از هر نادرستی پاکمان می سازد » (اول یوحنا ۱: ۷ تا ۹). این متون چه چیزی را به ما درباره ۱. ذات بشر ۲. آموزش خداوند ۳. قدرت خداوند در زندگی به ما تعلیم می دهد؟

معبد و خدمات آن جزو اجزای اساسی دین اسرائیل کهن بودند. اما معبد و خدمات آن وسیله ای برای رسیدن به هدف بودند، نه آنکه خودشان هدف غائی باشند. و البته آن هدف مردم را هدایت می کرد تا رابطه خود را با عهد خداوند و مسیح حفظ کنند و از قدرت تطهیر کننده او آگاه باشند. و این آگاهی از کردار خداوند، آگاهی از اینکه خداوند ما را نجات داده است تا ما را هدایت کند که او را دوست داشته باشیم و او را عبادت کنیم. به همین دلیل است که، بارها و بارها اسرائیل کهن آنچه را که خداوند برای آنان در گذشته انجام داده بود، برشمردند و تکرار کردند. این امر به آنان کمک می کرد تا محبت و نیکیوی او را درک کنند، که در کانون شادی و شکرگزاری قرار داشت که باید در اثر تجربه عبادت در آنان نفوذ کند.

امروز برای ما، تجربه و قدردانی از آمرزش خداوند برای گناهانمان، باید حس قدرشناسی و سپاسگزاری از خداوند و حس امیدواری و شادی را به همراه داشته باشد. پس این آسان است که خدا را ستایش نموده و قدردانی خود را برای شخصیت و ذات زیبای او بیان کنیم. و چه مکاشفه ای بزرگتر از این می توانیم از شخصیت خدا داشته باشیم و آن دیدن عیسی بر روی صلیب که به خاطر پرداخت گناهان ما به صلیب کشیده شد تا ما را از مجازات گناه برهاند.

بدون در نظر گرفتن گناهان شما در گذشته و یا شخصیت فعلی شما، در صلیب عیسی مسیح بخشودگی کامل گناهان شامل حال شما می شود و حتی در این لحظه و در همین مکان، چرا شما بخشودگی گناهان خود که مسیح به شما هدیه کرده را همین حالا مطالبه نمی کنید؟

سه شنبه

۱۲ آذر

دو گروه بزرگ هم سرایان شکرگزاری

نِحمیا باب ۱۲: ۳۱ تا ۴۲ را بخوانید. چرا موسیقی بخش مهمی از این جشن بود؟

دو گروه بزرگ همسرایان، بخشی از جلسه پرستشی در زمان نِحمیا بودند که در اطراف دیوار شهر اورشلیم راه می رفتند و همرا با نواختن آلات موسیقی سرود می خواندند. آنها از یک مکان مشترک شروع به حرکت می کردند، سپس از هم جدا می شدند و هر گروه در دو جهت مخالف هم در اطراف دیوارهای شهر حرکت می کردند. یک گروه بوسیله عزرا رهبری می شد کسی که در جلوی گروه قرار می گرفت، و در گروه دیگر نِحمیا قرار داشت که در پشت گروه جا می گرفت. دو گروه همسرایان بعد از دور زدن دیوارهای شهر در دروازه که به درب معبد نزدیک بود به هم می رسیدند و از آنجا به درون معبد می رفتند. روحانیون کسانی بودند که در شیپورها می دمیدند و تکمیل کننده صف ها در هر گروه بودند. هنگامی که دو گروه همسرایان وارد معبد می شدند در مقابل یکدیگر می ایستادند. این حرکت دست جمعی و جلسه عبادتی، به صورت فوق العاده ای سازماندهی شده بود.

برای اینکه به این سؤال پاسخ داد که چرا موسیقی بخش مهمی از جشن و جلسه عبادتی بود، ما باید به مفهوم معبد نظری بیاندازیم. موسیقی در معبد، کنسرتی برای سرگرمی و تفریح مردم نبود، مانند اینکه رفته باشند تا سمفونی چهارم بتهوون را در یک سالن کنسرت گوش کنند. در عوض، همانطور که نوازندگان می نواختند و سرایندگان سرود می خواندند، مردم در دعا و نیایش بودند و این بخشی از پرستش آنها بود.

در کانون اعمال عبادتی معبد، مراسم قربانی در نظر گرفته شده بود، خودش یک عمل نسبتاً ناخوشایند است. خوب بالاخره، آنها چه کار می کردند؟ مگر نه که، آنها گوی حیوانات بی گناه را می بریدند! نواختن این چنین موسیقی های زیبا به روش های مختلف، علاوه بر اینکه افکار مردم بسوی آسمان سوق می داد، کمک می کرد تا کل تجربه عبادت لذت بخش تر شود.

به نمونه های کتاب مقدس، جایی که در آن موسیقی از جنبه های مهم پرستش بوده است، نگاه کنید. به خصوص در خروج باب ۱۵: ۱، ۲؛ دوم تواریخ باب ۲۰: ۲۱، ۲۲؛ و مکاشفه باب ۱۵: ۲ تا ۴ تامل کنید.

هم در زمین و هم در آسمان، موسیقی بخشی از تجربه عبادت است. توجه داشته باشید که در آیات بالا، همهٔ سرودهایی که خوانده می شود درباره آنچه که خدا برای مردمش انجام داده، شامل «غلبه بر ددمنشی» است (بالاخره به چه طریق دیگری آنها می توانستند پیروز شوند؟). سرودهای پرستشی برای خداوند، به مثابه رستگاری اوست.

برخی از چیزهایی را نام ببرید که خداوند برای شما انجام داده است، که به عنوان دلایلی خوب برای خواندن سرود پرستشی برای او باشد.

۱۳ آذر

چهارشنبه

قربانی ها به عنوان بخشی از پرستش

نِحمیا باب ۱۲: ۴۳ را بخوانید. چه چیزی در مورد پیشکش «قربانی های بزرگ» به عنوان بخشی از مراسم پرستشی، خاص بود؟

قربانی ها مهم ترین جنبه ضروری مراسم پرستشی در طول دوران معبد بودند. چندین نوع مختلف قربانی، چه برای وعدهٔ بخشش گناهان و یا چه برای ابراز خوشحالی و تکریم خداوند برای قربانی کردن وجود داشت، قربانی ها به پرستش در معبد ماهیت می دادند، تا به عبادت کنندگان، حقیقت خدا را یادآوری، و بگویند که او چه کسی هست، آنان به ذریت وعده داده شده یعنی عیسی مسیح، آن کسی که حیات خود را به خاطر آنان داد اشاره می کردند، زیرا که او برهٔ خدا بود.

یوحنا باب ۱: ۲۹، ۳۶؛ اول قرنطیان باب ۵: ۷؛ و مکاشفه باب ۵: ۶، ۱۲، ۱۳ را بخوانید. آنها در مورد آنچه قربانی ها نهایتاً با آن اشاره داشتند، چه چیزی را به ما یاد می دهد؟ اگر اسرائیلی های باستان می توانستند از مرگ یک حیوان اهلی، آنقدر خوشحال باشند، چقدر دلیل بیشتر برای ما وجود دارد تا از مرگی که توانست حقیقت بیشتری را آشکار کند، خوشحال باشیم؟

توجه داشته باشید که تنها چندین بار عقیده شادی و مسرت در کتاب نحمیا باب ۱۲: ۴۳ بیان شده است. این بدان معنا است که در میان تکریم خداوند و شاید خوف از خدایی که مردم در جلسات پرستشی خودشان تجربه می کردند (به هر حال، کشتن یک حیوان به خاطر گناهان آنان یک امر جدی و مهمی بود)، خوشحالی و شادی هم وجود داشت. هنگامی که به خدا نزدیک می شویم باید با هیبت و حرمت، همینطور با خوشحالی و شادی باشد. مزمور ۹۵ بیان می کند که یک نیایش حقیقی، شامل دعوت به سرود خواندن، ابراز شادی و اجرای موسیقی برای تجلیل و تکریم از خدا (مزمور ۹۵: ۱) و همچنین سجده کردن در حضور خداوند (مزمور ۹۵: ۶) می باشد. تلاش برای دست یافتن به تعادل میان شادی و تکریم و تحسین در نیایش، برای ستایش و پرستش خالق مان بسیار مهم است.

هنگامی که فکر می کنیم که در روی صلیب، خالق همه مخلوقات (یوحنا ۱: ۱ تا ۳) برای گناهان خلقت خویش قربانی شد، ابتدا چه احساسی به ما دست می دهد؟ همچنین شادی چه نقشی را می تواند و باید در تجربه ما از صلیب بازی کند؟

پنجشنبه

۱۴ آذر

نقش کاهنان و لاویان در عبادت

نحمیا باب ۱۲: ۴۴ تا ۴۷ را بخوانید. چرا همه مردم یهودا از کاهنان و لاویان خرسند بودند؟ چرا آنان اشخاص مهمی بودند؟

کاری که کاهنان (که از لاویان بودند) انجام می دادند، سمبل چه چیزی را بود؟ به عبرانیان باب ۹: ۱ تا ۱۱ نگاه کنید.

« شفاعت مسیح در قبال انسان در معبد آسمانی همان اهمیت را دارد که مرگ او بر روی صلیب داشت. با مرگش کاری را شروع کرد که پس از قیامش از مردگان به آسمان رفت تا آن را کامل کند. ما باید با ایمان وارد پرده شدیم، جایی که آن پیشرو برای ما داخل شد. «. الن جی وایت، کتاب نبرد عظیم، صفحه ۴۸۹. [این کتاب به زبان فارسی موجود است]

بازهم، اگرچه مردم در گذشته نور امیدی که امروزه ما داریم نداشتند، آنها همین قدر درک کردند که دانستن کار لاویان، یعنی تنها کسانی که می توانستند در معبد خدمت کنند، از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. آنها خوشحال بودند که کار خداوند می تواند از طریق آنان انجام شود.

قوم خدا که با خواندن کلام خدا با او وقت گذرانده بود، دعا و عبادت کرده بود، در او حیاتی نو پیدا کرد. با این همه، آنها متوجه شدند که خدمات معبد ناچیز گرفته شده و نیاز به احیای مجدد دارد. اکنون مردم از آن امور که دوباره بنا شدند، یعنی کاری که لاویان از جانب آنان انجام می دادند، مسرور بودند. خداوند قوم را تحت تاثیر قرار داد مبنی بر این که خدمات معبد بخشی از طرح او برای عبادت بود.

متاسفانه، خادمین، معلمان کلام، نوازندگان و موسیقیدانان همه اغلب به خاطر دستمزدی که می گرفتند، خدمت می کردند. حتی در دوران نَحْمِیا، حمایت لاویان گاهی بسیار قوی و گاهی خیلی کم رنگ بود. لاویان بارها و بارها مجبور شدند که به منظور تامین مخارج خانواده هایشان به کارهای دیگری بپردازند، چرا که مردم پرداخت عשרها و هدایا خود را متوقف کرده بودند.

بدون پرداخت ده یک ها و هدایا، هیچ کلیسایی در جهان نمی تواند تشکیل شود. اگر بخواهیم که خدمات کلیسای ما ادامه یابد، باید خود را متعهد به حمایت از مُبلغان با کمک های مالی، و همچنین با قدردانی شفاهی و زبانی از آنان کنیم. کلیسا ممکن است هرگز بدون ایراد نباشد، اما نباید این مسئله باعث دلسردی و حمایت نکردن ما از آن بشود، ما باید به حمایت خود از کلیسا ادامه دهیم، تا کار خداوند در سراسر جهان بتواند ادامه یابد.

جمعه

۱۵ آذر

تفکری فراتر: بخوانید، «الن جی وایت»، خداوند با ما است ”، صفحه ۱۹ تا ۲۶، «آرزوی اعصار»؛ Saved to Sarve، صفحات ۹۵ تا ۱۰۷، در The Ministry of Healing.

« خداوند ادعا می کند که تمام زمین تاکستان اوست. اگر چه در حال حاضر در دست غاصبان است، ولی متعلق به خداوند است. و با بازخرید آن و خلاصی آن از دست شریر که کمتر از خلقت دوباره آن نیست، متعلق به او می شود. برای نجات و آزادی جهان قربانی داده شده است. (زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورَد هلاک نگردد، بلکه حیات جاویدان یابد) (یوحنا ۳: ۱۶). از طریق آن یک عطیه، همه انسان های دیگر هم از هدیه نجات بهره مند شدند. روزانه تمام

دنیا از برکات خداوند بهره مند می‌شوند. هر قطره ای از باران، هر پرتو نور بر روی نسل ناسپاس ما، هر برگ و گل و میوه، تحمل و صبر طولانی خداوند و عشق عظیم او نسبت به انسان را شهادت می‌دهند» *إِلن جی وایت*، پندهای مسیح، صفحات ۳۰۱ و ۳۰۲.

«در مسیح چه یهودی، چه یونانی، برده یا آزاد همه با خون ارزشمند مسیح در کنار هم قرار گرفتند و یکی شدند (غلاطیان ۳: ۲۸ و افسسیان ۲: ۱۳).

«هرچه که تفاوت اعتقادات مذهبی می‌خواهد باشد، فراخوان درد و رنج بشریت باید شنیده شود و جواب داده شود ...

«همه اطرافیان ما از نظر روحی ضعیف هستند، سعی کنید تا روح هایی که نیاز به کلمات تسکین دهنده و اعمال یاری بخش هستند را کمک کنید. بیهو زنانی وجود دارند که نیازمند کمک و همدردی هستند. یتیمانی وجود دارند که مسیح به پیروانش فرمود آنان را دریابید تا اعتماد خداوند را دریافت کرده باشید. اغلب اوقات این موارد با غفلت و بی توجهی، نادیده گرفته می‌شوند. آنها ممکن است، ظاهراً از طریق ناهنجاریهای مختلف از دست رفته باشند و با بی رحمی با آنان رفتار شده باشد، با این حال آنان به خداوند تعلق دارند. آنان به قیمت پرداخت خون گرانهای مسیح خریداری شده‌اند و در نگاه خداوند آنان همانقدر ارزشمند هستند که ما هستیم. آنها اعضای خانواده بزرگ خداوند هستند، و مسیحیان به عنوان وکیلان و نمایندگان خداوند مسئول مراقبت از آنان می‌باشند». *إِلن جی وایت*، پندهای مسیح، صفحات ۳۸۶، ۳۸۷.

سوالاتی برای بحث

۱. در کلاس، درباره پیدا کردن تعادل مناسب در عبادت، بین تکریم و شادمانی صحبت کنید، از طریق این سوال که: آیا حرمت و شادی در هر صورت، صرفاً در تقابل با یکدیگر می‌باشند؟

۳. اسرائیلیان دیوار شهر اورشلیم را تحت حمایت و حفاظت الهی ساختند، و طی مراسم افتتاحیه و وقف، اذعان کردند که دیوار بدون حمایت خدا، کاربرد و فایده ای نخواهد داشت. سلیمان بسیار خوب این را بیان می‌کند: «اگر خداوند خانه را بنا نکند، زحمت بنایان بی‌فایده است. هرگاه خداوند از شهر نگهبانی نکند، مراقبت نگهبانان بیهوده است» (مزمور ۱۲۷: ۱) این چه چیزی را باید به ما در مورد همه تلاش های ما برای خدمت به خدا بگوید؟

۳. نقش موسیقی در تجربه شخصی شما از پرستش در کلیسای خودتان چیست؟

۴. کتاب مقدس خیلی واضح و روشن می‌گوید: عیسی کاهن اعظم در مکان مقدس در آسمان است. چه کاری را او دقیقاً در آنجا برای ما انجام می‌دهد؟ خدمت کشیشان در معبد زمینی چه چیزی را به ما می‌تواند درباره آنچه که عیسی برای ما در آسمان انجام می‌دهد، بیاموزد؟



سه اخطار در آبخازیا

توسط اندرو مک چسنی، مبشر ادونتیست

والنتینا دیمیتزینکوک که قصد داشت تا ذرت پیدا کند تا بتواند نان لواش لپیوشکا را برای خانواده اش بپزد، با عجله به بازار در آبخازیا، به یک منطقه دور افتاده اتحاد جماهیر شوروی سابق در گرجستان رفت. او پول زیادی نداشت و جنگ داخلی طولانی مدت در شهرش سوخومی باعث کمبود شدید غذا شده بود.

والنتینا زنی را دید که دانه های ذرت را که در یک گونی بود، می فروشد؛ اما پول کافی نداشت. والنتینا ساکت ایستاد و فکر کرد «چطور شکم خانواده ام را سیر کنم؟»

ناگهان، احساس کرد که کسی شانه سمت چپش را لمس می کند و بطور دوستانه و صدایی قاطعانه به او گفت «والیا، همین الان از اینجا دور شو!». درحالی که می ترسید بیرون رفت و نگاهی انداخت اما کسی آنجا نبود. والنتینا لحظه ای گیج و مبهوت ایستاد؛ اما فکرش مستقیماً به شوهرش پاول که به عنوان شبان ادونتیست کار می کرد و دختر ۱۶ ساله شان ناتاشا معطوف شد. او به زن که ذرت گران قیمت را می فروخت نگاه کرد. دوباره او احساس کرد که کسی بر شانه اش زد. «والیا همین الان از اینجا دور شو!»

والنتینا درحالی که احساس می کرد مشکلی وجود دارد، سراسیمه به طرف خروجی رفت اما دو نفر همسایه یعنی یوری و تایشا را دید و ایستاد و احوال پرسى نمود. بعد دید که زنی جاروی دستی می فروشد و پرسید که قیمت جارو چقدر است؟

او برای سومین بار آن ضربه را بر شانه اش احساس نمود. «والیا، همین الان از اینجا دور شو!»

والنتینا فرار کرد. دو دقیقه بعد، او صدای وحشتناک توپ توپخانه را که از بالای سرش زوزه کنان رد می شد را شنید. دو توپ دیگر پی در پی شلیک شد. والنتینا در مسیرش ناگهان ایستاد و تیکه صدای شدید انفجار در کل شهر

پیچید. والتینا ابر بزرگی از دود و گرد و غبار را دید که از بازار بالا می رود. وقتی که به سوی خانه دوید اشک از گونه هایش سرازیر شد و دعا کرد « خدایا، به خاطر اینکه مرا نجات دادی سپاسگزارم! اما من که هستم؟ چرا مرا محافظت نمودی؟ »

بعداً، والتینا به بازار برگشت و آثار دود را که از انفجار مانده بود در هوا دید. دو اثر انفجار دقیقاً درجایی بود که او ایستاده بود و به ذرت ها و جارو خیره شده بود.

با یادآوری آن روز در سال ۱۹۹۳، والتینا اغلب در مورد اشعیا باب ۴۳ آیه ۲ تفکرمی کند؛ جاییکه خداوند می گوید: « هنگامی که از آبهای عمیق بگذری من با تو خواهم بود. هنگامی که سیل مشکلات بر تو هجوم آورد، نخواهم گذاشت غرق شوی! هنگامی که از میان آتش ظلم و ستم عبور کنی، شعله هایش تو را نخواهد سوزاند ».

والتینا در سمت چپ تصویر، می گوید که توپ توپخانه به مانند آتشی است که مردم را می سوزاند؛ اما خدا قول می دهد که « من با تو خواهم بود. ما به خدا این حق را می دهیم تا از ما محافظت کند وقتی که با او راه می رویم و با او زندگی می کنیم. تمام عمر زندگیمان یک زندگی ای برای خدمت بوده است. چرا مسیح به جهان آمد؟ برای خدمت، همانطور که الن وایت می گوید. این هدف زندگیمان شده است: خدمت کردن ».

مردم لغزش خورده



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: نِجْمِیا ۱۳: ۱ تا ۹؛ تثنیه ۲۳: ۳ تا ۶؛ نِجْمِیا ۱۳: ۱۰ تا ۱۴؛ اعداد ۱۸: ۲۱ تا ۲۴؛ نِجْمِیا ۱۳: ۱۵ تا ۲۲؛ یوحنا ۵: ۵ تا ۱۶.

آیه حفظی: «به لایوان دستور دادم که خود را تطهیر سازند و به نگهبانی دروازه‌ها بپردازند تا از نگه داشته شدن روز سبت اطمینان حاصل شود. خدایا برای این کارها نیز مرا به یادآور و برحسب بزرگی محبت پایداری مرا ببخش» (نِجْمِیا ۱۳: ۲۲).

در فاصله بین باب‌های ۱۲ و ۱۳، نِجْمِیا به بابل باز می‌گردد. اگرچه ما نمی‌دانیم چه مدت در آنجا نبوده است، هنگامیکه او باز می‌گردد (احتمالاً در حدود بین سال‌های ۴۲۵ - ۴۳۰ ق.م.)، آنها به گذشته رجعت کرده بودند. اگرچه آنها با خداوند در رابطه با مسائل زیر عهد بسته بودند: اول، با بت پرستان ازدواج نکنند؛ دوم: مقررات روز سبت را رعایت کنند؛ سوم: برای حمایت از معبد و خادمین آن، ده یک از درآمد خود و هدایائی را بدهند (نِجْمِیا ۱۰). آنها تمام این وعده‌ها را نقض، و آنها را رعایت نکردند.

در آن زمان که نِجْمِیا بازگشت، او فهمید که آنها در تعهدات خود نسبت به خدا اهمال ورزیده‌اند. مردم پرداخت عشرها و هدایا به معبد را متوقف کرده بودند، و شروع به استفاده از حجره‌های معبد برای مقاصد دیگری نموده، مقررات روز سبت را بطور صحیح و به درستی رعایت نکرده و حتی با قوم‌های بت پرست اطراف ازدواج کرده‌اند. و از همه بدتر، رهبری قوم بود که پرداخت هزینه خدمات معبد از اعانه‌ها را نادیده گرفته بود و باعث زوال رابطه اسرائیلیان با خدا شده بود. جای شگفتی نیست که نِجْمِیا وقتی این مسئله را فهمید که چقدر همه چیز تغییر کرده، در هم شکست. با این حال، به

جای اینکه اوضاع را به همان صورت که هست، بپذیرد، یکبار دیگر همانطور که شخصیت باطنی او مشتاق بود، برای جلال خداوند اقدام کرد.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۳ آذر - ۱۴ December آماده شوید.

۱۷ آذر

یکشنبه

رهبری فاسد معبد

نِحْمِیا باب ۱۳ با نگرانی در مورد عمونیان و موآبیان، بیگانگان/ بت پرستان میان آنها (نِحْمِیا ۱: ۱۳ تا ۳)، شروع می‌شود. این آیات در مورد بیرون راندن افراد بیگانه و از ملتها و یا نژادهای دیگر از میان کسانی که خدا را پیروی می‌کنند، صحبت نمی‌کنند، بلکه به جای آن، این آیات پیشنهاد می‌کند که کسانی را از میان خود بیرون کنید که داری اعتقاد و باور دیگری هستند - تغییر مذهب نداده اند، بلکه بت پرست هستند (تثنیه ۲۳: ۳ تا ۶).

نِحْمِیا باب ۱: ۱۳ تا ۹ را بخوانید. الیاشیب و طوبیا چه کسانی بودند؟ چرا کاری که آنان انجام دادند، غیر قابل قبول نیست؟ به نِحْمِیا ۲: ۱۰، ۱۹: ۳، ۱: ۱۲، ۱۰: ۲۲، ۱۳: ۲۸.

هم الیاشیب و هم طوبیا، شخصیت های شناخته شده ای در کتاب نِحْمِیا هستند. الیاشیب کاهن اعظم قوم اسرائیل بود و همچنین مسئول معبد بود. و به طوبیا به عنوان عمونی دشمن نِحْمِیا اشاره شده، کسی که شدیداً مخالف کار نِحْمِیا در اورشلیم بود. اتحاد الیاشیب و طوبیا، این عقیده را بوجود آورده که رابطه ای از طریق ازدواج بین آنها بوده است. با وجود این، گزارش مربوط به این رابطه از طریق ازدواج در جایی درج نشده است، ما می دانیم که طوبیا دارای نامی با ریشه عبری بوده (به معنی خداوند نیکوست)، و بنابراین به احتمال زیاد او دارای پیشینه یهودی بوده است. اعتقاد بر این است که خانواده همسر او از نسل هارون مرتبط با خانواده الیاشیب بوده، هرچند تأیید نشده است. علاوه بر این سنبلط حورونی، مخالف دیگر نِحْمِیا، دختری داشت که با نوه پسر الیاشیب ازدواج کرده بود. بنابراین، در این قلمرو فتنه و دشمنی در اطراف و بر علیه نِحْمِیا، باید به علت اینکه مقامات عالی رتبه در آن سرزمین با یکدیگر ارتباط داشته اند، قوی بوده باشد.

در طول غیبت فرماندار، کاهن اعظم معبد، یکی از حجره های معبد که برای نگهداری عשרها، هدایا و بخشش ها در نظرگرفته شده بود را به طوبیا داد. به طوبیا در معبد اقامت دائم اعطا شده بود، و این راهی برای او بود که یکی از رهبران قوم بشود. در نهایت دشمنان نِحْمِیا به تمامی آنچه که می خواستند، دست یافتند: تا مسئولیت را از

نِحمیا گرفته و خودشان مسئولیت را به عهده بگیرند. خوشبختانه، نِحمیا قصد نداشت تا گوشه ای بنشیند و هیچ اقدامی نکند.

آیا قوم خداوند در طول سراسر تاریخ روحانی - چه یهودیان در اسرائیل باستان و چه مسیحیان که در دوران عهد جدید و یا بعد از آن، آنان را پیروی کردند - به راحتی به خودشان اجازه دادند تا با گمراهی رهبری شوند؟ چگونه می توانیم از انجام اشتباهی مانند آنان، اجتناب کنیم؟

۱۸ آذر

دوشنبه

لاویان در کشتزارها

نِحمیا باب ۱۳: ۱۰ تا ۱۴ را بخوانید. در اینجا نِحمیا به دنبال ترمیم چه چیزی است؟

سرایندگان، محافظان دروازه ها، و دیگر خدمتگزاران معبد مجبور بودند تا به سر کارهای خود در کشتزارهایشان به منظور تامین مخارج خانواده هایشان برگردند، زیرا دیگر کار خدا از طرف قوم حمایت و پشتیبانی مالی نمی شد. کل عشرها و هدایا که به سختی بنا شده بودند حالا از بین رفته بودند. نِحمیا مجبور بود همه چیز را از اول شروع کند. اقدام نِحمیا در بیرون انداختن همه چیز از حجره نشان دهنده یأس و ناامیدی است. « نه تنها به معبد بی حرمتی شده بود، بلکه از پیشکشا سوء استفاده شده بود. این امر موجب شده بود تا مردم از هدیه دادن نومید شوند. آنان شور و حرارت خود را از دست داده بودند. و مایل نبودند تا عشریه خود را بپردازند. خزانه های خانه خدا بطور ناچیزی تامین می شد و بسیاری از سرایندگان و دیگران که در خدمات معبد به کار گرفته شده بودند به اندازه کافی پشتیبانی نمی شدند و کار خدا را رها کرده و در جای دیگری کار می کردند » [۱۸ جی وایت، انبیا و پادشاهان، صفحه ۴۹۴]. [این کتاب به زبان فارسی موجود است].

جالب توجه است که، همه ی یهودیان دوباره دور هم جمع شدند و آنچه که خراب شده بود را بازسازی کردند، مردم در کنار نِحمیا و بر علیه طوبیا و الیاشیب بودند، چراکه آنها باید متوجه شده باشند که هر آنچه نحمیا انجام داده است می توانسته به خاطر منافع آنان باشد. علاوه بر این، نِحمیا مسئولیت نظارت بر املاک معبد را به مردانی سپرد که وفادار و در ایمان شاخص و قابل اعتماد بودند. آنها مسئول جمع آوری عشرها و هدایا بودند، و اطمینان حاصل می کردند که کالاها بطور صحیح و مناسب ذخیره و بطور عادلانه بین گروه های مردم توزیع گردد. به عبارت دیگر، ظاهراً نِحمیا با ورودش به اورشلیم سیستم فاسد رهبری را یکباره از هم پاشید و ریشه کن کرد.

اگرچه نَحْمِیا، مردان با ایمان را برای نظارت بر تشکیلات معبد منصوب کرد، کاهن اعظم فاسد، یعنی الیاشیب، مقام خود را از دست نداد، زیرا این امر فقط بوسیله شخصی از نسل هارون امکان پذیر بود. ممکن است کار او با انتصاب دیگران بر برخی از مسئولیتهای کاهن بزرگ مختل شده باشد، اما او همچنان کاهن اعظم بود.

نَحْمِیا دعا کرد، «ای خدای من، کارهایی را که برای معبد بزرگ و نیایش در آن انجام داده ام را به یادآور» (نَحْمِیا ۱۳: ۱۴). چه چیزی در مورد این دعا بسیار بشری است؟

۱۹ آذر

سه شنبه

ده یک ها و هدایا

اصلاحات نَحْمِیا در خدمات معبد شامل اجرایی کردن ده یک ها و هدایا بود.

اعداد باب ۱۸: ۲۱ تا ۲۴؛ ملاکی ۳: ۱۰؛ متی ۲۳: ۲۳؛ اول قرنطیان ۹: ۷ تا ۱۴؛ دوم قرنطیان ۹: ۶ تا ۸؛ عبرانیان ۷: ۱، ۲ را بخوانید. این متون چه چیز مهمی را درباره ده یک ها و هدایا نه تنها در جلسات معبد، بلکه همچنین امروزه، به ما می گویند؟

ابدون جمع آوری عشرها و هدایا، معبد نمی توانست به کار خود ادامه دهد. هنگامی که پرداخت ده یک ها متوقف شد، خدمات معبد هم متوقف شد، و کل نظام عبادت در معرض خطر قرار گرفت. کارکنان معبد به دنبال یافتن کار دیگری به منظور تامین و سیر کردن شکم خانواده هایشان رفتند، آنها نمی توانستند بیش از این برروی حمایت امور معبد حساب کنند، در نتیجه کار عبادت خدا کاهش یافت.

«قاعده عشر در عین سادگی، کاری پسندیده است. حقانیت و یکسان نگری آن بین ثروتمند و فقیر تناسب را آشکار می کند. به همان نسبت خدا به ما اجازه داده تا از دارایی او استفاده کنیم، بنابراین ما باید مقداری از آنچه او به ما بخشیده را به او برگردانیم.

«هنگامیکه خدا ما را دعوت به پرداخت عشر می کند (ملاکی ۳: ۱۰)، او از ما به خاطر آن قدردانی نمی کند و یا خواهان سخاوتمندی ما نیست. اگرچه تکریم و سپاسگزاری باید بخشی از همه بیانات ما نسبت به او باشد، ما ده یک از درآمد خود را به خدا برمی گردانیم زیرا که این یکی از فرامین اوست. عشر متعلق به خداست و او می خواهد که ما آن را به او بازگردانیم» - عقاید ادونتست های روز هفتم ... (چاپ دوم) (انتشارات پاسفیک پرس شهر بویز ایالت آیداهو، سال ۲۰۰۵)، صفحه ۳۰۴.

همانطور که در معبد اسرائیل اتفاق افتاد، در کلیسای ما هم می‌تواند در اثر حمایت مالی نشدن از طرف اعضای آن بوسیله پرداخت نکردن عשרها و هدایا اتفاق بیافتد و کلیسا انحطاط یابد. خدمات کلیسای ما نمی‌تواند، بدون مردمی که به آنها حقوق داده می‌شود تا وقت خود را صرف مدیریت، برنامه ریزی و انجام کارهای بشارتی کلیسا را برای خدا انجام می‌دهند، به وظیفه خود عمل کند. همچنین کیفیت عبادت خدا هم ممکن است تقلیل یابد. مهم‌تر از همه، بدون پرداخت ده یک‌ها و هدایا به کلیسا، بشارت انجیل امکان پذیر نخواهد بود.

علاوه براین، ما عشر خود را می‌پردازیم به علت اینکه خدا این قاعده را در کلام خویش بنیان نهاد. برخی اوقات، خداوند نیازی ندارد که برای ما شرح دهد که چرا او وظیفه ای را مقرر کرده که انجام دهیم. او انتظار دارد که ما به او اعتماد کنیم که همه چیز تحت کنترل اوست. ما باید به دنبال چگونگی کار این سیستم بوده و از آن مطلع باشیم، اما بعد از آن وظیفه ما این است که همه چیز را به دست او بسپاریم و به او اعتماد کنیم.

چرا ده یک برای وضعیت روحانی ما بسیار مهم هست، و به عنوان معیار سنجش اعتماد ما به خدا است؟

۲۰ آذر

چهارشنبه

تجارت تهیه شراب در روز سبت

نِجْمِیا ۱۳: ۱۵ و ۱۶ را بخوانید. نِجْمِیا در اینجا به چه مشکلی اشاره می‌کند؟

این آسان نیست که به خاطر خدا ایستاد، هنگامی که شما در اقلیت قرار دارید. از آنجا که خدا فرموده است که روز سبت باید به عنوان یک روز مقدس محترم شمرده شود، و هیچکس در این روز نباید هیچکاری انجام دهد، نِجْمِیا قصد داشت تا مطمئن شود این فرمان خداوند در شهر اورشلیم پیروی و اجرا شود. بدون شک او احساس کرد که نسبت به اجرای این حکم، تعهد اخلاقی دارد پس برای اجرای آن موضع خود را اعلام کرد و برای اجرای احکام آن اقدام کرد.

سبت به عنوان آخرین عمل از هفته خلقت به وجود آمد، زیرا که این روز، روز خاصی بود که مردم باید از طریق گذراندن وقت با خدا، رابطه خود را با او احیا و تجدید عهد کنند، به گونه ای که آنها در این روز مشغول به کار خود و سایر فعالیت ها و حرفه های دنیوی نباشند. گفته شده است «بیشتر از آنکه اسرائیل روز سبت را نگه داری کند، سبت از اسرائیل محافظت کرد». این نکته اشاره دارد که روز هفتم - روز سبت بود، و همچنان، یک مفهوم

قدرتمند برای کمک کردن به حفظ ایمان در کسانی هستند که بوسیله فیض خداوند در پی رعایت آن و لذت بردن از مزایای مادی و روحانی که این روز به ما هدیه می‌کند.

نِحمیا ۱۳: ۱۷ تا ۲۲ بخوانید. نِحمیا به منظور توقف « خرید و فروش » در روز سبت چه اقدامی را انجام داد؟

از آنجا که نِحمیا فرماندار یهودا بود، او نقش خود را به عنوان کسی می بیند که باید مجری قانون باشد. از آنجا که قوانین در یهودا بر اساس احکام خدا بودند، او محافظ احکام، از جمله سبت شد. شاید اگر اربابان یهودا برای فسادى که توسط کاهن بزرگ بوجود آمده بود، ایستادگی و مخالفت می کردند، نِحمیا نمی توانست خود را در شرایط انجام این وظیفه بزرگ بیابد. به هرحال، حاکمان و اربابان شاید تا به حال از نِحمیا به خاطر اینکه آنان را مجبور کرده بود که به فقیران کمک کنند، متنفر بودند. به این ترتیب، به نظر نمی رسد که آنها با تغییراتی که الیاشیب و طوبیا ایجاد کرده بودند، مشکلی داشته باشند و مخالفت کنند.

نِحمیا ابتدا اربابان را سرزنش می کند و سپس به آنها فرمان می دهد تا دروازه های شهر را بسته و خادمین را برای محافظت از آن بفرستند. هنگامی که محل خرید و فروش به سادگی از داخل به خارج شهر منتقل شد، او حتی تدابیر شدیدتری را در نظر می گیرد و تهدید می کند که روز سبت بعدی مانع کار تاجران خواهد شد. نِحمیا باید مردی بوده باشد که به کلام خود عمل می کرده است، زیرا که تاجران منظور او را فهمیدند و از کاری که انجام می دادند، عقب نشینی کردند.

۲۱ آذر

پنجشنبه

آیا پدران شما بدینسان عمل نکردند؟

غیرت و تعصب نِحمیا برای حرمت دادن به حفظ سبت قابل تحسین است. نِحمیا بسیار علاقمند بود که روز سبت بطور مناسب و صحیح آن نگه داشته شود، بطوری که او حتی قول داد که دست تاجران دیگر ملت ها را از آن کوتاه کند. به عبارت دیگر، او شخصاً می خواهد که در این کار مداخله کند، خواه با دستگیری آنها در شهر یا با ایجاد دروازه برای مانع ورود آنها در روز سبت شد. او به عنوان یک فرماندار رسماً مسئولیت داشت، که اطمینان حاصل کند، تا این حکم به درستی اجرا شود.

نحمیا بی باکانه آنان را بخاطر قصور از وظیفه سرزنش نمود. او به تندی به آنان گفت: این چه کاری پلیدی است که انجام می دهید و روز سبت را بی حرمت می کنید؟ آیا

نیاکان شما با چنین کاری باعث نشدند که خدا این همه بلا بر ما و بر این شهر وارد بیاورد؟ و هنوز شما سبت را بی حرمت می کنید و خدا را بیشتر بر اسرائیل خشمگین می سازید. بنابر این او دستور داد تا دروازه های اورشلیم قبل از شروع تاریکی و قبل از آغاز سبت بسته شود و دوباره گشوده نشود تا این که سبت پایان گیرد. و او به خدمتگزاران خودش اطمینان بیشتری نسبت به آنانیکه مأمورین اورشلیم بودند، داشت، او آنها را بر دروازه ها گمارد تا مطمئن شود که دستورات او را اجرا شوند». «الٰن جی وایت، انبیا و پادشاهان، صفحات ۴۹۴ و ۴۹۵.

هشدار نِجَمیا در مورد بی حرمتی روز سبت، ظاهراً با سایر هشدارها در مورد نقض آن حتی تا به زمان عیسی مسیح از طریق نسل ها ادامه داشته است. ما این را می دانیم، زیرا که انجیل ها بارها تلاش و مبارزه عیسی با رهبران دینی را بر سر حفظ روز سبت به تصویر کشیده اند.

متی باب ۱۲: ۱ تا ۸، مرقس ۳: ۱ تا ۶، لوقا ۶: ۶ تا ۱۱، و یوحنا ۵: ۵ تا ۱۶ را بخوانید. موضوع در اینجا چیست، و چگونه درک تاریخ اسرائیل باستان می تواند به شرح اینکه چرا این مناقشات مطرح شده است، کمک کند؟

در تعصب آنها، هرچند اشتباه، برای اینکه مطمئن شوند که سبت «بی حرمت» نشود، رهبران دینی خیلی تعصب داشتند که عیسی را که «صاحب روز سبت» بود به نقض سبت متهم کنند (لوقا ۵: ۶). صحبت کردن در مورد کارهای نیکو بعید است! مسخره است! هنگامی که خیلی از این انسان ها نگرانی زیاد در مورد اجرای احکام را بیان می کنند، آنها فراموش می کنند «وای بر شما ای علما و فریسیان ریاکار، شما از نعناع و شوید و زیرا ده یک می دهید، اما مهمترین احکام شریعت را که عدالت و رحمت و صداقت است، نادیده گرفته اید. شما باید اینها را انجام دهید و در عین حال از انجام سایر احکام نیز غفلت نکنید» (متی ۲۳: ۲۳).

چگونه می توانیم به عنوان یک فرد مستقل، و یا به عنوان یک کلیسا، مراقب باشیم تا همان اشتباه را که آن انسان ها انجام دادند مرتکب نشویم، چه در مورد نگه داشتن حرمت سبت و یا در مورد چیز دیگری که برای ایمان ما مهم است؟

جمعه

۲۱ آذر

تفکری فراتر: بخش وجد و شادمانی در خدا، صفحه ۷۶ تا آخر، از کتاب گامهائی بسوی نور نوشته الن جی وایت را بخوانید.

« همانطور که در نزد آنان فرامین خدا و تهدیدات او و داورهای هراسناکی که خداوند در گذشته در مورد قوم بنی اسرائیل به خاطر این گناه دیده شده بود را بیان کرد، ضمیر باطنی آنان بیدار شد و کار تهذیب شروع شد تا خشم و تهدید خدا از آنان برگردد و رحمت و برکت او را به ارمغان بیاورد.

برخی متصدی امور روحانی بودند که برای همسران بت پرست خود عرضحال داشتند و اظهار می داشتند که آنان نمی توانند زنان خویش را از خود جدا سازند. ولی هیچ امتیاز و برتری به مقام و رتبه آنان نشان داده نشد. هر کسی که در میان کاهنان و یا حاکمان از انفصال با بت پرستان استنکاف نمود بلادرنگ از خدمت به خدا منفصل گردید. نوه پسری کاهن اعظم که با دختر سنبلط بدنام ازدواج کرده بود نه تنها از تصدی خود عزل گردید بلکه بی درنگ از اسرائیل تبعید شد. نحμία دعا کرده گفت: ای خدای مت ایشان را بیاد آور، زیرا که کهنات و عهد کهنات و لایوان را بی عصمت کرده اند - « الن جی وایت، انبیا و پادشاهان، صفحه ۴۹۶.

سوالاتی برای بحث

۱. نقل قول بیان شده از خانم الن جی وایت را در بالا بخوانید. در کلاس درباره آنچه که نَحْمِیا انجام داد و هیچ استثنایی را حتی برای کسانی که به نظر می آید که واقعاً همسرانشان را دوست داشتند و نمی خواستند از آنان جدا شوند، صحبت کنید. آیا شما فکر می کنید نَحْمِیا بیش از حد سازش ناپذیر و سخت گیر بوده است، و می توانسته برخی استثنایها را قائل شود؟ چرا و چرا نه؟ در این چارچوب، چگونه کلیسا می تواند تأدیب را در محبت و خرد بکار گیرد و هم زمان، ثابت قدم و استوار در معیارهای خداوند باشد و از حقیقت کوتاهی نکند؟

۲. اگرچه ما می دانیم که هیچ قانونی در مورد نگه داشتن روز هفتم سبت وجود ندارد - همانطور که هیچ قانونی در مورد طمع، دزدی، دروغ گفتن، وجود ندارد - چگونه می توانیم مراقب باشیم که حفظ سبت (یا اطاعت از هر یک از فرامین) تبدیل به چیزی که قانونی باشد، نشود؟ چرا حفظ صلیب و آنچه که مسیح بر روی آن انجام داده، همیشه در نزد ما، قویترین محافظ ما در برابر نیافتدان در تله قانون گرای است؟

۳. در عین حال، چگونه می توانیم خود را در برابر خطرات ناشی از سازش تدریجی اما مداوم، همانند چیزی که نَحْمِیا با آن مواجه بود، محافظت کنیم؟



رازی برای خانه شاد

توسط اندرو مکچسنی، مبشر ادونتیست

خانه برای هیزل مویو مکانی شاد نبود. در گواندا که شهری کوچک در کشور زیمبابوه بود، پدرش مشروبات الکلی می نوشید و والدینش اغلب مشاجره داشتند. هیزل مدت طولانی بود که آرزو داشت تا خانواده ای شاد داشته باشد. در سن ۱۴ سالگی، هیزل تصمیمی گرفت که بر اساس آن یک سلسله وقایعی را رقم زد که خانه اش را برای همیشه تغییر می داد. او شروع به رفتن به کلیسا کرد. او دید که دیگر بچه ها به مراسم روز یکشنبه می روند و او هم خواست تا برود. بنابراین، او برادر ۹ ساله اش را بغل کرد و به آنجا رفت.

پس از دبیرستان، هیزل یک آگهی را در مورد دانشگاه سولوسی دید که یک موسسه ادونتیست روز هفتمی بود که دو و نیم ساعت با اتوبوس با خانه اش فاصله داشت. او با متصدیان دانشگاه ملاقات نمود وقتی که آنها از شهرش بازدید می نمودند و پدرش موافقت کرد که شهریه دانشگاهش را بپردازد.

در سولوسی، هیزل به گروه پرستشی پیوست و در مورد سبت سوالات زیادی پرسید. یکی از اعضای گروه که شبانی جوان و متاهل بود و نامش الیت نیاتانگا بود اعلام کرد که « من می خواهم این دختر، دختر من باشد. هر چهارشنبه دعا خواهم کرد تا او خدا را بشناسد » پنج تن از دیگر اعضای گروه از پیشنهادش خوششان آمد و همگی با هیزل در دعا کردن مشارکت نمودند.

به مدت سه ماه آنها دعا کرده و روزه گرفتند. سپس دانشگاه سولوسی یک هفته را وقف دعا کرد و هیزل تعمیم گرفت.

وقتیکه هیزل بیست و سه ساله شد، الیفت او را با کتاب « پیامهای یی برای جوانان » نوشته الن جی وایت آشنا نمود. قلب هیزل با خواندن پیشنهادی که در مورد خانواده شاد بود، لمس شد. او خواستار خانواده ای شاد بود.

او گفت: « من یاد گرفتم که چگونه می توان به والدینی تندخود نزدیک شد، چگونه می شود مشکلات را با والدین در میان گذاشت و چگونه می توان به والدین افتخار کرد ».

یکی از متن های مورد علاقه ام می گوید « خیلی از کودکان اظهار می کنند

که خواهان دانستن حقیقت هستند، کودکانی که افتخار و محبت را به والدینشان اظهار نمی کنند که به آنها مربوط می شود؛ کسانی که آنرا آشکار می کنند اما با محبتی جزئی نسبت به پدر و مادر و بوسیله برآورده نساختن آرزوهای پدر و مادر که موجب افتخار برای آنها می شوند، شکست می خورند؛ یا اینکه از تسلی یافتن از اضطراب و نگرانی باز می مانند». (صفحه ۳۳۱).

شادی خانه هیزل را پر می کند وقتی که او از اندرز های کتاب مقدس پیروی می کند.

سپس به هنگام زنگ تفریح در مدرسه، هیزل از والدینشان خواست تا بیایند و کتاب مقدس بخوانند و قبل از رفتن به رختخواب دعا کنند. آنها از پیشنهاد هیزل استقبال نمودند! در عصر روز بعد، مادر از هیزل خواست تا دوباره کتاب مقدس بخواند و دعا کند. طولی نکشید که خانواده هر روز صبح و عصر عبادت و دعا داشتند.

شادی حالا در خانه آنها نفوذ می کند و هیزل دارد به خانواده اش دعا می کند تا آنها تعمید بگیرند.

هیزل، در سمت چپ تصویر، گفت: «حال ما خانواده ای شاد هستیم، خانواده ای که من همیشه خواستار آن بوده ام».

قسمتی از هدایای سیزدهمین سبت ۲۰۱۵ به دانشگاه سلوسی جهت دو برابر کردن اندازه کافه تریا از ۵۰۰ صندلی به ۱۰۰۰ صندلی، اختصاص یافته است. به خاطر هدایای سهم بشارتی که موجب شده است تا مدارس ادونتیسست همچون سلوسی با روح القدس کار کند تا خانواده ها تا ابد عوض شوند، سپاسگزاریم.

برخورد با تصمیمات بد



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: نِجْمِیا ۱۳: ۲۳ تا ۲۵؛ تثنیه ۷: ۳، ۴؛ دوم قرنثیان ۶: ۱۴؛ عزرا ۹، ۱۰؛ اول قرنثیان ۷: ۱۰ تا ۱۷.

آیه حفظی: «و گفتم: ای خدا، آن قدر شرمگین هستم که نمی‌توانم سر خود را در حضور تو بلند کنم. گناهان ما انباشته شده و از سر ما نیز گذشته است و به آسمانها می‌رسد» (عزرا ۹: ۶).

همانطور که دیده ایم، کتاب مقدس پر از توصیف نگرانی خداوند برای فقرا و ستمدیدگان است، همانطور که خداوند از قومش می‌خواهد که از جانب او در این زمینه اقدام کنند. با وجودِ اهمیتی که به این مسائل می‌دهد، با این حال این فرمان کتاب مقدسی، تنها بطور پراکنده و ناقص انجام شده است و تنها با بازگشت مسیح و انجام وقایع فرا طبیعی در روزهای آخر بصورت کامل اجرا خواهد شد.

تا آن زمان، شریر به گونه‌های مختلف به وسوسه و سماجتش در این امور، بوسیله نفوذ روح‌های ظلمانی شیطان و فرشتگانش، ادامه می‌دهد. اغلب این شرارت، در فقر، خشونت، ظلم، بردگی، استثمار، خودخواهی و حرص و طمع به وضوح قابل رویت است. در چنین دنیایی، جوامع ما، کلیسا‌های ما، و خانواده‌های ما، باید در برابر این شرارت ایستادگی کنند، مهم نیست که چقدر سخت باشد، ولی باید این کار انجام شود. در پاسخ به محبت و دستورات خداوند و زندگی در پرتو خدمت و فداکاری مسیح و در قدرت و هدایت روح القدس، ما باید با مهربانی، خلاقیت، و با شجاعت در پی آن باشیم که «عدالت را بجا آوریم و محبت پایدار داشته باشیم و با مشارکتی فروتنانه با خدای خود زندگی کنیم» (میکاه ۶: ۸).

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای سبت روز ۳۰ شهریور - ۲۱ September آماده شوید.

واکنش نِحْمیا

نِحْمیا باب ۱۳: ۲۳ تا ۲۵ را بخوانید. در اینجا چه اتفاقی افتاد، و چگونه می توانیم واکنش نِحْمیا را به این وضعیت را شرح دهیم؟

از آنجائی که کودکان، به زبان آرامی (زبان مورد استفاده در دوران تبعید) و یا عبری صحبت نمی کردند، آنها نمی توانستند تعالیم کتاب مقدس را بفهمند. این مشکل جدی بود، چرا که شناخت و مکاشفه خداوند می توانست تحریف و یا حتی از بین برود. بیشتر کاتبان و کاهنان در تورات به منظور واضح ساختن موعظه به زبان آرامی، آن را تفسیر می کردند. به هر حال، از آنجائی که مادران از نسل آمون، اشدود، و موآب بودند و بطور کلی مراقبین اصلی کودکان بودند، جای شگفتی نیست که کودکان نیز به زبان پدرانشان صحبت نکنند. زبانی که ما صحبت می کنیم، نشان دهنده طرز تفکر ما در مورد مفاهیم است، چرا که ما واژگانی از همان فرهنگ را استفاده می کنیم. از دست دادن زبان کتاب مقدسی می توانست به معنای از دست دادن هویت ویژه آن باشد. بنابراین، برای نِحْمیا این غیر قابل تصور بود که خانواده ها تحت تاثیر قرار گرفتن بوسیله کلام خدا را از دست بدهند و در نتیجه ارتباط آنان با خدای زنده، پروردگار عبرانیان گسسته شود.

پژوهشگران کتاب مقدس اشاره می کنند که نِحْمیا احتمالاً، به عنوان بخشی از مجازات در عموم آنان را خوار و سرافکنده می کرده، آنگونه که در آن دوران، باب بوده است. هنگامی که می گوید، نِحْمیا آنان را ملامت و لعنت کرد، نباید فکر کنیم که نِحْمیا از زبان و اصطلاحات زشت و نادرست استفاده کرده است، بلکه به این معنی است که او برای آنان لعنت های عهد را بیان می کند. تثنیه باب ۲۸ لعنت هایی را که شامل کسانی می شد که عهد شکنی می کنند را تعیین می کند. بسیار محتمل است که نِحْمیا این کلمات را از کتاب مقدس انتخاب کرد تا آنها بفهمند و اعمال اشتباه خود را درک کنند و پیامدها و عواقب انتخاب های بد خود را بفهمند.

علاوه براین، هنگامی که این آیه می گوید «من آن مردان را سرزنش کردم و ایشان را لعنت کردم و آنان را کتک زدم و مویهایشان را گندم» (نِحْمیا ۱۳: ۲۵)، به جای دیدن نِحْمیا در خشم و واکنش غضبناک، ما باید توجه داشته باشیم که واکنش خشمناک و ضرب و شتم از مجازات اجتماعی و عمومی آن جامعه برگرفته شده بود. این نوع رفتار فقط به «برخی» از آنها اعمال می شد. این برای رهبران به این معنی بوده که، فقط شامل کسی می شده که باعث و ترویج دهنده این رفتار اشتباه بوده است. این اقدام ها باید به عنوان روش هایی برای شرمسار کردن در برابر همگان بکار می رفت. نِحْمیا می خواست

اطمینان حاصل کند که مردم شدت و سنگینی انتخاب اعمال بد خود و عواقبی را درک کنند که بدنبال خواهد داشت.

وقتی کار اشتباهی را در کلیسا می بینیم چگونه باید واکنش نشان دهیم؟

دوشنبه

۲۵ آذر

ملامت های نِحْمیا

نِحْمیا باب ۱۳: ۲۶ تا ۲۷ را بخوانید. اهمیت تاریخ کتاب مقدسی برای آگاه کردن ما از خطرات انحراف از مسیر درست چقدر مهم است و چه چیزی نشان می دهد؟

سلیمان با انتخاب‌هایی که در زندگیش کرد بیشتر به گناه سوق داده شد. می‌توان گفت که سلیمان دقیقاً با نافرمانی از احکام خدا به خاطر پادشاهان اسرائیل، باعث تباهی خود گردید « پادشاه نباید زنهای فراوانی داشته باشد، زیرا این باعث می‌شود که از خداوند دور بشود » (تثنیه ۱۷: ۱۷). زندگی سلیمان به عنوان یک نمونه منفی بکار برده می‌شود: او نه تنها بیش از یکبار ازدواج کرد، بلکه بطور قابل توجهی همانطور که نِحْمیا اشاره می‌کند، زنانی را انتخاب می کرد که خدایپرست نبودند.

چرا نِحْمیا در سرزنش کردن مردم بخاطر ازدواج با بیگانگان و مشرکان، حق داشت؟ پیدایش ۶: ۱ تا ۴؛ پیدایش ۲۴: ۳، ۴؛ پیدایش ۲۸: ۱، ۲؛ تثنیه ۷: ۳، ۴؛ و دوم قرنتیان ۶: ۱۴.

فرمان ازدواج نکردن یک مسئله نژادی یا ملی گرایی نبود بلکه در مورد بت پرستی بود. مردم در کتاب مقدس با غیر اسرائیلیان هم ازدواج کرده اند. موسی با صفورا، زنی از نسل مدیانی ها، و بوعز با روت زنی از موآبی ها، ازدواج کرد. در عوض، مشکل ازدواج در این فرمان مربوط به ازدواج با کسانی بود که اعتقادی متفاوت داشته و یا بی ایمان بودند. مشکل این بود که مردم در دوران عزرا و نِحْمیا کسانی را برای ازدواج انتخاب نکردند که به خدا معتقد بودند. ریچارد م. دیویدسن، در کتاب *Flame of Yahweh* (Peabody, Mass.: Hendrickson publishers, ۲۰۰۷)، می نویسد: « طرح عدنی (طرح اولیه خداوند) برای ازدواج فراخوانی برای کامل شدن دو طرف در یک ازدواج و یکپارچگی در ایمان روحانی و دیگر ارزش های مهم انسانی بود ». صفحه ۳۱۶. زنان مشرک

در این حکایت نخواستند که عقاید بت پرستی خود را رها کنند. در نتیجه نَحْمِیا شاید بیشتر نسبت به بی حرمتی به خداوند در اثر انتخابهای نادرست مردم ناراحت و متأسف بود، زیرا که از نظر او این نشان دهنده فقدان اعتماد به خداوند بود.

کتاب مقدس به ما فرمول هایی برای بکار بستن در اعمالمان می دهد که ایمان ما را در شالوده خدا محکم می کند که برای به حد اکثر رساندن خوشبختی و سعادت ما در زندگی تدبیر گردیده اند. به همین ترتیب، فرمان به همان اندازه که در مورد ازدواج صحبت می کند، قرار بود که به ما کمک کند تا زندگی بهتری را داشته و ما را بطور مضاعف تشویق کند تا خود را وقف خدا کنیم.

امروزه چه اصولی را از این حکایات می توانیم اقتباس کنیم که بتواند به ما کمک کند تا از ایمان خود و خانواده مراقبت کنیم؟

۲۶ آذر

سه شنبه

واکنش عزرا

عزرا باب ۹ را بخوانید. وقتی عزرا از ازدواج اسرائیلیان با بیگانگان بت پرست خبردار شد چه واکنشی نشان داد؟ عزرا در باب ۹: ۱ و ۲ بیان می کند که مردم « آنها را ازخودشان جدا نکردند ». کلمه « جدا نکردن » در آیات بعدی هم بکار رفته است: لاویان ۱۰: ۱۰؛ ۴۷: ۲۶؛ خروج ۳۳: ۱؛ پیدایش ۴: ۶، ۷، ۱۴، ۱۸. استفاده از این کلمه درمورد مسئله ازدواج یک ایماندار با یک بی ایمان به طور تلویحی به چه چیزی اشاره می کند؟

مردم برای مسئله ازدواج خود با غیر یهودیان نزد عزرا رفتند. واژگانی که آنها بکار بردند با آوردن اسامی اقوامی که با شناعت ها سر و کار داشتند، نشان دهنده آگاهی آنان از تورات به عنوان فهرستی بود که مستقیماً از روایت های کتاب مقدسی بر گرفته شده بود. جالب توجه این که، رهبران اجتماعی که خبر را به عزرا رساندند، حتی به عنوان رهبران روحانی قوم، کاهنان و لاویان، نیز در گناه ناشی از این سرپیچی قوم مقصر بودند. « عزرا در مطالعات خود در خصوص عواملی که باعث اسارت در بابل شده بود، فرا گرفته بود که ارتداد اسرائیل بطور زیادی بخاطر آمیختن با اقوام بت پرست قابل ردیابی بود. او دیده بود که اگر آنان فرمان خدا را اطاعت نموده و خود را از اقوام مجاور دور نگه می داشتند، از بسیاری از تجربیات تحقیر کننده و اندوهبار در امان می ماندند. حال وقتی که او فهمید که با وجود درسهای گذشته افراد برجسته جرات تخطی از شریعی را

یافته بودند که بعنوان حفاظی ایمن در مقابل ارتداد بود، قلب او بلرزه در آمد. او به خیریت و نیکوئی خدا اندیشید که دوباره برای آنان جایگاهی در وطن ایجاد کرده بود و او بخاطر عدالت و اندوه به سبب ناشکری آنان از غضب پر شد. - إلن جی وایت، انبیا و پادشاهان، صفحه ۴۵۴.

کلمه « جدایی » برای مقایسه کردن موجودیت ها بکار برده می شود. در حقیقت این ضدیت کامل را نشان می دهد. با این توضیح، مردم درک و دانش پیشین خود از فرمان خدا برای دوری از مذاهب دروغین را اذعان کردند. آنان فهمیدند که هیچکس نمی تواند بگوید که ازدواج او با همسری که عقاید متضاد دارد، بر روی روابط زناشویی و نحوه تربیت و پرورش فرزندان تأثیر نخواهد گذاشت، آنها متوجه شدند که چقدر وضعیت وخیم و جدی است.

در جهت حفظ ایمان در خانه و خانواده هایمان چه کاری می توانیم انجام دهیم، حتی اگر تصمیمات اشتباهی در گذشته گرفته باشیم؟

چهارشنبه

۲۷ آذر

اقدامات عزرا

عزرا باب ۱۰ را بخوانید. چگونه عزرا و رهبران با موضوع ازدواج با دیگر اقوام مشرک مقابله کردند؟

بطور دست جمعی، کل اجتماع کنندگان تصمیم گرفتند تا همسران خارجی شان را از خود دور کنند. شگفت انگیز است که حتی کسانی که با این زنان ازدواج کرده بودند با این طرح موافق بودند، به جز چهار مردی که نام آنها در کتاب عزرا باب ۱۰: ۱۵ ذکر شده است. یهودیان قول دادند که همسرانشان را از خود دور کنند، و این طرح ۳ ماه به طول انجامید. در پایان، ۱۱۳ مردان یهودی همسرانشان را رها کردند (عزرا ۱۰: ۱۸ تا ۴۳). جالب است که آخرین آیه (عزرا ۱۰: ۴۴) بیان می کند که حاصل برخی از این ازدواج های ناهمگون، باعث به وجود آمدن فرزندانی شده بود. فرستادن مادران از خانواده هایی که فرزند داشتند به نظر عملی منطقی و یا صحیح نیست. به هر حال، ما باید به یاد داشته باشیم که این یک دوران منحصر بفرد بود که خداوند در زندگی ملت یهود شروع بکار کرد، به این معنی که، آنها با او بودند. پیروی کامل از خدا نیاز به اقدامات اصلاحی اساسی داشت.

واژه های خاص که در عزرا باب ۱۰: ۱۱، ۱۹ برای « از خود جدا کنید » (badal) و « دور کنید » (yatza) استفاده شده، در هیچ جای دیگری در کلام خدا برای طلاق استفاده

نشده است. عِزرا از اصطلاحاتی که معمولاً برای طلاق بکار برده می‌شود، می‌توانسته اطلاع داشته باشد ولی او تصمیم می‌گیرد که از آن استفاده نکند. بدین ترتیب واضح است که عِزرا در نظر نگرفت که ازدواج‌ها معتبر هستند بعد از اینکه آشکار شد که آنها فرمان تورات را در این مورد نقض کرده‌اند. به عبارت دیگر، ازدواج آنان باطل بود زیرا که مغایر با حکم خدا بوده است. و این روندِ فسخ ازدواج‌های بی اعتبار بود. با این حال، ما اطلاعاتی در مورد آنچه که برای آن دسته از همسران و فرزندانشان که رها می‌شدند نداریم و یا این که این اقدام چه تاثیری در جامعه داشته است. با توجه به آداب و رسوم آن دوران، شوهران سابق مسئولیت نقل مکان همسران سابق خود و فرزندان آنان را به عهده داشتند. همسران معمولاً به خانه پدران خود در موطن خود بر می‌گشتند. با گذشت زمان، به هر حال، برخی از مردان یهودی دوباره شروع به ازدواج با زنان کافر کردند، شاید برخی حتی به همسران قبلی خود رجوع کردند که قبلاً آنان را از خود جدا کرده بودند. ماهیت فوری راه حل می‌توانست به ذات انسانی نسبت داده شود و چرخه دگرگونی تعهد ما، به خدا نسبت داده شود. حتی عده ای از ما که فکر می‌کنیم که دارای اعتقاد و ایمان قوی هستیم باید اعتراف کنیم که در گذر زمان تعهدمان نسبت به خدا کمتر شده است، هنگامی که راه رفتن با او می‌تواند دقیقاً به عنوان خواستن توصیف شده باشد. متأسفانه، بشریت برای قرار دادن خدا در اولویت زندگیش در حال کشمکش است.

تجربه شما از زمان‌های «سرسپردگی کمتر به خدا» چیست؟ از این تجربه چه آموخته اید؟

۲۸ آذر

پنجشنبه

ازدواج امروزه

از آنچه که در عِزرا و نِحمیا در مورد مسائل ازدواج با بی‌ایمانان دیده ایم، واضح است که برای خداوند مسئله ازدواج مهم است، و برای ما هم باید مهم باشد. ما باید با دعا، یک شریک زندگی بالقوه را برای ازدواج در نظر بگیریم و شامل اراده خداوند در تصمیمی که می‌گیریم باشد. و ما باید تصمیم بگیریم که به اصول خداوند وفادار باشیم، که می‌تواند ما را در مقابل ناراحتی و غم و اندوه در زندگی محافظت کند.

نگاهی به نحوه برخورد پولس با این مسئله بکنید، هنگامی که یک مسیحی همسر کافر داشت. با دقت اول قرن‌تین باب ۷: ۱۰ تا ۱۷ را مطالعه کنید. چگونه باید به ازدواج‌هایی که امروزه وصلت ناجور هستند، روبرو شویم؟

از آنجا که ما دربارهٔ جزئیات دقیقی از فرمان خداوند در کتاب مقدس در مورد چگونگی ازدواج های بین مذاهب نداریم، این مطلب می توانسته بسیار غیر عقلانی و ناعادلانه و بر خلاف مفهوم متن و اصول آن که خواهان جدایی از همسران بی ایمانشان راهکار درستی ارائه می دادند، بوده باشد. بر اساس این توضیح، باید این اقدام بوسیله عزرا توصیه شده باشد. وضعیت عزرا و نجمیا، رویدادی بود که فقط یکبار و براساس ارادهٔ خداوند بوده است (عزرا ۱۰: ۱۱)، زیرا که آینده و پرستش کل جامعهٔ اسرائیل در معرض خطر بود. آنها هویت خود را به عنوان عبادت کنندگان خدای حی ازلی را از دست می دادند.

ما می دانیم که در قرارگاه الفتنین یهودی در مصر (که با دوران عزرا و نجمیا هم عصر بود)، رهبران به ازدواج های مختلط اجازه دادند و در مدت کوتاهی مذهبی مختلط با یهوه و همسر بت پرستش، الهه آنات، گسترش یافت. علاوه براین، تبار وابسته به مسیح موعود هم در خطر می افتاد. بنابراین، این رویداد که تنها یکبار اتفاق افتاد، نباید به عنوان تجویزی برای فسخ ازدواج ها و خانواده ها در هر زمانی که ایمانداران و بی ایمانان ازدواج کنند باشد. در عوض، شرح حال، نشان دهندهٔ جایگاه ارزشمند خدا برای شریک مناسب در ازدواج است. شیطان خوشحال است، وقتی که ازدواج با شخصی که مشوق سرسپردگی ما به خدا نیست، صورت می گیرد، زیرا او می داند که اگر هر دو همسر دارای اعتقاد و ایمان مشترک باشند، پس آنها در کار رسالت و بشارتشان برای خدا قوی تر و موفق تر خواهند بود، نسبت به اینکه فقط یک نفر ایماندار باشد.

در حالی که کتاب مقدس دربارهٔ وصلت های ناجور در ازدواج پند و اندرز می دهد (دوم قرنیتان ۶: ۱۴)، همچنین آیاتی را می توانیم پیدا کنیم که از فیض مداوم به کسانی که انتخاب متفاوتی کرده اند، صحبت می کند. خدا، کسانی را که با کافران ازدواج کرده اند قدرت می بخشد تا به خداوند و همسرانشان وفاوار بمانند. خدا ما را رها نمی کند حتی هنگامی که انتخابی بر خلاف ارادهٔ او می کنیم، و اگر از او طلب کمک کنیم، او به ما کمک خواهد کرد. این بدان معنا نیست که هر کاری دلمان می خواهد انجام بدهیم و سپس علی رغم آن انتظار داشته باشیم که او ما را برکت دهد، اما هنگامی که با قلبی متواضع به حضور او برویم، او همیشه صدای ما را می شنود. بدون فیض خداوند هیچ امیدی برای هیچکدام از ما وجود نخواهد داشت، زیرا که همهٔ ما گناهکاریم.

جمعه

۲۰ آذر

تفکری فراتر: بخش اصلاحات ، صفحات ۴۹۳ تا ۴۹۹، از کتاب انبیا و پادشاهان، نوشته الن جی وایت را مطالعه کنید.

« مجاهدت در وظیفه تعیین شده توسط خدا بخش مهمی از مذهب واقعی است. انسان ها باید از شرایط بهره جویند بعنوان وسیله خدا تا بدانوسیله کار اراده خدا را انجام دهند. حرکت سریع و قطعی در زمان مناسب پیروزی با شکوهی را در پی خواهد داشت در حالی که تاخیر و قصور به شکست و بی حرمتی خدا منتج خواهد شد. اگر رهبران بخاطر حقیقت حمیت و

عشق و شوری از خود نشان ندهند، اگر بی تفاوت و بی هدف باشند، آنگاه کلیسا بی تفاوت، کاهل و راحت طلب خواهد بود ولی اگر آنان با هدفی مقدس برای خدمت به خدا و تنها به او پیر شوند مردم متحد، امیدوار و مشتاق خواهند شد.

کلام خدا مملو از مقایسه های گیرا و دقیق و صریح است. گناه و قدوسیت پهلوی به پهلوی هم قرار دارند که باید مراقب آن بود - ممکن است از یکی اجتناب و دیگری را بپذیریم و بالعکس. اوراقی که نفرت، کذب و خیانت سنبط و طوبیا را تشریح نمودند همچنین شرح دهنده شرافت و از خود گذشتگی و وقف عزرا و نحمیا بودند. ما آزادیم که از یکی از این دو گروه تقلید کنیم. نتایج مهیب تجاوز به احکام خدا در مقابل برکاتی هستند که از اطاعت حاصل می گردند. کار احیا و اصلاحات توسط کسانی که از تبعید بازگشته بودند تحت رهبری زروبابل، عزرا و نحمیا ادامه یافت و تصویری از کار بازسازی روحانی است که در خاتمه ایام در تاریخ این زمین شکل خواهد گرفت.» - کتاب انبیا و پادشاهان، صفحه ۴۹۷ و ۴۹۸، نوشته الن جی وایت.

سوالاتی برای بحث

۱. همانطور که این حکایات را مطالعه کردیم، به نظر واضح می رسد که بسیاری از مردم خود را وقف خداوند نکردند و او را در اُلویت اول زندگی خود قرار ندادند، چراکه آنها زنان بی ایمان را انتخاب کردند. بنابراین، عزرا نه فقط آنها را به حال خود، شیوه ها و اندیشه هایشان رها نکرد، بلکه به امید اینکه آنها را تغییر دهد و وادار به اطاعت از خدا کند، تلاش به سرزنش و اصلاح آنان کرد. آیا این تغییر، حقیقتاً رخ داد؟ با تغییر رفتار ظاهری آنان، آیا آنها از درون هم تغییر کرده بودند؟ آیا واقعاً خداپرستی و تسلیم خداوند بودن در آنان رشد پیدا کرده بود؟ چه شواهدی داریم که نشان می دهد، خیلی از آنها واقعاً تغییر نکرده بودند؟ ما چه چیزی را می توانیم از اشتباهات آنها درباره اینکه تغییر قلب واقعاً بسیار مهم است، یاد بگیریم؟

۲. از چه راه هایی می توانیم به کسانی که در کلیسای ما ممکن است با مشکلات ناشی از ازدواج ناخوشایند و غیر متعارف دست و پنج نرم کنند، کمک کنیم؟

۳. با وجود اینکه، اصول خداوند ابدی، قاطع و کامل هستند، فرهنگ ها خیلی متفاوت هستند. چرا ما باید این تفاوت ها را در نظر داشته باشیم، همانطور که در پی آن هستیم که اصول خدا را در زندگی و موقعیت خودمان بکار ببریم؟



ریاضی خدا

توسط اندرو مک چسنی، مبشر ادونتیس

یانی بِکر فردی محترم از آفریقای جنوبی با موهای فرفری و بور، به پایتخت ویتنام به همراه وجهی به مبلغ دو میلیون دلار اعزام شد تا وظیفه تاسیس اولین کلیسای ادونتیست روز هفتم را که به عنوان « مرکز فعالیت های موثر شهری » بود را برای کشورهای جنوب شرق آسیا به انجام رساند.

درهر حال بِکر در پیدا کردنِ ملکی مناسب در شهر هانوی با کشمکش روبرو بود. قیمت یک قطعه زمین خالی به مبلغ دو میلیون و حتی تا سه میلیون و چهار میلیون هم می رسید.

بکر در حالی که سفرهایی را ما بین ستاد مدیریت حوزه بشارتی کلیسای ادونتیست جنوب شرقی آسیا، سنگاپور و هانوی انجام می داد دعا می کرد؛ جاییکه او به عنوان معاون ویژه رئیس کلیسای ادونتیست بود.

بِکر گفت: « من حساب تعداد سفرهایی را که به ویتنام کرده ام، از دستم داده ام. شاید یک چیزی حدود ۱۵ تا ۲۰ سفر بوده باشد ».

بِکر ماموریت یافت تا از تدان سی ویلسون رئیس کلیسای ادونتیست برای یک سالن اجتماعات جهت خدمت به مردم هانوی در سال ۲۰۱۴ درخواست کمک نماید. ویلسون—که پس از بازدید از شهر و رهبری جلسات بشارتی در شهر هوچی مین صحبت کرد—متعهد شد تا به افزایش هدایای مورد نیاز کمک کند؛ با درک این مطلب که مبلغ توزیع شده ما بین ناحیه آسیا-اقیانوسیه جنوبی با منطقه بشارتی آسیای جنوب شرقی متناسب باشد. در پایان، کلیسای جهانی ادونتیست یک میلیون دلار، و حوزه و بخش مذکور نیز ۵۰۰ هزار دلار اختصاص داد.

اما بِکر نتوانست قطعه زمینی بیابد. ملک هایی که او بازدید کرده بود یا خیلی گران قیمت بود یا در جای بدی قرار داشتند. معامله سر نگرفت.

بعدها یکی از دوستان دوستِ بِکر او را به یکی از ساختمان سازان معرفی کرد که مالک قطعه زمینی بود و یک ساختمان با هفت فروشگاه را در آن بازسازی می کرد. ساختمان ساز تنها ۸/۱ میلیون دلار برای تمامی مخارج مطالبه

کرد. لحظه ای که بِکَرِ مَلِک دید متوجه شد که عالی است. تشریفات خشک و دست و پاگیر اداری و دیگر موانع، ماهها خرید را به عقب انداخت. خریدار دیگر از مَلِک خوشش آمد و مبلغ بیشتری را پیشنهاد داد. بِکَر به دعا کردن ادامه داد، و ساختمان ساز گفت که نقشه ادونتیسست برای منفعت جامعه است و نه برای ثروتمند کردن مالک و در نهایت پیشنهاد جدید را رد کرد.

بکر در ۲۲ می سال ۲۰۱۸ غرق در شادی شد وقتی که ویلسون و دیگر رهبران ساختمان هفت طبقه را افتتاح کردند که دارای کتابخانه، فروشگاه غذای بهداشتی و سالم، مدرسه زبان خارجی، مدرسه موسیقی، مرکزسلامتی، مرکزمدیریت آدرای ویتنام و سالن های همایش و سالن اجتماع بود. بِکَر گفت : « خدا با معجزاتی بیشتر از آنچه که من در نظر داشتم کار کرد. او بیشتر از آنچه که ما برای آن دعا کردیم داد. تمام جلال و شکوه از آن او باد ».

رهبران اسرائیل



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اول پادشاهان ۱۲: ۱ تا ۱۶؛ اعمال رسولان ۱۵: ۷ تا ۱۱؛ یوحنا ۱۱: ۴۶ تا ۵۳؛ نِجْمِیا ۴: ۷ تا ۲۳؛ عزرا ۸: ۲۱ تا ۲۳؛ ۳۱، ۳۲.

آیه حفظی: «آنگاه مردم به خانه هایشان رفتند و با شادمانی خوردند و نوشیدند و آنچه را که داشتند با دیگران قسمت کردند، زیرا آنچه را که برای ایشان خوانده شده بود، فهمیدند» (نِجْمِیا ۸: ۱۲).

هم عزرا و هم نِجْمِیا هر دو نمونه ای از رهبران بزرگ هستند، کسانی که خود را وقف خدا کردند و وظایفی را که خداوند به آن محول کرده بود را تکمیل کردند. عشق آنان به خداوند الهام بخش آنان در ایجاد شور و اشتیاق برای خدمتگزاری وفادارانه به او بود. در حقیقت، وفاداری و ایمان آنان در کانون مطالعه ما بوده است.

این هفته به گونه هایی از رهبری هایی که در کتاب مقدس یافت می شود، از جمله نمونه هایی از عزرا و نِجْمِیا نگاهی خواهیم انداخت. اینها درس های جامع و کاملی نیستند و مسلماً چیزهای بیشتری وجود دارند که می شود در مورد آنان بحث کرد. به هر حال، درس هایی که انتخاب شده اند برای هر رهبری بسیار مهم و ضروری می باشند. شما ممکن است که خود را در یک زمان خاص در زندگیتان به عنوان رهبر تلقی نکنید، اما ما بر روی برخی افراد تاثیر گذار هستیم، بنابراین، این دروس شامل حال هرکسی می تواند باشد.

کانون حکایات این رهبران، کلام خداوند است. کلامی که افکار و زندگی آنان را تغییر داد، و منجر به ایجاد کل طرح احیا و اصلاحات شد. آنها کاملاً مرهون کلام خدا و راهنمایی های او بودند که در آن یافت می شود. به همین ترتیب، مهم نیست که ما چه کسی هستیم، یا چه نقشی داریم، ما باید کلام خداوند را در کانون زندگی خود به عنوان یکی از مسیحیان اعضای کلیسای روز هفتم ادونتیست قرار دهیم.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۷ دی - ۲۸ December آماده شوید.

تأثیر رهبران

همه ما از طریق کتاب مقدس، می توانیم نمونه هایی از رهبری خوب یابد، و گاهی اوقات ترکیبی از هر دو را پیدا کنیم. رهبران بد، گاهی اوقات، برخی از کارهای خوب را انجام داده اند، در حالی که گاهی رهبران خوب، برخی از کارهای بد را انجام داده اند. بالاخره، همه این رهبران انسان بوده و دارای سرشت انسانی بوده اند، بدین ترتیب به عنوان انسان دارای فطرت خوب و بد، کارهای صواب یا نا صوابی انجام داده اند. چه کسی این واقعیت را در زندگی خود تجربه نکرده است؟

به هرحال، مشکل در اینجا است، زمانی که شما یک رهبر هستید، دارای قدرت خوبی برای تأثیرگذاری روی دیگران بصورت خوب و یا بد هستید. تأثیر منفی بر روی خانواده یا محل کار خودتان و یا هر جای دیگری که حضور شما در آن حس می شود، بد است. اما هنگامی که شما در مقام رهبری هستید، این تأثیر روحانی، سیاسی و یا هر دو چندین برابر است. پس چقدر بیشتر در هر نقشی که باشید، بخصوص به عنوان یک رهبر، تأثیر شگرفی خواهید داشت چون شما بازتاب کننده اصول و آموزه های کتاب مقدس می باشید.

به متون زیر نگاه کنید. چه نوع الگوهایی از رهبری را می توانیم در آن پیدا کنیم؟ اگر خوب پیدا کردید، توضیح دهید که چرا خوب است و اگر الگوی بد پیدا کردید، توضیح دهید چرا بد است.

رجعاع (اول پادشاهان ۱۲: ۱ تا ۱۶)

پطرس (اعمال رسولان ۱۵: ۷ تا ۱۱)

یوشیا (دوم پادشاهان ۲۳: ۱ تا ۱۰)

دبوره (دوم پادشاهان ۴: ۱ تا ۱۶)

خاب (اول پادشاهان ۲۱: ۱ تا ۱۶)

اگرچه اطلاعات در این مورد کامل نیست، با این وجود، چه درس هایی می توانیم از این حکایت درباره عناصری که می توانند یک رهبری را خوب یا

بد بسازند، بگیریم و چگونه می توانیم آنچه را که یاد می گیریم در زندگی خودمان در هر نقشی که داریم، اعمال کنیم؟

دوشنبه

۲ دی

شریر از نگاه خدا

به متون زیر نگاه کنید. آنها به ما درمورد این رهبران و تاثیر آنان بر روی مردم چه می گویند؟
اول پادشاهان ۱۵: ۲۶، ۳۴

دوم پادشاهان ۱۳: ۱ تا ۳

یوحنا ۱۱: ۴۶ تا ۵۳

برای بسیاری از ما در مقام رهبری باشیم یا در هر منسبی که قابلیت تقویت و یا تضعیف وضعیت روحانی مردم را داشته باشیم، اندیشه ای هشیار کننده است. و در همه موارد در اینجا، این تاثیرگذاری ویرانگرانه و منفی بوده است.

بطور ویژه منش و تعهد ما به مسیح می تواند تاثیری متفاوت بر روی کسانی که با آنان ارتباط داریم، بگذارد. رهبران روحانی بر روی دیگران تاثیرگذار هستند، اگر آنها خودشان در پی خداوند باشند، دیگران را هم بسوی او هدایت می کنند و اگر آنان در پی پیروی از خدا نباشند، دیگران را بسوی شریر سوق می دهند.

بر خلاف آنچه که امروز ما شاهد آن بوده ایم، این حقیقت که عزرا و نحمیا ارتباط مستحکمی با خدا داشتند، غیر قابل انکار است. زمان هایی که عزرا و نحمیا در روزه و دعا بوده اند، در این کتابها(عزرا، نحمیا) در مورد آنها بیان شده است، و این بیش از مدت زمانی است که در کتاب مقدس در مورد دیگر رهبران بیان شده است، حتی اگر همه چیز عالی نبود. مسیر و هدف آنان در زندگی در جهت خداوند بود. به عبارت دیگر، این حقیقت که افرادی بودند که تحت تاثیر عزرا و نحمیا قرار نگرفتند و تغییر نکردند، این شهادت می دهد که ایمان هیچکس نمی تواند ما را تغییر دهد مگر اینکه در نهایت این ایمان ما است که ما را تغییر بدهد. بالاخره، به مردمی نگاه کنید که فرصت این را داشته اند که عیسی را در جسم انسانی ببینند، موعظه او بشنوند و حتی شاهد و یا شنونده معجزات او باشند و اما با این حال او را انکار کردند. بله، ما هم وظیفه ای داریم که باید انجام دهیم، در هر پست و مقامی که باشیم، می توانیم تاثیر خوب و یا بدی داشته باشیم. اما در نهایت، هر فردی باید در حضور خداوند جوابگوی اعمال خودش باشد.

درباره افرادی که در قلمروی خودشان تاثیرگذار هستند، فکر کنید. چه راههایی هستند که می توانید تاثیر گذاری خود را بهبود بخشید؟

سه شنبه

۳ دی

شجاعت و توانمند سازی

نِحمیا باب ۴:۷ تا ۲۳ را بخوانید. نِحمیا شجاعت خود را به چه صورتی نشان داد؟ چه قدرتی این شجاعت را به او داد؟

نِحمیا در مقابل دشمنانی ایستاد که سعی می کردند یهودیان را بترسانند. نِحمیا پاسخ دشمنانش را با به دست گرفتن ابتکار عمل یعنی آماده سازی مردم برای جنگ داد. نِحمیا فقط نگفت « خوب خداوند تو همه چیز را انجام بده ». در عوض، او مردم را مجبور کرد تا وظیفه خود را در این کار انجام دهند. آنها درحالی که در ساخت دیوار کمک کردند، در دست دیگر برای دفاع سلاح و شمشیر داشتند. یهودیان تحت رهبری نِحمیا، در ترس و وحشت نبودند، بلکه به جای آن شجاعانه سلاح خود را برای دفاع از خودشان به دست گرفتند. نِحمیا مردم را تشویق کرد، آنان را باور کرد، با آنان کار کرد و به آنان مسئولیتی سپرد که به آن عمل کنند. او به آنان قدرت بخشید تا وظیفه ای که برای انجام آن تعیین شده بودند را انجام دهند. با این حال، نِحمیا فقط به مردم نگفت آنچه را آنان باید انجام دهند و سپس خود را در اتاقش پنهان کند. او در کنار مردم ایستاد و بسیار تلاش کرد تا آنچه را که لازم بود انجام شود.

زمان هایی در کتاب مقدس وجود دارد که خداوند به مردم می گوید که فقط بایستند و او را تماشا کنند که به خاطر آنان می جنگد، و سپس در عوض، زمان های زیادی وجود دارد که خداوند می گوید « آماده برای اقدام شوید و آن گاه من شما را پیروز خواهم کرد ». ما باید سهم خود را انجام دهیم، اگر که می خواهیم خداوند برکات خودش را شامل حال ما بکند.

« در دعای سختِ نحمیا برای کار خدا و اتکای جزم او به خدا، او درخواست کرد که نقشه دشمنان شکست بخورد. جانی که سست و کاهل است بسادگی در دام وسوسه می افتد ولی در زندگی که هدفی شریف و جالب دارد شیطان جایگاهی ندارد. ایمانی که همواره رو به رشد است ضعیف نمی شود و در هر جهتی محبت ازل را تشخیص می دهد و به سختی تلاش می کند تا هدف نیکوی او را به انجام رساند. خادمان واقعی خدا با عزمی که در آن خللی نیست کار می کنند زیرا تخت فیض تکیه گاه دائمی آنان است ». - کتاب انبیا و پادشاهان، صفحه ۴۸۶، نوشته الن جی وایت.

در آخر، نِحمیا شجاعت خود را از درک حقیقت و قدرت خداوند بدست آورده بود. به هر حال، همانطور که مشاهده کردیم، شناخت او از خدا منجر شد که او مطابق با ایمانش عمل کند.

اگرچه بستر وقایع و گفتار متفاوت است، چگونه آنچه را که از نِحمیا دیدیم در این متن منعکس می شود « ممکن است کسی بگوید: تو ایمان داری و من کارهای نیکو! تو به من ثابت کن چگونه می توانی بدون کارهای نیک ایمان داشته باشی و من ایمان خود را به وسیله کارهای خویش به تو ثابت می کنم »؟ (یعقوب ۲: ۱۸)

۴ دی

چهارشنبه

هدف و اشتیاق

متون زیر چه چیزی را درباره نیروی محرک در زندگی عزرا و نِحمیا به ما می آموزند؟ (نِحمیا ۱: ۲ تا ۲۰، عزرا ۷: ۸ تا ۱۰).

در تمام آنچه که آنها انجام دادند، عزرا و نِحمیا در پی این بودند که انجام اراده خدا را در زندگی قومش ببینند. بله، قوم خدا اشتباه و خطا کرد، بله، قوم او بخاطر خطاهایش مجازات شد، اما خدا که به وعده هایش در مورد احیا و بازگرداندن آنان وفاوار بود، راهی را برای بازگشت قوم خویش به سرزمین موعود می گشود، چنانچه به تکمیل هدفی که در مقابل آنان قرار داده بود، وفاوار می ماندند. و خداوند با خرد و حکمت خودش، دو مرد وفاوار و متعهد را انتخاب کرد، مردانی که تا حدودی در ایفای نقش اصلی در نجات و بازگشت قوم خدا شبیه موسی بودند، همانطور که او نسل موسی را سالها پیش از آن برای وظیفه ای در نظر گرفته بود.

رهبران بزرگ مانند این دو مرد دارای هدف هستند. آنان هدفی برای زندگی دارند که محرک آنان برای هر اقدامی است. این می تواند، دلیل این باشد که هر دو آنها در زندگیشان هدفی داشتند. آنها داری الهامی بودند، برای جایگاهی که می خواستند مردم خدا در آن منزلت قرار داشته باشند، پس، آنها تمام تلاش و توانایی خود را برای رسیدن و تکمیل آن هدف بکار گرفتند.

عزرا این کار را از طریق مطالعه کلام خدا و تعلیم آن به مردم انجام داد. نِحمیا مردم را به انجام آنچه که کار درست بود، ترغیب کرد، و شجاعانه برای کار خدا ایستاد. هر دو نفر می خواستند که بازسازی اورشلیم را ببینند، اما نه اینکه فقط از نظر فیزیکی آن را

احیا و بازسازی کنند. آنها همچنین خواستار احیا و اصلاح در زندگی روحانی ساکنان آن بودند. به همین علت است که آنها خواستار اصلاح و سرزنش و گاهی اوقات یک اقدام ویژه بودند. رهبران بزرگ به هدفی بزرگ و عالی تر از مسائل عادی باور و ایمان دارند. عِزرا و نِحمیا به محبت و قدرت خدا ایمان داشتند، خدایی که می تواند معجزه کند و آنها می خواستند همه با خداوند ارتباطی عمیق داشته باشند.

از آغاز باب ۱ کتاب نِحمیا، خواننده تحت تاثیر تعهد و وفاداری نِحمیا به خدا و همچنین غم و اندوه او نسبت به وضعیت مردم او قرار می گیرد. در فصل یکم، هنگامی که او از سختی های اسرائیلیان در یهودا می شنود، گریه و زاری می کند. او زانو می زند و قول می دهد تا هرکاری که خداوند او را برای انجام آن فراخوانده، انجام دهد. به نظرمی رسد که نِحمیا در اثر این ایده که دنیایی متفاوت ایجاد کند، تشویق می شود، او مرد عمل و آن هم عمل به خاطر خداوند بود، نِحمیا به خاطر بدست آوردن حقوق یا بدست آوردن منسبی برجسته تصمیم نگرفته بود که دنیایی متفاوت برای قوم خدا درست کند (هرچند که در سرزمین پارس از همه اینها برخوردار بود)، بلکه با با ملتی نه چندان خوشبخت که در هر مرحله از اقداماتش با مخالفانی مواجه بود، به سرزمین یهودا رفت. او بدون در نظر گرفتن موانع که در سر راهش قرار داشت، در این راه قدم گذاشت.

پنجشنبه

۵ دی

تواضع و استقامت

عِزرا باب ۸: ۲۱ تا ۲۳، ۳۱، ۳۲ را بخوانید. شما تصمیم عِزرا در صحبت نکردن با پادشاه را به عنوان یک کار احمقانه و یا شجاعانه در نظر می گیرید؟ چگونه عِزرا و مردم تواضع خود را نشان دادند؟

مدتها بعد، نِحمیا، همراهی گارد سلطنتی پادشاه به منظور محافظت از آنان را پذیرفت. اما در عوض عِزرا ایمان داشت که خداوند می تواند قدرت خودش را به آنان از این طریق بهتر نشان دهد، اگر آنان از پادشاه تقاضای کمک نکنند. بدین ترتیب، هنگامی که آنان بدون آسیب به یهودا رسیدند، این موفقیت متعلق به خدای آنان بود. شاید در شرایط خاص، ممکن است بیش از حد به روی دیگران حساب کنیم، به جای اینکه به خدا اجازه دهید تا در زندگی شما کار کند و قدرت و رحمت خودش را برای شما آشکار کند. عِزرا انتخاب کرد تا به خدا اجازه دهد تا در این وضعیت به او کمک کند و به پادشاه نشان دهد که همانا خداوند او پروردگاری قدرمند است.

به هر حال، عِزرا در این اقدام بر روی احتمالات حساب نکرد. او مردم را فراخواند که گرد

هم آیند. و همه با هم روزه بگیرند و دعا کنند. آنها قبل از اینکه سفرشان را آغاز کنند، زمانی را در دعا و روزه با خدا سپری کردند. آنها با تواضع و فروتنی به حضور خدا رفتند و از او خواستند که آنان را محافظت کند تا نشانه ای از قدرت او باشد، و خدا جواب دعای آنان را داد.

نِحْمِیا باب ۵: ۱۴ تا ۱۶ را بخوانید. چگونه نِحْمِیا تواضع خود را در حضور خدا نشان داد؟

رهبران واقعی باید تمایل داشته باشند تا خود را فروتن ساخته و خدمتگزار مردم باشند. رهبران شایسته و لایق، نیازی به بدست آوردن احترام و تکریم مردم ندارند. نِحْمِیا پذیرای مردم بود و با گشاده دستی آنچه را که مردم نیاز داشتند به آنان داد و آنان را تأمین کرد. او ایمان خود را به خدا نشان داد، و سرسپردگی باور نکردنی او به خدا الگوی مردم بود. او دارای شخصیت قوی و خلق و خویی بی نظیر بود، اما او خود را در مقام بالاتر از هرکس دیگری به عنوان مافوق قرار نمی داد. او در آن زمان بالاترین مقام را در میان قوم یهود داشت، و همچنان سخاوتمند بود. بدین ترتیب، او منعکس کننده زندگی و تعالیم مسیح بود، کسی که به ما یاد داد که بهترین روش برای رهبری مردم، خدمت کردن به آنها می باشد. عیسی این کار را کرد و ما هم باید بدون در نظر گرفتن مقام و منصبمان همین کار را انجام دهیم.

« عیسی بنشست و آن دوازده تن را فرا خواند و گفت: «هر که می خواهد نخستین باشد، باید آخرین و خادم همه باشد» (مرقس ۹: ۳۵). در اینجا کلام عیسی درباره آنچه که باید به معنای یک رهبر واقعی در دید خداوند باشد، چه چیزی به ما یاد می آموزد؟

۶ دی

جمعه

تفکری فراتر: بخش مزیت دعا، صفحات ۶۰ تا ۶۸، از کتاب گام هایی بسوی نور، نوشته الن جی وایت را مطالعه کنید.

« کار احیا و اصلاحات توسط کسانی که از تبعید بازگشته بودند تحت رهبری زروبابل، عزرا و نحمیا ادامه یافت و تصویری از کار بازسازی روحانی است که در خاتمه ایام در تاریخ این زمین شکل خواهد گرفت. باقیمانندگان اسرائیل مردمی ضعیف بودند و در معرض تاخت و تاز دشمنانشان بودند ولی از طریق ایشان خداوند قصد داشت تا در زمین دانش و معرفت خود و احکام خویش را حفظ نماید. آنان حافظان و نگاهبانان عبادت واقعی بودند و نگاهدارندگان سروش الهی. وقتی که آنان معبد و دیوارهای اورشلیم را بازسازی می کردند تجربه های گوناگونی کسب کردند و مخالفت با آنان جدی بود.

باری که رهبران در کار خود بدوش می کشیدند سنگین بود ولی این مردان بدون تزلزل و اطمینان به پیش رفتند - با روح تواضع - و تکیه استوار به خدا ایمان داشتند که خدا باعث خواهد شد که حقیقت وی به پیروزی دست یابد. مادند حزقیای پادشاه، نحمیا « به خداوند چسبیده، از پیروی او انحراف نورزید و اوامری را که خداوند به موسی امر فرموده بود، نگاه داشت. و خداوند با او می بود و به هر طرفی که رو می نمود پیروز می شد و بر پادشاه آشور عاصی شده، او را خدمت نمود » (دوم پادشاهان ۱۸: ۶ و ۷) - کتاب انبیا و پادشاهان صفحه ۴۹۸، نوشته الن جی وایت.

سوالاتی برای بحث

۱. چرا باید هرکاری که می توانیم در حضور خداوند برای حمایت از رهبران خود انجام دهیم؟
۲. چرا سبک رهبری خدمتگزار مردم بودن بسیار دشوار است، و در عین حال از اجر برخوردار است؟ چرا برای یک رهبر مسیحی بسیار مهم است که یک خادم خوب هم باشد؟
۳. در آغاز و پایان و در میانه کتاب، نحمیا، ا دعا می کند. هم عزرا و هم نحمیا مردان دعا بودند. حساب دقیق تعداد کلمات " دعا " و " دعا کردن " در کتاب عزرا و نحمیا ذکر شده است. این رهبران دائماً دعا می کردند. این چه چیزی را درمورد دعا در زندگی خود ما، می خواهد به ما بگوید؟
۴. « او به خداوند چسبیده بود و از پیروی او انحراف نمی ورزید، و فرمانهایی را که خداوند به موسی داده بود نگاه می داشت » (دوم پادشاهان ۱۸: ۶). چگونه یک فرد می تواند به خداوند بچسبد؟ این به چه معنا است؟ چگونه چسبیدن به خداوند، با حفظ احکام او مرتبط است؟



دیدن تصویر کلی

توسط اندرو مک چسنی

یک خانواده پنج نفره تقریباً هر روز به محوطه کلیسای ادونتیست روز هفتم در پایتخت سودان جنوبی، جوبا آمده و تقاضای غذا می کردند. پیتر فنوی که یک پزشک مبشر بود و کلینیک کوچک ادونتیست روز هفتم را درمحوطه کلیسای ادونتیست روز هفتم مدیریت می کرد، دریافت که عملکرد خانواده گیج کننده است.

او از خودش پرسید: «چه برسر این مردم آمده است؟ چرا هر روز می آیند و طلب غذا می کنند؟ هیچ کاری نمی توانند برای خودشان انجام دهند؟» یک روز، پیتر تصمیم گرفت تا پاسخ ها را بیابد و به سراغ خانه ای در نزدیکی خانه آن خانواده رفت. آنچه که دید، او را شوکه کرد. پدر، مادر، دو دختر و پسرشان به نوبت می خوردند. تنها پدر و پسر یک روز را غذا می خوردند و مادر و دخترها نیز روز دیگر را.

پیتر که اهل آرژانتین بود، به محوطه بازگشت و آنچه را که کشف کرده بود به همسرش ناتاشا که در اُستیای جنوبی به دنیا آمده بود و قسمتی از اتحاد جماهیر شوروی سابق بود، بازگو کرد.

به همسرش گفت: «ما تنها به کار پزشکی تمرکز کرده ایم و مردم نیازمند اطرافمان را فراموش کرده ایم. کار پزشکی چیز خوبی است؛ اما جامعه به چیزی فراتر نیاز دارد: آب تمیز، غذا، تور پشه و ظرفهایی برای حمل آب.»

بعد از دعا، پیتر تصمیم گرفت تا پیشنهاد پروژه ای ۱۵۰ هزار دلاری را به ستادهای آژانس توسعه و امداد ادونتیست ایالات متحده بنویسد. او تا به حال تخمین پیشنهاد پروژه ننوشته بود؛ اما سازمان آدرا پیشنهاد را پذیرفت و مبلغ مورد نیاز را مهیا ساخت. طولی نکشید که کلینیک ادونتیست روز هفتم، مونوکی، به عنوان پروژه آدرا در جوبا شناخته شد. سال ۲۰۰۵ بود، ماهها قبل از آنکه توافق صلح خاتمه یافته و نبرد عظیم نظامی به وجود آید.

کلینیک کوچک خدماتش را به موارد غذایی و غیر غذایی، بهداشت آب و

امدادرسانی ارتقا داد. تنها در طی یک سال، هدایای پروژه از ۱۵۰ هزار دلار به دو میلیون دلار جهش پیدا کرد.

پیتر گفت: «من شگفت زده شده‌ام. من پی بردم که تمرکز بر مردم و نیازهایشان، می‌تواند پروژه‌هایی را توسعه دهد که به دیگران کمک می‌کند.»

زندگی پیتر از اینرو به آنرو شد. سازمان آدرا او را به دانشگاه اندروز در ایالت میشیگان آمریکا فرستاد تا مدرک فوق لیسانس را در توسعه بین‌المللی بگیرد. سپس او به چند آژانس کمکی؛ مثل مشاوران پناهندگی دانمارک، ورلد ویژن و یونیسف در اردن، لبنان، اُستایای جنوبی و چین روسیه کار کرد که شامل آدرا می‌شد.

اما همه چیز از یک چیز کوچک شروع شد — تمایل برای دانستن این که چرا یک خانواده هر روز تقاضای غذا می‌کند.

پیتر ۳۹ ساله در یک مصاحبه‌ای در دانشگاه ریورپلایت ادونتیست که قبلاً در آنجا تحصیل کرده بود و مبشرینی مثل او به کل جهان فرستاده می‌شوند گفت: «تمامی زندگی من قبلاً تنها به پزشکی متمرکز بود. نمی‌دانستم که چیزی فراتر از اتاق مشاوره پزشکی وجود دارد.»

پیتر گفت: «تنها بر چیزی که دارید متمرکز نشوید و یا بر چیزی که قرار است انجامش دهید متمرکز نشوید. در جستجوی این باشید که مردم واقعاً به چه چیزی نیاز دارند- و بعد می‌توانید پاسخی مسیحی گونه و فراتر از آن بدهید.»